



گاه‌شناسی

حزب کارگران کردستان



گاه‌شناسی
حزب کارگران کردستان
PKK

(از تأسیس تا سال ۲۰۱۳)

گاه‌شناسی حزب کارگران کردستان پ.ک.ک

ترجمه: مرکز رسانه‌ای پژاک

ویرایش: گروه ویراستاری

صفحه‌آرایی و طرح جلد: سالار کردستانی

انتشارات: مرکز انتشارات پژاک ۱۴۰۰ ه.ش

تعداد صفحات: ۷۸

چاپ یکم زمستان ۱۴۰۰ - ۲۰۲۲

چاپخانه گریلا

فهرست

پیشگفتار ۶

گاه‌شناسی ۷

پیش‌گفتار

طی سالهای اخیر برنامه‌ریزی و تلاش جهت تدوین و تألیف تاریخ رویدادی (کرونولوژی) PKK یکی از موضوعات مورد بحث در آکادمی‌های ما بود، از همین رو در داخل و خارج از آکادمی وظایفی در همین رابطه به رفقا محول گردید. در نهایت فعالیت‌های سیستماتیکی انجام گرفت و نتیجه آن نیز دستاوردهایی فراوان بود.

بدون شک امکان دستیابی به تمامی منابع و تلاشهای رهبر آپو میسر نبود و عملی کردن آن مستلزم کار و تلاش بسیار زیاد ایدئولوژیکی، سیاسی، سازمانی، نظامی، تئوریک و فرهنگی حزب، خلق، گریلا و زنان و جوانان است.

هرچند کارمان به پایان نرسیده و تلاشمان در این مورد همچنان ادامه خواهند داشت، اما به چارچوبی در باب کنگره‌ها و کنفرانس‌ها، مسائل و نکات مهم و مبارزات و شهدای حزب به شکلی کلی دست یافته‌ایم که اقدام به نشر آن کرده و در آینده نیز به همت رفقا کامل‌تر خواهد شد. ضمن آرزوی موفقیت، امید آن داریم که نتیجه تلاشهایمان برای خوانندگان عزیز مفید واقع شود.

۱ تیرماه ۱۳۹۸

۲۰ ژوئن ۲۰۱۹

آکادمی علوم اجتماعی عبدالله اوجالان

گاه‌شناسی

۴ آوریل ۱۹۴۹

رهبر خلق کرد عبدالله اوجالان در چهارم آوریل سال ۱۹۴۹ در روستای آمارا واقع در بخش خلفتی استان رجا (اورفا) دیده به جهان گشود. پدرش عمر و مادرش عَویْش نام داشتند. عبدالله فرزند چهارم خانواده بود و پس از سه خواهرش به دنیا آمده بود. وی دو برادر کوچکتر نیز داشت. دوران کودکی‌اش در روستای «عمرلی» سپری شد و تحصیلات ابتدایی را در حد فاصل سالهای ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۲ در روستای «جبین» به پایان رساند. دوران راهنمایی را در شهر کوچک «نزیپ» ۱۹۶۲ / ۱۹۶۵ و دبیرستان را در دبیرستان آنکارا ۱۹۶۵ / ۱۹۶۹ گذراند. وی در روستا بیشتر تحت تأثیر دین و فرهنگ اجتماعی بود و در دوران دبیرستان با افکار سوسیالیستی آشنا شد.

پاییز ۱۹۶۹ / تابستان ۱۹۷۰

اوجالان به مدت یک سال در مسیر شهرهای آمد(دیاربکر)، پیاس و آرغنی کارمند اداره‌ی ثبت اسناد و املاک بود. وی پس از آشنایی با شهرهای رجا و آنکارا با شهر مرکزی کردستان یعنی آمد آشنا شد و در همان‌جا بود که اندیشه‌ی آزادی کردستان در تفکرات وی ریشه دواند.

سالهای کارآموزی ۱۹۷۰ / ۱۹۷۱

رهبر خلق کورد پس از قبولی در رشته‌ی حقوق دانشگاه استانبول یک سال در این شهر مشغول به تحصیل گشته و با گروهی تحت عنوان کانون‌های انقلابی فرهنگی شرق Doğu Devrimci Kültür Ocakalari-DDKO فعالیت می‌کرد. در همین شهر بود که با «ماهر چایان» و رفقاییش که از انقلابیون چپ بودند آشنا شد.

۱۲ سپتامبر ۱۹۷۱

حکومت سلیمان دمیرل در جریان کودتای ۱۲ سپتامبر سرنگون شد. به ریاست «نهاد آریم» یکی از نمایندگان پارلمان از حزب جمهوری‌خواه خلق CHP دولتی مخصوص با شماری از تکنوکرات‌های ترکیه تشکیل گردید. دولت کودتا در راستای سرکوب سوسیالیست‌ها، انقلابیون و نیروهای آزادی‌خواه تحت عنوان «جنبش تبر» به

سازماندهی کنترا گریلاها پرداخت. در این زمان رهبر ملت کرد در استانبول دانشجوی بود.

سال کارآموزی ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲

رهبر خلق کورد با کسب نمره قبولی در رشته علوم سیاسی دانشگاه آنکارا، پس از دو سال بار دیگر به پایتخت ترکیه برگشت.

۳۰ مارس ۱۹۷۲

«ماهر چایان» رهبر جنبش آزادی‌بخش خلق ترکیه به همراه ۹ تن از رفقاییش توسط نیروهای ارتش ترکیه در روستای قزل دره واقع در شهر توکات نیکسار به قتل رسیدند. آن‌ها برای جلوگیری از اعدام دنیز گزمیش و رفقاییش سه تکنسین خارجی را گروگان گرفته بودند. با این‌حال آن‌ها نیز کشته شده و تنها کسی که از قتل عام جان سالم بدر برد ارتغول کوروکچو بود که او هم دستگیر شد.

۷ آوریل ۱۹۷۲

اعتصاب و پخش اعلامیه‌های اعتراضی توسط دانشجویان در اعتراض به کشتار قزل دره. اوجالان یکی از پیشاهنگان این حرکت اعتراضی بود که همراه عده‌ای دیگر دستگیر و جمعا به مدت ۷ ماه در زندان «ماماک» محبوس شد.

۶ می ۱۹۷۲

«دنیز گزمیش»، «حسین اینان» و «یوسف اصلان»، رهبران ارتش رهایی‌بخش خلق ترکیه در آنکارا اعدام شدند. در این زمان عبدالله اوجالان در زندان ماماک دوران محکومیت خود را می‌گذرانند.

۲۴ اکتبر ۱۹۷۲

دادگاه به خاطر کمبود مدارک علیه رهبر خلق کرد وی را از زندان آزاد کرد. به محض آزادی از زندان بنا به توصیه یکی از دوستانش که اهل منطقه‌ی دریای سیاه به نام صدری و آدرسی که او داده بود به خانه‌های دانشجویی در محله‌ی باغچلی اولر رفت و با «کمال پیر» و «حقی قرار» که در آنجا ساکن بودند ارتباط پیدا کرد و اینگونه تا هنگام شهادت آن دو رفیق همیشه با هم بودند. رهبر اوجالان حدود دو سال در این خانه ماند و به مطالعه و فعالیت پرداخت و در همین دوران بود که نخستین نمودهای رهبریت پدیدار شدند. نتیجه‌گیری رهبر اوجالان مبنی بر اینکه «کردستان مستعمره است». در این خانه شکل گرفت و به هنگام تشریح همین موضوع برای حقی قرار، به حالتی بی‌هوش‌مانند فرو رفت.

روزهای پس از نوروز ۱۹۷۳

رهبر خلق کرد عبدالله اوجالان در ایام نوروز در نزدیکی سد «چوبوک» که تأمین کننده آب آنکارا بود جلسه‌ای را با حضور ۶ تن از دانشجویان کرد تشکیل داد که

۹ حزب کارگران کردستان

همین گروه در واقع هسته‌ی اصلی سازماندهی PKK شدند. در این نشست ضمن تبیین تز «کردستان مستعمره است» فعالیت‌های گروه آغاز شدند. علاوه بر رهبر آپو، «علی حیدر قیطان» (رفیق فؤاد) از شهر درسیم، «موسی اردوغان» از شهر حیلوان، «مصطفی آک‌ساکا» از شهر العزیز و «خلیل اصلان» و «اسماعیل بینگول» از شهر گم‌گم (وارتو) در این گردهمایی حضور داشتند. در کل سال ۱۹۷۳ این عده به عنوان یک گروه کردستانی فعالیت‌های تبلیغی و حزبی می‌کردند. بعدها به جز علی حیدر قیطان دیگر اعضای گروه یکی پس از دیگری از گروه جدا شدند.

۱۸ می ۱۹۷۳

ابراهیم کاپاک کاپاک کایا رهبر حزب کمونیست ترکیه-مارکسیست لنینیست TKP-ML در شهر درسیم زخمی و دستگیر شد. ابراهیم کاپاک کایا در نتیجه شکنجه‌های شدید در زندان شهر آمد کشته شد. عبدالله اوجالان در این زمان سازماندهی گروه خود را آغاز کرده بود.

ژانویه تا آوریل ۱۹۷۴

حزب جمهوری خلق CHP برنده انتخابات ۱۴ ژوئیه ۱۹۷۳ در پی ائتلاف با حزب نجم الدین اربکان دولت جدیدی تشکیل داده و زندانیان کودتای ۱۲ سپتامبر را آزاد کردند. شمار زیادی از انقلابیون از بند آزاد شده و فعالیت‌ها و سازماندهی مجدد را آغاز کردند. در ۸ آوریل ۱۹۷۴ و در جریان نشست‌ها و اجلاسی که در حد کنفرانس بود ضمن تبیین برنامه و شرح وظایفی مشترک، رهبریت مشترک نیز تعیین شد. کانون آموزش عالی دموکراتیک آنکارا ADYOD که در ابتدای سال ۱۹۷۴ از سوی جوانان حزب کارگران سوسیالیست سازماندهی شده بود آغاز به کار کرد. رهبر اوجالان پیشاهنگی فعالیت‌های حزبی را برعهده داشت و حقی قرار نیز در رهبری آن جای گرفت.

۱ اکتبر ۱۹۷۴

به هنگام باز شدن دانشگاهها در آنکارا اعضای انجمن دانشجویان میهن‌دوست انقلابی آنکارا (ADYOD) بیش از ده هزار اطلاعیه پخش کرده و این اقدام موجب درگیری میان دانشجویان انقلابی و فاشیست‌ها گردید. در جریان این فعالیتها رهبر آپو کلیه وظایف خود را به نحو احسن انجام داد. دیگر اعضای مرکزی رهبری به سبب کم کاری ناچار به انتقاد از خود شدند.

۴ دسامبر ۱۹۷۴

در پی دستور دولت، جوانان فعال ADYOD مورد یورش پلیس قرار گرفته و ۱۶۲ نفر از آنها بازداشت و به مدت یک هفته در زندان ماماک حبس می‌شوند. در میان این گروه عبدالله اوجالان و علی حیدر قیطان هم دیده می‌شدند.

ژانویه ۱۹۷۵

به جای ADYOD که منحل شده بود کانون آموزش عالی آنکارا (AYOD)

سازماندهی شد. به خاطر شمار پرتعداد دانشجویان، «کانون جبهه راه انقلابی» در گروه رهبریت (AYOD) جای گرفت. رهبر اوجالان ضمن انتقاد از اندیشه و رفتارهای سوسیال شوینیستی این گروه، از حضور در رهبری آن خودداری می‌کند. وی تمام سال ۱۹۷۵ را به سازماندهی، تبلیغات، تحقیق و آموزش به عده‌ای پرداخت که آنها را تحت عنوان "آپوچی‌ها" (آپوئیست‌ها) می‌شناختند و به انقلابی‌های کردستان معروف بودند. و بر همین اساس نخستین گروه ایدئولوژیک PKK شکل گرفت.

۶ می ۱۹۷۵

در پی چراغ سبز آمریکا، دولتهای ایران و عراق قرار داد صلحی در الجزایر امضا کردند. پس از قطع کمک‌های حکومت ایران به حزب دموکرات کردستان عراق PDK، ملا مصطفی بارزانی اعلان شکست و عقب نشینی به خاک ایران کرد. در این هنگام جلال طالبانی و رفقاییش تأسیس اتحادیه میهنی کردستان YNK را اعلام کردند اما آن‌ها نیز که نیروی تازه و نسبتاً کم تعدادی بودند نتوانستند مقاومت کنند و پس از عبور از منطقه بوتان به سوریه رفتند. همزمان رهبر آپو در شمال کردستان به سازماندهی نیروهای انقلابی مشغول بود و تلاش می‌کرد تأثیر شکست جنوب کردستان و بارزانی را خنثی کرده و مسیر مقاومت و پیروزی را به کردستانیان بشناساند. به همین منظور رهبر آپو در سال ۱۹۷۵ در شمال کردستان با همه گروه‌ها و سازمان‌های کردی ملاقات کرده و خواهان همکاری و سازماندهی مشترک شد. اما هیچ‌کدام از گروه‌ها با این پیشنهاد موافقت نکردند. از همین رو گروه آپوئیستی با هدف تشکیل حزب تصمیم به بازگشت به میهن می‌گیرد.

ژانویه ۱۹۷۶

رهبر آپو جلسه تحلیل فعالیت‌های یک ساله حزبی را در خانه‌ای دانشجویی واقع در منطقه دیکمن شهر آنکارا و با حضور بیست تن از اعضای گروه برگزار کرد. فعالیت‌های حزبی در آنکارا مثبت ارزیابی شده و تصمیم بر این شد که فعالیت‌های انقلابی به کردستان منتقل شوند. علاوه بر این، در همین نشست «حقی قرار» و «قمر اوزکان» به عنوان دستیاران عبدالله اوجالان برگزیده شدند. بدین ترتیب از این به بعد گروه آپوچی‌ها از سوی یک کمیته‌ی سه نفره مدیریت و رهبری می‌شود.

۱۸ می ۱۹۷۶

فوضی اصلانسوی دانشجوی «دانشگاه حاجی‌تپه» و عضو گروه میهن دوست، در نزدیکی دانشگاه بدست فاشیست‌ها کشته شد. رهبر آپو همراه با عده‌ای از مبارزان پیکر وی را به شهر پرسوس می‌برند. در مراسم خاکسپاری اصلانسوی حدود ۱۰ هزار نفر از مردم مشارکت کرده و برای اولین بار شعارهای «مرگ براشغال‌گری» و «زننده باد خودمدیریتی» سر دادند. در جریان تشییع جنازه، درگیری‌هایی با پلیس روی داد. این مراسم اولین عملیات باشکوه گروه انقلابیون کردستان بود و در واقع بازگشت به میهن بر پایه‌ای انقلابی شکل گرفت. با وجود این که در این حرکت اعتراضی رفقای میهن چون «محمد خیری دورموش»، «کمال پیر» و «مصطفی گزگور» به همراه چهل

حزب کارگران کردستان ۱۱

انقلابی دیگر دستگیر شدند، اما در کل تأثیر مثبتی بر افکار عمومی گذاشت. دستگیر شدگان به زندان شهر آمد منتقل شدند و از این به بعد زندان نیز به مرکز دیگری برای مقاومت و مبارزه تبدیل گردید.

۳ ژوئیه ۱۹۷۶

رفیق «علی دوغان یلدرم» که در آنکارا همراه با دوزلو چایر به گروه پیوسته بود، هنگام آموزش نظامی طی حادثه‌ای به شهادت می‌رسد. پیکر او به زادگاهش درسیم منتقل و همانجا به خاک سپرده شد. علی دوغان نخستین شهید گروه بود از همین رو برای همیشه در خاطره‌ها باقی ماند.

۳۱ دسامبر ۱۹۷۶ - ۱ ژانویه ۱۹۷۷

جلسه تحلیل و بررسی فعالیت‌های سالانه در خانه‌ی «نجاتی کایا» (پیلوت، به معنی خلبان) واقع در محله «دیکیم‌آوی» آنکارا برگزار شد. در این جلسه که با حضور رهبر آپو برگزار گردید فعالیت‌های سال ۱۹۷۶ بررسی و مثبت ارزیابی شدند. در این نشست تحت عنوان گروه اتحاد جوانان انقلابی کردستان همچنین بر انجام فعالیت‌های گسترده‌تر و موثرتری تأکید گردید.

۷ مارس ۱۹۷۷

رفیق «آیدین گل» از جوانان عضو گروه آپوئیست و دانش آموز مقطع دیپلم در شهر درسیم بدست افراد گروهی با نام «رهایی خلق» به شهادت رسید. این رویداد به تقویت هرچه بیشتر عزم رفقا در ضدیت با اندیشه‌های سوسیال شوینیزم منجر شد.

مارس - می ۱۹۷۷

رهبر آپو روز ۱۲ مارس جلسه اعضا را در دفتر اتحادیه مهندسين و معماران برگزار و سپس جلسات دیگری در شهرهای عزیز، درسیم، چولیک، آمد و دیلوک (عنتاب) و منطقه‌ی سرحد برگزار نمود. به طور متوسط در هر یک از این جلسه‌ها حدود ۵۰ تا ۸۰ نفر شرکت می‌کردند. در این جلسات رهبر آپو خط سیاسی ایدئولوژیک و چارچوب تئوریک گروه را برای اعضا تشریح می‌کرد. آخرین و بزرگترین نشست در هفته اول ماه می در دیلوک برگزار و پس از آن به آنکارا بازگشت.

۱ می ۱۹۷۷

در نتیجه‌ی حمله‌ی نیروهای کنتر گریلا (گروه‌های ویژه‌ی ضربتی ضد گریلا) به کنفدراسیون سندیکاهای کارگران انقلابی Devrimci İşçi Sendikaların (DİSK) در محله تقسیم استانبول ۳۴ تن کشته و صدها نفر نیز مجروح شدند. طبق تأیید رسانه‌ها «علاالدین کاپان» قاتل رفیق حقی قرار نیز در میان مهاجمین بود.

۱۸ می ۱۹۷۷

رفیق حقی قرار طی عملیاتی برنامه‌ریزی شده بدست اعضای گروهی مزدور به

نام ستاره سرخ به شهادت رسید، رفیق حقی مبارزی بود که رهبر آپو در توصیف او گفت: «حقی همانند روح پنهان من بود».

در اوائل ماه ژوئن نیروهای پلیس به خانه رفیق مصطفی قره‌سو واقع در محله توزلوچایر حمله کردند، اما با دوراندیشی رهبر آپو این اقدام پلیس بی نتیجه ماند. رفیق کمال پیر روز سوم ژوئن در حالی که مسلح بود در آنکارا دستگیر شد. در واقع حزب جنبش ملی‌گرا Milliyyetçi Halk Partisi MHP با پشتیبانی گروهی در میان ارتش به منظور ممانعت از تحولاتی که در کردستان در حال وقوع بود، قصد انجام کودتایی را داشت، اما در نهایت اقدام به کودتا بی نتیجه ماند. گروه آپوچی با تحلیل دقیق پیام حکومت تصمیم گرفت تا کلیه اقدامات خود را بر مبنای اصل دفاع مشروع سازماندهی کند.

رهبر آپو پس از شهادت حقی قرار گرفت «انگار آبی جوشان بر سرمان ریختند» و دو موضوع را در اولویت کار گروه قرار داد. انتقام انقلابی و آغاز حرکت بسوی تأسیس و تشکیل حزب. تمامی افراد کنترا گریلا که در قتل رفیق حقی دست داشتند به سزای اعمالشان رسیدند. از سوی دیگر رهبر اوجالان در حد فاصل یکم تا یازدهم سپتامبر و در محله «هوش‌گورو» شهر دیلوک اساسنامه حزبی را تدوین کرد.

۲۱ و ۲۲ نوامبر ۱۹۷۷

جلسه‌ای در شهر آمد با حضور ۲۰ تن از رفقا به منظور بحث و گفتگو در رابطه با مشکلات سازماندهی و برنامه و اساسنامه حزبی برگزار گردید. رهبر آپو به سازماندهی در راستای تأسیس و تشکیل حزب اولویت می‌داد در حالیکه «شاهین دومز» سازماندهی جوانان را مهم‌تر می‌دانست. مظلوم دوغان و برخی از رفقا از نظریه رهبر آپو حمایت کردند و در نهایت تصمیم بر آن شد که اینگونه جلسات بحث و مشاوره ادامه یابند.

آوریل ۱۹۷۸

جلسه‌ی دیگری جهت بحث بر سر مشکلات حزبی در شهر العزیز برگزار شد. در این جلسه نیز بر اهمیت فعالیت‌ها در راستای تأسیس و تشکیل حزب تأکید گردید. جهت انتشار ارگان حزبی به نام سرخوبون (استقلال) هیئت تحریریه‌ای تعیین گردیده و موظف شدند که این مجله را به صورت غیرقانونی منتشر کنند.

۱۵ تا ۲۲ می ۱۹۷۸

هفته سوم ماه می در گرامیداشت رفیق حقی قرار به عنوان «هفته‌ی کار و فعالیت» اعلام و در همین رابطه بروشور و اعلامیه‌هایی چاپ و منتشر شدند. از منطقه سرحد تا استانبول در همه جا اعلامیه‌ها و آفیش‌های بزرگ پخش و یا بر دیوارها چسبانده شدند. یک سری عملیات‌های مسلحانه نیز علیه نیروهای پلیس انجام گرفتند و بدین ترتیب انقلابی بزرگ رفیق حقی قرار به تمامی مردم کردستان و ترکیه شناسانده شد.

۱۹ می ۱۹۷۸

در منطقه‌ی حیلوان استان رها، مزدوران عشیره‌ی سلیمان با همکاری و هماهنگی

حزب کارگران کردستان ۱۳

پلیس به جوانان انقلابی که اعلامیه و آفیش‌ها را پخش و نصب می‌کردند حمله بردند. در جریان این حمله رفیق «خلیل چاوگون» که از پیشاهنگان جوانان حیلوان بود به قتل رسید. فاشیسم MHP با استفاده از تمامی امکانات دولتی قصد تسلط کامل و مطلق بر استان رحا را داشت. رهبر آپو در تحلیل شرایط موجود بر ضرورت انتقامی موثر تأکید کرد. بر همین اساس دفاع و مقاومتی شش ماهه در حیلوان آغاز شد و سرانجام این مقاومت پس از طی مراحل فراوانی در ۲۷ نوامبر با تسلیم شدن افراد عشیره سلیمان به پیروزی رسید.

۲۴ می ۱۹۷۸

رهبر خلق کورد با بصورت رسمی با «کسیره ییلدرم» (فاطمه) ازدواج کرد. این تلاشی بود برای تدوین مشی چگونگی حیات در جنبش آپویی و پیشبرد آن. رهبر اوجالان در مورد آن رابطه گفته بودند: هم‌راستا با بُعد عاطفی آن، می‌خواست اولین زنی که به جنبش پیوسته بودند را پرورش داده و نیرومند سازد و همزمان با آن جوامع سنی - علوی و جنوب و شمال کردستان را به همدیگر آشنا کند. گرچه در ابتدا کسیره ییلدرم و خانواده‌اش مخالف بودند، ولی بعدها موافقت کردند. از ابتدا کسیره ییلدرم خواستار یک رابطه خانوادگی کلاسیک بود و همیشه با ایجاد مشکلات، این رابطه مشخص را به ابزار تصادم دائمی مبدل می‌کرد. در طرف مقابل رهبر اوجالان در تلاش بود که رابطه‌ی موجود را به وسیله‌ی برای پیشبرد خط‌مشی حیات آزاد مبدل کنند و اعلام کردند درمقابل تلاش‌ها برای تبدیل رابطه به یک رابطه‌ی کلاسیک در پی گسترش خط‌مشی‌های زن و ایجاد فرصت‌های آموزشی و سازماندهی بوده است.

ژوئیه ۱۹۷۸

رهبر خلق کرد عبدالله اوجالان در خانه‌ای در شهر آمد مانیفست "راه انقلاب کردستان" را به رشته‌ی تحریر درآورده و در راستای تلاش‌ها جهت تأسیس حزب بر ضرورت اقدام انقلابی علیه ساختارها، نهادها و افراد مزدور تأکید نمود.

۱۱ آگوست ۱۹۷۸

رفیق کمال پیر در منطقه‌ی نارلی شهر بازارجخ دستگیر شد.

۲۶ تا ۲۷ نوامبر ۱۹۷۸

در روستای فیس ناحیه‌ی لیجه وابسته به شهر آمد، کنگره تشکیل حزب با حضور ۲۲ تن از نمایندگان کادرها برگزار و حزب کارگران کردستان PKK اعلام موجودیت می‌کنند. در میان شرکت‌کنندگان در کنگره ۲ نفر از اعضا زن بودند. از جمع ۲۵ نماینده دعوت شده به کنگره ۳ تن از نمایندگان کادرهای حزب از منطقه حیلوان از جمله رفیق «محمد قره‌سونگور» بخاطر شرایط سخت حاکم بر شهر خلفتی نتوانستند در کنگره حاضر شوند. در این کنگره، برنامه، اساسنامه و مانیفست نوشته شده توسط رهبر آپو مورد تأیید قرار گرفت. کنگره ضمن ارزیابی و تحلیل اوضاع سیاسی بر ویژگی‌های تأسیس و تشکیل حزب رسمی تأکید کرد. در این کنگره رهبر آپو به عنوان

۱۴ گاه‌شناسی پ.ک.ک

دیبر کل و «محمد قره‌سونگور» و «شاهین دوغمز» به عنوان معاونان دبیرکل برگزیده شدند. کنگره یک کمیته‌ی مرکزی ۷ نفره را تصویب کرده بود و از همین رو انتخاب ۴ عضو دیگر به رهبر اوجالان سپرده شد. کنگره‌ی تأسیس حزب کارگران کردستان با موفقیت برگزار گردید. اسامی شرکت کنندگان در کنگره از این قرارند: «عبدالله اوجالان»، «مظلوم دوغان»، «محمد خیری دورموش»، «سکینه جانسیز»، «سیف‌الدین زوغورلو»، «علی حیدر قیطان»، «جمیل باییک»، «دوران کالکان»، «عبدالله کومرال»، «کثیره بیلدرم»، «حسین توچگودار»، «محمد جاهید شتر»، «باقی قرار»، «رسول آلتین‌اوک»، «علی چتیز»، «فرزنده تاغاچ»، «صبحی کاراکوش»، «شاهین دوغمز»، «محمد توران»، «علی گوتدوز»، «فاروق اوزدمیر» و «عباس گوکتاش».

۱۳ دسامبر ۱۹۷۸

هیئت اجرایی حزب، نخستین جلسه‌ی خود پس از کنگره را در شهر آمد برگزار کرد. در این جلسه نتایج کنگره و اوضاع سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. رفیق محمد قره‌سونگور به علت حضور در فرماندهی نظامی از هیئت اجرایی کنار گذاشته شد و وظایف او به جمیل باییک محول گردید.

۱۹ - ۲۴ دسامبر ۱۹۷۸

در راستای نابودی کردها در شرق فرات و در چارجوب پروژه امحا، کنترت گریل‌های ترک در شهر مرعش قتلعام‌هایی انجام دادند. هدف نابودی کردهای علوی در مرعش بود. در نتیجه صدها نفر کشته و مجروح و دهها هزار تن نیز ناچار به ترک مرعش شدند. خانه‌ها و محل کار مردم را آتش زدند. در پی آن دولت به رهبری بولنت اجویت در ۱۶ استان از جمله ۱۳ استان کردستان اعلام حکومت نظامی کرد. رهبر آپو این قتل عام‌ها را واکنش حکومت ترکیه نسبت به تأسیس حزب کارگران کردستان ارزیابی کرد و تأکید نمود که حکومت وارد مرحله انجام کودتای جدیدی شده و کلیه اقدامات نیز در راستای این امر انجام می‌گیرند. این جمع‌بندی و ارزیابی‌ها در بروشوری تحت عنوان «تحلیلی بر قتل عام مرعش» نگارش و به عنوان شماره ویژه مجله سرخوبون منتشر گردید.

۵ ژانویه ۱۹۷۹

نخستین جلسه هیئت اجرایی پس از کنگره در شهر آمد برگزار گردیده و بر اساس تصمیمات کنگره، رهبر اوجالان، چهار تن را، محمد خیری دورموش، مظلوم دوغان و باقی قرار را به عنوان اعضای دیگر کمیته مرکزی برگزید. جمیل باییک قبلاً انتخاب شده بود. بدین ترتیب جلسه‌ی کمیته‌ی مرکزی ۷ نفره با حضور ۳ برگزیده کنگره و ۴ نفر دیگر شروع شد. در این جلسه ضمن بحث و ارزیابی پیرامون قتل عام مرعش، سازماندهی حزبی و اقدامات اجرایی برنامه ریزی شدند.

۱ فوریه ۱۹۷۹

دومین جلسه‌ی هیئت اجرایی در شهر آمد برگزار شد. در این جلسه مقرر شد

فوریه ۱۹۷۹

رهبر اوجالان در آپارتمان گون‌آیدن شهر آمد اعلامیه تأسیس PKK را نوشت. اعلامیه از سوی کمیته مرکزی ویرایش و به صورت بروشور در حدود ۲۰ نسخه چاپ شد. در ابتدای ماه می بروشورها به شکلی مخفیانه در میان کادرها و سپس در ۳۰ ژوئیه به شکل اطلاعیه در میان مردم پخش شدند.

۵ آوریل ۱۹۷۹

کمیته مرکزی PKK دومین جلسه خود را در ساختمان گون‌آیدن شهر آمد برگزار کرد. در این جلسه اوضاع سیاسی و پیشرفت‌ها در امور سازماندهی و اقدامات عملی در کردستان مورد تحلیل قرار گرفتند. اعلامیه‌ی تأسیس PKK که از جانب رهبر آپو آماده شده بود، تأیید و عنوان PKK تثبیت و به مرکز مطبوعاتی ارسال گردید. به‌عنوان گام تاکتیکی در این مرحله تصمیم بر آن شد که مبارزه علیه «جلال بوجاک» سردسته باند مزدوران سیورک را گسترش دهند.

مقرر گردید که علاوه بر رهبریت حزب، کمیته سازماندهی و کمیته رسانه‌ی مرکزی و کمیته نظامی مرکزی نیز ایجاد شود. بر همین اساس جمیل بایک، شاهین دوغز و باقی قرار در کمیته سازماندهی، مظلوم دوغان، دوران کالکان و کئیره ییلدرم در کمیته رسانه و محمد قاراسونگور، رضا آلتون و فهمی ییلماز در کمیته نظامی جای گرفتند. جلسه‌ی ۲۷ آوریل کمیته اجرایی مرکزی، به ارزیابی پیامدهای بسط و گسترش رهبری متمرکز از اول ماه می و چگونگی موضع‌گیری کمیته‌ی مرکزی حزب در رابطه با آن پرداخت.

۱۲- ۱۷ می ۱۹۷۹

در جریان درگیری میان فاشیست‌ها و انقلابیون و در چارچوب عملیاتی که از سوی استانداری العزیز سرپرستی می‌شد، چند تن از اعضاء و رهبران حزب به نام‌های شاهین دوغز، حامیلی ییلدرم، سکینه جانسز، آیتکین توغلوک و علی گوندوز دستگیر می‌شوند. شاهین دوغز به عنوان عضو کمیته‌ی مرکزی حزب سازماندهی مناطق شمالی را مدیریت می‌کرد. بقیه‌ی رفقا کمیته تازه تأسیس العزیز را راه‌اندازی می‌کردند. شاهین دوغز بلافاصله پس از دستگیری تسلیم دشمن شده و تمامی اطلاعات حزبی را افشا می‌کند. بدین ترتیب حکومت ترکیه در جریان کنگره و تأسیس PKK قرار می‌گیرد. بولنت اجویت نخست وزیر ترکیه برای دستگیری رهبر اوجالان تمامی امکانات و نهادهای حکومتی را بسیج می‌کند. در این شرایط رهبر اوجالان در شهر قزل‌تپه وابسته به ماردین بود و به محض مطلع شدن از اوضاع به اورفا رفت و از همانجا تحولات را دنبال کرده و راهنمایی‌های لازم را انجام می‌داد.

۵ ژوئن ۱۹۷۹

بعد از دستگیری رفقا و اعضای حزب در شهر العزیز، جلسه هیئت اجرایی از

سوی رهبر آپو و جمیل باییک در رحا تشکیل شد. به جای شاهین دونمز، دوران کالکان برای عضویت در کمیته‌ی مرکزی برگزیده شد. رهبر آپو در ماه ژوئن برای سازماندهی عملیات بر علیه عشیره‌ی مزدور گشته‌ی بوجاک و سازماندهی گریلا، با محمد قره‌سونگور ملاقات می‌کند. برای راه اندازی مجدد کمیته‌ی مرکزی حزبی با مظلوم دوغان، جمیل باییک و دوران کالکان ملاقات و بحث و گفتگو کردند. باتوجه به شرایط پیش آمده، سازماندهی و آمادگی‌های جدیدی را انجام دادند. وضعیت جدید، بر روی تصمیم و فکر کردن در مورد فعالیت و سازماندهی در خارج از میهن تأثیر بسیاری داشت. این اوضاع تأثیر بسزایی در شکل‌گیری اندیشه و تصمیم برای خروج از میهن داشت.

۱ ژوئیه ۱۹۷۹

جلسه‌ی هیئت اجرایی مرکزی شامل رهبر آپو، جمیل باییک، دوران کالکان در شهر رحا تشکیل شد. تصمیم گرفته شد که سازماندهی کمیته‌ی مرکزی مجدداً انجام گیرد و بر تغییر مکان اعضایی که هویت آن‌ها آشکار شده بود، تأکید گردید. در این جلسه همچنین زمان اعلام تأسیس حزب و تصمیم انتقال دادن رهبر آپو به غرب کردستان (روژآوا) گرفته شد.

۲ ژوئیه ۱۹۷۹

رهبر آپو همراه با رفیق «آدهم آکجان» از مسیر شهر اورفا پرسوس به شهر کوبانی رفتند. این خروج بخاطر حفظ امنیت رهبری بود و نیز فرصتی بود برای پیشرفت ارتباط با مناطق دیگر. بدین ترتیب بعد از مدت کوتاهی از طریق دمشق خود را به لبنان رساند و تاجایی که فرصت بود با سازماندهی خلق کورد و کمک به سازماندهی فلسطینی‌ها ارتباط خود را با خلق فلسطین تقویت کرد. بر همین مبنا فرصت و امکان لازم برای آموزش گریلاهای کردستان و شرایط ماندن در بیروت را فراهم آورد.

۳۰ ژوئیه ۱۹۷۹

رفقا و طرفداران حزب با پخش ۳۰ هزار اعلامیه از منطقه‌ی سرحد گرفته تا استانبول و در همه جای شمال (باکور) کردستان خبر تأسیس PKK را اعلام کردند. در اطلاعیه‌ها از تمامی زحمت‌کشان، جوانان، زنان و همه مردم میهن دوست کردستان برای مقاومت و مبارزه دعوت شده بود. در همان روز علیه وکیل حزب عدالت «محمد جلال بوجاک» در روستای کرباشی حیلوان عملیات نظامی انجام گرفت. بوجاک در این عملیات با زخمی کوچک جان سالم به در برد و بعدها با حمایت دولت علیه PKK عملیاتی را سازماندهی کرد. در این عملیات یکی از رفقای پیشاهنگ مقاومت حیلوان به نام «صالح کندال» شهید شد. اگر چه عملیات چندان موفقیت آمیز نبود اما هویت PKK را نیرومند کرد و دستاوردی بزرگ از لحاظ سیاسی به همراه داشت. فرماندهی PKK از لحاظ تسلیحات نظامی در وضعیت خوبی نبود اما از همه امکانات و فرصت‌ها علیه مزدوران محمد جلال بوجاک استفاده کرد. به همین سبب مقاومت سیوژک حرکتی

۱۷ حزب کارگران کردستان

تاریخی شد. در آن زمان رهبر آپو در مرز مابین سوریه و لبنان بود. به منظور مشخص کردن اهداف، سبک و تاکتیک برای کمیته مرکزی دستورالعملی فرستاد اما به علت دستگیر شدن مظلوم دوغان این دستور العمل بدست کمیته مرکزی نرسید.

۹ - ۱۰ سپتامبر ۱۹۷۹

مزدوران عشیره‌ی بوجاک در روستای «آخسون» پیشاهنگان مقاومت سیورک، رفقا «جمعه تاک»، «عبدالحمید ماتاپ»، «علی چات»، «سعدون دمیر کوچ» و «جمعه پوزکویون» را به قتل رسانده و جنازه هایشان را به رودخانه فرات انداختند.

سپتامبر ۱۹۷۹

با درخواست رهبر آپو اولین گروه شامل ۱۵ نفر به منظور آموزشهای گریلابی به لبنان و فلسطین اعزام شدند. در این گروه معصوم کورکماز، دلیل دوغان و سیف الدین زوغورلو حضور داشتند. در آن زمان رفیق کمال پیر از زندان رها فرار کرده و او نیز جهت آموزش گریلابی به لبنان و فلسطین رفت.

۱ اکتبر ۱۹۷۹

رفیق مظلوم دوغان در حال عزیمت جهت شرکت در نشست کمیته‌ی مرکزی به همراه «بیلدرم مَرکیت» و «آیسل چروک کایا» در خروجی شهر ویرانشهر دستگیر شد. وی هنگام دستگیری شناسنامه‌ای جعلی به نام «ابراهیم شنول» در دست داشت، این شناسنامه در حیلوان ثبت شده بود. بدین ترتیب دستورالعملی که رهبر آپو برای کمیته مرکزی نوشته شده بود به دست دشمن می افتد و حکومت ترکیه از خروج رهبر آپو از کشور مطلع می‌شود.

اکتبر ۱۹۷۹

بعد از دستگیری مظلوم دوغان، جلسه کمیته مرکزی به حالت تعلیق در آمد. این جلسه بعداً در اواسط اکتبر در شهر دیرک وابسته به ماردین برگزار شد اما به علت نرسیدن دستورالعمل رهبر آپو نتیجه‌ی نشست کمیته مرکزی رضایت‌بخش نبود. در این جلسه بطور کلی مسائل سازماندهی حزبی، حملات دشمن، مشکلات و پیشرفت‌های مقاومت سیورک تحلیل گردیده و شرح وظایف انجام گرفت. همزمان ضرورت حضور محمد خیری دورموش در هیئت اجرایی احساس شد و او نیز شرکت کرد و او نتایج نشست را شفاهاً به رهبر آپو و جمیل باییک گزارش دادند.

۱۱ نوامبر ۱۹۷۹

حکومت ترکیه علیه کادرها و هواداران PKK دستگیری‌های وسیعی را آغاز کرد. موج دستگیری‌ها ابتدا شهرهای حیلوان و سیورک و سپس تمامی شهرها و مناطق کردستان را در بر گرفت. همزمان شب ۱۹ نوامبر رفیق محمد خیری دورموش و فرهاد کورتای در خانه‌ای در شهر قوسر وابسته به ماردین دستگیر شدند. روز ۱۲ نوامبر شهردار شهر الیح (باتمان) رفیق «ادیب سولماز» که یک ماه قبل در انتخابات محلی برگزیده شده بود به دست کنتراگریلاها به قتل رسید. رهبر آپو پیشتر نگرانی‌های خود را در

مورد امنیت شهردار ایح ابراز کرده بود، به همین دلیل از مسئولان مربوطه به شدت انتقاد کرد.

نوامبر / دسامبر ۱۹۷۹

رفیق جمیل بایک به محل آموزشی لبنان - فلسطین رفته و نتیجه‌ی جلسه کمیته مرکزی را به رهبر آپو گزارش می دهد. رهبر آپو در دسامبر رفیق محمد قره‌سونگور را برای انجام فعالیت‌هایی به شرق کردستان اعزام می کند. رهبری همچنین خواهان پایان دادن به جنگ سیورک شده و از کادرهای حزب می خواهد تا برای آموزش به لبنان بروند. رهبر آپو همچنین خواهان ایجاد تغییراتی در سطح مدیریت اجرایی در داخل میهن شد و بر همین اساس طی ماههای ژانویه و فوریه گروه‌های جدیدی برای آموزش عازم لبنان شدند.

ژانویه ۱۹۸۰

احزاب راه آزادی DDKD و KUK به منظور ممانعت از حضور PKK در مناطق ماردین و بوتان تحت نام اتحاد نیروی دموکراتیک ملت (اویگ) عملیات نظامی علیه PKK آغاز کردند. حمله‌ی مورد نظر ابتدا در شهر سری‌کانی (جیلان پینار) و تحت فرماندهی ارتش و نیروهای امنیتی ترکیه آغاز شد. و بر این اساس در روز ۲۵ مارس سال ۱۹۸۰ ارتش اشغالگر ترکیه روستای شکستون شهر دیرک ماردین را مورد حمله قرار داد و میان ارتش اشغالگر ترکیه و گریلاهای PKK درگیری شدیدی روی داد. در جریان این درگیری ۳ افسر ترک کشته و همچنین اعضای کمیته‌ی شهر ماردین، رفیق احمد کورت، محمد کورت، سلیمان دوغرو به همراه سه تن از میهن‌دوستان شهید شدند. این درگیری‌ها تا پاییز سال ۱۹۸۰ ادامه داشتند و پس از دیدار رهبر آپو با حزب کمونیست عراق خاتمه یافتند. در کل در این درگیری‌ها که در شهرهای رحا، ماردین، آمد و ایح روی دادند حدود ۷۰ تن از طرفداران و کادرهای PKK شهید شدند.

۲۱ - ۲۸ آوریل ۱۹۸۰

در پاسخ به حملات ارتش اشغالگر ترکیه و با هدف پیشبرد عملیات‌های مقاومت از ۲۱ تا ۲۸ آوریل به عنوان «هفته سرخ» نام‌گذاری شد و طی این هفته در مجموع ۱۲۰ فقره عملیات کوچک و بزرگ علیه دشمن انجام گرفت.

ماه می ۱۹۸۰

در راستای همبستگی خلق‌های فلسطین و کورد در کمپ آموزشی لبنان، مراسم شب فرهنگ کوردی برگزار شد. هنرمندان شوان پرور و گلستان پرور و همچنین رفیق دلیل و حاجی موسی و کادرهای PKK که در حال آموزش بودند در این مراسم حضور داشتند. برنامه‌ریزی مراسم از سوی رهبر آپو انجام شده بود و از طرفی دیگر مراسم پایان دوره آموزش هم بود.

می / ژوئن ۱۹۸۰

سه گروه از گریلاها با پایان دوره آموزشی به شمال کردستان بازگشتند. یکی از

حزب کارگران کردستان ۱۹

گروهها با فرماندهی رفیق محمد سَوکات به مناطق اطراف شهر سَمسور و شمال شرق رشته کوه های توروس عازم شدند. گروه دوم به فرماندهی دلیل دوغان به کوهستان های منطقه‌ی درسیم و گروه دیگر به فرماندهی رفیق کمال پیر و معصوم کورکماز به مناطق کوهستانی سیرت و بوتان رفتند. بدین ترتیب همه گروه‌ها به مناطق خود رسیده و فعالیت‌هایشان را برای آماده کردن نیروهای گریلا آغاز کردند. از سوی دیگر این فعالیت به معنای آمادگی جهت حملات ناگهانی بود. همزمان فرماندهی منطقه بوتان، نقش فرماندهی مرکزی را داشت.

۱۲ آگوست ۱۹۸۰

معصوم کورکماز و کمال پیر در حین سفر و سوار بر خودرویی در شهر سیرت به کمین دشمن افتادند. کمال پیر بی‌هوش شده و اسیر گشت و معصوم کورکماز درحالیکه زخمی شده بود از صحنه‌ی درگیری خارج شد. حکومت ترکیه با دستگیری کمال پیر متوجه حضور گریلاهای آموزش دیده در کوهستان‌های کردستان شد. این وضعیت انجام کودتای نظامی را تسریع کرد.

۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰

ارتش ترکیه با انجام کودتایی قدرت را در دست گرفت. این کودتا با رهبری ژنرال کنعان آوَرَن ضمن لغو قانون اساسی و ۲۸ نهاد حکومتی، سیستمی دیکتاتوری و فاشیستی و متکی بر ارتش ایجاد کرد. جامعه را خُرد کرده و کردستان را مجدداً اشغال نموده و قصد نابودی تمام نیروهای انقلابی و در رأس آنها PKK را داشت. در جریان فرارندوم ۷ نوامبر ۱۹۸۲ قانون اساسی جدیدی به تصویب رساند که طبق آن جمهوری ترکیه بر مبنای فاشیسم و قدرت ارتش تعریف می‌شد. پس از آن با انجام انتخاباتی از پیش تعیین شده دولت را به حزب ANAP به رهبری تورگوت اوزال تحویل داد و همه اینها با تأیید ایالات متحده آمریکا و ناتو انجام گرفتند. رهبر آپو در زمان انجام کودتا در سوریه بود.

۱۳ سپتامبر ۱۹۸۰

رهبر آپو در جلسه‌ای با حضور جمیل باییک و دوران کالکان در سوریه با تحلیل کودتای ۱۲ سپتامبر، به تبیین تاکتیکها و راهکارهای مقابله با رژیم کودتا از سوی PKK پرداخت و بر نقش آمریکا و ناتو در کودتا تأکید داشت. در افشای شخصیت ساختار جدید حکومت تأکید کرد که حکومت کودتا تلاشی نمودن تمامی نهادهای جامعه مدنی و بویژه نابودی سازماندهی خلق کورد و PKK را برنامه‌ریزی می‌کند. در این شرایط مقاومت در برابر کودتا و خنثی کردن آن لازم است اما آماده‌سازی عملی و سازمانی برای این امر ناکافی است. بنابراین، مقاومت در برابر کودتا با عقب نشینی مجدد و آموزش و سازماندهی بر اساس یک عقب نشینی جزئی، موثرتر و صحیح تر خواهد بود. بر همین مبنای روند آماده‌سازی برای عقب نشینی جزئی را آغاز کرد. مسئولان و کادرهای PKK نیز که در زندان بودند این تصمیم را صحیح ارزیابی کردند. و بدین ترتیب عقب نشینی کادرها از کردستان و برگشتن به لبنان آغاز شد.

با حمله عراق به ایران جنگ هشت ساله دو کشور آغاز گردید. این وضعیت از لحاظ سیاسی میان رهبری مشترک در کردستان فاصله انداخت و از لحاظ نظامی در مرزهای جنوب و شرق شمال کردستان شکافهای جدی ایجاد کرد. PKK با بهره‌گیری از فضای سیاسی و نظامی به توسعه تهرینات و آمادگی‌های گریلابی پرداخت. این جنگ در هشتم مارس سال ۱۹۸۸ خاتمه یافت و یکی از اهداف پایان بخشیدن به آن مقابله با بهره‌گیری بیشتر PKK از این وضعیت بود.

اکتبر نوامبر دسامبر ۱۹۸۰

PKK عقب نشینی خود را بعد از کودتای ۱۲ سپتامبر با سازماندهی مشخصی انجام داد. بر همین اساس طی این پروسه در ماه‌های اکتبر، نوامبر و دسامبر در مناطق درسیم، چولیک (بینگول)، ماردین، بازارچرخ درگیرهای مسلحانه‌ای با ارتش اشغالگر ترکیه روی داد که طی آن ده‌ها تن از رفقای عضو حزب شهید شدند. روز ۷ اکتبر در روستای مَمان، رفیق دلیل دوغان و روز ۱۵ نوامبر در منطقه پولور شهر درسیم، رفیق عظیمه دمیرتاش و دو تن از رفقای شهید شدند. ۲۴ سپتامبر در منطقه گاب ماردین رفیق محمود گودن و سه تن از رفقای شهید شدند و در ۲۹ اکتبر در منطقه ی بلوک‌آی نیز رفیق ذکی پالا بییک و پنج تن از دیگر رفقا شهید شدند. در ۲۷ دسامبر ۱۹۸۰ رفیق حسین دورموش، ۶ فوریه ۱۹۸۱ «بَطال اوَسُن» در شهر بازارچرخ و روز ۱۷ می ۱۹۸۱ رفیق «بَسی آنوش» در منطقه‌ی شهر «چولیک» (بینگول) شهید شدند. با اینحال PKK طی شش ماه اکثریت نیروهای خویش را با موفقیت به عقب کشید. تمامی این نیروها در لبنان و فلسطین در کمپ‌های آموزشی شروع به آموزشهای ایدئولوژی و نظامی کردند.

۱۳ آوریل ۱۹۸۱

در جریان اولین اعتصاب غذا که از روز ۴ مارس در زندان شهر آمد شروع شده بود رفیق علی آرک شهید شد. در پی این اعتصاب شکنجه و فشارها شدت یافتند. با آغاز دادگاه اصلی PKK برای همه کادرهای پیشاهنگ تقاضای حکم اعدام شد.

۱۵ - ۲۶ ژوئیه ۱۹۸۱

در کمپ جبهه‌رهایی بخش دموکراتیک فلسطین در لبنان، اولین کنفرانس PKK برگزار شد. ۶۰ تن از رفقا از همه مناطق در کنفرانس حضور داشتند که حدود ۱۰ نفر از آنها رفقای زن بودند. «گزارش سیاسی» تهیه شده توسط رهبر عبدالله اوجالان به نمایندگی از کمیته مرکزی در ابتدای کنفرانس خوانده و مورد بحث قرار گرفت. اعضای دیوان کنفرانس عبارت بودند از رهبر آپو، صلاح الدین چلیک و ابراهیم آیدین. کنفرانس به تحلیل روند پس از کودتای ۱۲ سپتامبر و فعالیت‌های حزبی بر اساس انتقاد و خود انتقادی پرداخت. رهبر عبدالله اوجالان استراتژی جنگ دراز مدت انقلابی خلق را به عنوان استراتژی مبارزه با کودتای فاشیستی و نظامی ۱۲ سپتامبر معرفی کرد. اقداماتی که می‌بایست بر این اساس انجام گیرند، برنامه ریزی شده بود و بر همین مبنا تصمیم گرفته شد که بازگشت به کشور آغاز شود. این کنفرانس با انتخاب اعضای

۲۱ حزب کارگران کردستان

کمیته مرکزی که تعداد آنها به ۱۱ نفر افزایش یافت کار خود را با موفقیت به پایان رساند. پس از کنفرانس کمیته مرکزی در نشست‌ی تصمیمات کنفرانس را برنامه‌ریزی و وارد مرحله اجرایی کردند. رفیق محمد قره‌سونگور که از فعالیت در شرق و جنوب کردستان آمده بود و در کنفرانس شرکت کرده بود، بار دیگر برای انجام فعالیت‌های سازماندهی به محل قبلی اعزام گردید.

اکتبر ۱۹۸۱

پس از برگزاری کنفرانس دوره آموزشی مرکزی که به عنوان بخشی از آمادگی برای بازگشت به میهن انجام شده بود، با یک اختتامیه با حضور مهمانان به پایان رسید. رهبر آپو به این نتیجه رسیده بود که بر اساس ارزیابی‌های وی تدارکات این امر کافی نبوده و لازم است مقدمات بیشتری فراهم گردد. بدین ترتیب رفیق معصوم کورکماز نیز همراه با محمد قره‌سونگور برای فعالیت‌های گریلایی و تدارک مقدمات در جنوب و شرق کردستان مأموریت گرفته و به مناطق مذکور اعزام شدند. کادرها در کمپ آموزشی مجدداً سازماندهی شدند. رهبری در زمستان ۸۱ / ۸۲ همراه با گروهی از کادرها در سوریه به آموزش‌های تئوریک پرداخت. در تبیین استراتژی جدید با استفاده از کتب «نقش خشونت در کردستان»، «مسئله‌ی رهایی ملی در کردستان و راه حل آن»، «در باب سازماندهی»، «جبهه متحد برای مبارزه علیه فاشیسم»، «رئوس برنامه جبهه رهایی ملی»، برنامه‌های آموزشی تعمیق بیشتری یافتند.

نوامبر ۱۹۸۱

رهبر آپو در سوریه نشست‌ی با دیگر احزاب و سازمان‌های شمال کردستان جهت تشکیل یک جبهه‌ی ملی برگزار کرد اما پس از بحث و تبادل نظر، این گروه‌ها با تشکیل جبهه مشترک موافقت نکردند و نشست بدون نتیجه پایان یافت. از همین رو PKK پیش نویس «برنامه جبهه آزادیبخش ملی کردستان» را تهیه و آنرا به اطلاع عموم رساند و این‌گونه تشکیل جبهه مقاومت مردمی با محوریت حزب اساس گرفته شد.

ژانویه ۱۹۸۲

مجله سه‌رخ‌پون (استقلال) که از سال ۱۹۷۸ در کردستان به عنوان ارگان مرکزی بصورت غیرقانونی به چاپ می‌رسید، از این تاریخ به بعد، در اروپا بعنوان نشریه ماهانه از نو به چاپ رسید و تا به امروز بی وقفه منتشر گشته و با چاپ شماره‌های ویژه بصورت مرتب به فعالیت خود ادامه داده و بدین ترتیب به صدای انقلاب کردستان و نشریه‌ای تبدیل شد با طولانی‌ترین دوره‌ی انتشار.

مارس ۱۹۸۲

جلسات و نشست‌های متعدد با سازمان‌های چپ و انقلابی ترکیه نتیجه داد و سرانجام با مشارکت ۸ حزب و سازمان «جبهه متحد مقاومت دموکراتیک علیه فاشیسم» - Faşisma Karşı Birleşik Demokratik Cebhe FKBDC تأسیس گردید. جبهه به صورت دو کمیته‌ی خاورمیانه و اروپا سازماندهی و در اول ژوئن اعلان موجودیت

۲۲ گاه‌شناسی پ.ک.ک

کرد. هم‌زمان با انجام فعالیت‌های آموزشی گریلا در خاورمیانه، فعالیت‌های رسانه‌ای، دیپلماسی و کارهای جمعی در اروپا انجام می‌گرفت. FKBDK از این به بعد نسخه ای جدید از ADYOD بود. اما سرانجام این سازماندهی به دلیل مخالفت گروه تانر آکچان با بازگشت به میهن و مقاومت مسلحانه پس از سال ۱۹۸۳ عملاً توانائی‌هایش را از دست داد و در سال ۱۹۸۴ از میان رفت.

۲۱ مارس ۱۹۸۲

در این روز رفیق مظلوم دوغان از پیشاهنگان PKK در اقدامی فدایی و با شعار «مقاومت زندگیست» به شهادت رسید. مظلوم دوغان از اهالی روستای تمان بخش مازگرد درسیم بود و در زمان شهادتش عضو مرکزیت PKK بود. اقدام رفیق مظلوم دوغان برعلیه سیستم نژادپرست و کودتای ۱۲ سپتامبر بود. رهبر آپو در واکنش به این اقدام، آن را مقاومت کاوه معاصر خواند و گفت «رفیق مظلوم دوغان، نماد حزب ماست».

۱ می ۱۹۸۲

در جریان حمله اسرائیل به یکی از کمپ‌های انقلابیون فلسطینی، رفیق عبدالقادر چوبوکچو شهید شد. وی از اهالی شهر ایلیح (باقمان) بود و نخستین شهید PKK در فلسطین و لبنان بود. رهبر آپو با سفر به بیروت در مراسم تشییع جنازه‌ی ایشان شرکت کرد.

۱۷ می ۱۹۸۲

در این روز چهار رفیق: «فرهاد کورتای»، «نجمی اونر»، «اشرف آنیک» و «محمود زنگین» به عنوان رهروان مسیر مظلوم دوغان و حقی قرار اقدام به خودسوزی کردند. آنها به کسانی که سعی می‌کردند آتش را خاموش کنند نهب زده و می‌گفتند، به جای خاموش کردن آتش، آن را شعله‌ورتر کنید.

۲ ژوئن ۱۹۸۲

در پی محاصره بیروت از سوی نیروهای اسرائیلی، سازمانهای انقلابی فلسطینی همراه با اعضای PKK در جبهه‌های جنوب و شرق لبنان در مقابل مهاجمین مقاومت کردند. در این جنگ‌ها ۱۰ تن از رفقای PKK به شهادت رسیده و ۱۵ نفر نیز اسیر شدند. رفیق جمیل بابیک نیز همراه با یک گروه ۲۹ نفری مدت ۳ ماه در بیروت در محاصره باقی ماند. رفیق عبدالله کومرال نیز که در کنگره تأسیس PKK شرکت داشت، از جمله شهدای جنگ بیروت بود. پس از آن PKK نیروهایش را از لبنان عقب کشید.

۱۴ ژوئیه ۱۹۸۲

در این روز بزرگترین اعتصاب غذای نامحدود علیه رژیم کودتا در زندان شهر آمد و به پیشاهنگی محمد خیری دورموش آغاز شد. محمد خیری دورموش در دادگاه ضمن اعلام آغاز اعتصاب غذا گفت «بر سنگ مزارم بنویسید که مدیون کردستان هستم». ابتدا رفیق کمال پیر همراه با ۵ تن از دیگر زندانیان PKK به اعتصاب پیوستند اما

۲۳ حزب کارگران کردستان

رفته رفته بر تعداد اعتصابیون افزوده می‌شد. بدین ترتیب در هفتم سپتامبر رفیق کمال پیر، در ۱۲ سپتامبر رفیق محمد خیری دورموش، در ۱۵ سپتامبر رفیق آکیف ییلماز و در ۱۷ سپتامبر رفیق علی چیچک به شهادت رسیدند. و اینگونه بود در زندان‌هایی که سیستم کودتاگر برای خاموشی صدای اعتراض مبارزان و نیز انکار و امحای کردها به پا کرده بود، بزرگترین مقاومتها شکل گرفتند. کنعان اورن رهبر کودتای سپتامبر در سخنرانی خود در حالی که با دست زندان را نشان می‌داد اعتراف کرده و گفته بود که در اینجا انسان‌هایی هستند که اگر سراز تن‌شان جدا کنید، باز هم از عقیده و آرمان‌شان دست نمی‌کشند. در نهایت اعتصاب غذا با مذاکره سران کودتا و قبول خواسته‌های اعتصابیون خاتمه یافت. بر همین اساس روز ۱۴ ژوئیه از سوی PKK به عنوان «روز افتخار ملی» اعلام گردید.

۲۰ - ۲۵ آگوست ۱۹۸۲

حزب کارگران کردستان PKK دومین کنگره خود را در یکی از کمپ‌های جبهه رهایی بخش خلق فلسطین برگزار نمود. حدود ۶۵ نماینده از همه مناطق در این کنگره شرکت کردند. یک گروه ۱۰ نفری نیز به عنوان نمایندگان زنان در کنگره حضور داشتند. کنگره نوشته‌هایی را که توسط رهبر عبدالله اوجالان تهیه شده بودند به عنوان اسناد رسمی استراتژی نوین حزب پذیرفت. کنگره فعالیت‌های اروپا و مسائل و مشکلات عدم تمرکز را مورد بحث و بررسی قرار داد. کنگره با تحلیل اوضاع سیاسی موجود به منظور توسعه و پیشبرد مقاومت تصمیم بر بازگشت به میهن را تصویب کرد. کنگره با انتخاب ۱۱ نفر به عنوان کمیته مرکزی، رسالت خود را با موفقیت به پایان رساند.

در نشست کمیته‌ی مرکزی که پس از کنگره تشکیل شد، به دلیل مشکلاتی که در اثر گرایش‌های فرصت طلب و سازشکار ایجاد شده بود، با موافقت اعضاء، کمیته به مدت یک سال به «کمیته مقدماتی مرکزی» تبدیل شد و تمام اختیارات مرکزی به رهبر عبدالله اوجالان داده شدند.

در راستای برنامه‌ریزی این نشست، بازگشت گروه‌های گریلایی به اردوگاه‌های آماده شده در مرزهای جنوب و شرق کردستان از اواسط ماه سپتامبر آغاز شد.

سپتامبر ۱۹۸۲

در پی دیدارهای نمایندگان PKK و حزب دمکرات کردستان عراق PDK تفاهمنامه‌ای ۹ ماده‌ای از سوی رهبر اوجالان و مسعود بارزانی در بهار ۱۹۸۳ در سوریه به امضا رسید که محتوایی ملی و دمکراتیک داشت. رابطه اصولی و اتحاد بین دو طرف طی سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۵ ادامه یافت، اما در نتیجه فشار حکومت ترکیه، با خروج رهبری PDK از تفاهمنامه در آگوست سال ۱۹۸۵ عملاً اتحاد پایان یافته و روند چالش‌ها آغاز گردید.

۲۴ نوامبر ۱۹۸۲

در جریان بازگشت نیروها به میهن گروهی ۹ نفره از گریلاها که فرماندهی آنان به عهده «شاهین کلاووز» بود، در حین عبور از رودخانه هزل شهید شدند. از این گروه

تتها یک نفر توانست جان سالم بدر برده و خود را به دیگر گروه‌ها برساند.

آوریل ۱۹۸۳

مدیریت پراکتیکی مستقر در میهن نشست برنامه‌ریزی خود را در لولان انجام می‌دهد. ضمن ارزیابی روند موجود، به برنامه‌ریزی جهت تقابل با رژیم کودتای ۱۲ سپتامبر پرداخت. در همین راستا برای هریک از مناطق بوتان، زاگرس و سرحد برنامه‌های فعالیتی مشخصی تدوین شد. بدین گونه ورود PKK به مناطق بوتان و زاگرس و تلاش برای سازماندهی مجدد آغاز گردید.

۲ می ۱۹۸۳

رفیق محمد قره‌سونگور عضو کمیته مرکزی PKK و مسئول کمیته نظامی حزب که به منظور انجام دیدارهایی با مسئولان نیروهای سیاسی کردستان به قندیل رفته بود، در جریان حمله نیروهای اتحادیه میهنی به کمپ نیروهای حزب کمونیست عراق همراه با رفیق «ابراهیم بیلگین» به شهادت رسید. خلئی که در نتیجه‌ی شهادت رفیق محمد قره‌سونگور به عنوان یکی از فرماندهان مقاومت‌های حیلوان و سیورک ایجاد شده بود، در ادامه مبارزات مسلحانه نقشی منفی بجای گذاشت. فقدان جایگزین مناسب، مانع از آغاز مبارزه مسلحانه در سال ۱۹۸۳ شده و موجب تأخیر در این امر گردید.

۲۵ می ۱۹۸۳

ارتش ترکیه در شرق رودخانه‌ی خابور با عبور تا عمق ۵ کیلومتری از مرز عراق چندین روز عملیاتی را انجام داد. نیروهای حزب دموکرات کردستان عراق و حزب کمونیست عراق ناچار شدند کمپ‌های خود را به عقب بکشانند. بدین ترتیب مرحله‌ای آغاز گردید که تحت عنوان «عملیات برون مرزی» ارتش ترکیه شناخته می‌شود.

ماه می ۱۹۸۳

«چَتین گونگور» با گُذ سازمانی «سمیر» که مأموریت انجام فعالیت‌های سازمانی در اروپا را بر عهده داشت، تسلیم سازمان‌های اطلاعاتی اروپا شده و خبر بازگشت کادرهای PKK به میهن را داد و بدین ترتیب مرحله‌ی تهدید و تلاش جهت مقابله با توسعه مبارزات مسلحانه آغاز گردید. پیشتر و از نوامبر ۱۹۸۲ «باقی قرار» اقدامات مخرب و ویرانگر خود را در میهن آغاز کرده بود. رهبر اوجالان در حالی که سعی در انتقال گروه‌ها به میهن و هدایت و توسعه‌ی مبارزات در کردستان را داشت، مجبور بود هم‌زمان با افکار و اقدامات انحرافی و تفرقه‌افکنانه اخلاص‌گران انحلال‌طلب نیز مبارزه کند. بدین منظور، رهبری کتابهای «بیابید اتحاد حزب را در برابر انواع شکست‌ها و تخریب‌ها تقویت کنیم»، «مسئله توسعه در PKK و وظایف ما»، «مسئله شخصیت در کردستان»، «حیات حزبی و ویژگی‌های مبارز انقلابی» را تدوین نمود.

۵ سپتامبر ۱۹۸۳

رژیم فاشیست ترکیه با عهد شکنی بار دیگر فشار و شکنجه در زندانها را تشدید

دسامبر ۱۹۸۳

بر اساس تصمیم مدیریت پراکتیکی در میهن، انتشار ارگان رسانه‌ای گریلا تحت عنوان «پیشمرگ در مبارزه برای استقلال و آزادی در کردستان» آغاز شد. انتشار این مجله تا سال ۱۹۸۸ ادامه داشت.

۳۰ ژانویه - ۵ فوریه ۱۹۸۴

کمیته مرکزی منتخب کنگره دوم که تا یک سال به عنوان کمیته آماده‌سازی مرکزی فعالیت داشت، دومین نشست خود را در سوریه با حضور رهبر آپو و هفت تن از اعضای کمیته‌ی مرکزی برگزار کرد. در این نشست موضوعات انحرافی و تصفیه‌گرانه در حزب و چگونگی مبارزه با آن و نیز وضعیت پراکتیک حزب در میهن مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. رهبر اوجالان ضمن انجام تحلیل و ارزیابی‌های گسترده در هر دو زمینه اظهار داشت که اعضای کمیته مرکزی باید نسبت به عدم انجام کامل وظایف، از خود انتقاد کنند. بر این اساس اعضای حاضر در جلسه ضمن انتقاد از خود نگرش خود را صراحتاً تعیین کردند. در این جلسه تصمیم گرفته شد تا مبارزات انقلابی در همه زمینه‌ها توسعه یابد. بازگویی نتایج نشست برای اعضای حزب، در اروپا مبارزه با تصفیه‌گری و در میهن مقاومت گریلایی را توسعه داد.

ژانویه - مارس ۱۹۸۴

در جریان اعتصاب غذای جدید در زندان آمد در روزهای ۲۴ ژانویه «نجم‌الدین بوجوکیا»، ۱۹ ژانویه «بیلماز دمیر»، ۲۵ ژانویه «رَمزی آیتورک»، ۸ مارس «جمال آرات» و «أرهان گسکین» به شهادت رسیدند.

آوریل - ژوئیه ۱۹۸۴

در آوریل ۱۹۸۴ کنفرانسی با حضور ۱۵۰ تن از کادرها برگزار و طی آن به ارزیابی مصوبات کمیته مرکزی در سال ۱۹۸۳ و عملکرد حزب در این سال پرداخته شد. بر همین اساس، تصمیم به گسترش جنگ در «اولو دره» و «چله (چوکورجا)» گرفته و برنامه ریزی و تقسیم وظایف انجام شد. ناکافی بودن اقدامات در منطقه‌ی «چله» موجب شد که رهبر اوجالان دخالت کرده و در رابطه با مبارزات جامع و سازمان‌یافته راهنمایی‌هایی کامل ارائه نماید. بر اساس این راهنمایی‌ها کمیته اجرایی مرکزی ۶ نفره طی روزهای ۱۶ تا ۱۸ ژوئن نشستی در منطقه‌ی «خنیره» (منطقه‌ای در حومه‌ی شهر کوچک سیدکان) برگزار کرد. نتیجه‌ی این نشست اعلام موجودیت نیروهای رهایی بخش کردستان (HRK) و بر همین مبنا تصمیم بر گسترش جنگهای گریلایی بود. ادامه‌ی نشست مذکور در منطقه‌ی «به‌دینان» بوده و در اواسط ژوئیه با حضور گسترده کادرها در منطقه‌ای بنام «اشکفتا برینداران» ادامه یافت. در همینجا بود که تصمیم انجام عملیات‌های ۱۵ آگوست در مناطق حومه‌ی شهرهای «اروح»، «شمزینان» و «چاتاک» اتخاذ گردید و محصول آن موفقیت گریلایی ۱۵ آگوست بود.

۱۵ آگوست ۱۹۸۴

با انجام عملیات‌های نظامی در ارواح و شمزان برای آزادی کردستان از سوی گریلاهای PKK آغاز مبارزه مسلحانه علیه رژیم فاشیستی نظامی ۱۲ سپتامبر اعلان گردید. عملیات ارواح بوسیله یگان نظامی ۱۴ ژوئیه تحت فرماندهی رفیق «عگید» (معصوم کورکماز) و عملیات شمزینان توسط یگان نظامی ۲۱ مارس با فرماندهی «عبدالله اکینجی» (گوزلوکلی علی) انجام گرفت. با انجام عملیات‌های مذکور موجودیت نیروهای رهایی بخش کردستان HRK نیز اعلام شد. این عملیات‌ها ضمن ضربات جدی به نیروهای حکومت استعمارگر، بار تبلیغی بسیار گسترده‌ای داشت و در همه‌ی زمینه‌ها تأثیر بسزایی بر مردم گذاشت. آگاهان این عملیات‌ها را «نخستین گلوله» توصیف کردند. و بدینگونه مقاومت نوین گریلایی در کردستان آغاز شد، مقاومتی مجهز به اندیشه‌های رهبر عبدالله اوجلان. اندیشه‌های رهبر آپو با جغرافیای بوتان و میهن‌دوستی تاریخی آن در هم آمیخت. از همین رو ۱۵ آگوست سال ۱۹۸۴ به نقطه عطفی در تاریخ کردستان و تولد PKK مبدل شد. از این تاریخ به بعد از ۱۵ آگوست به عنوان روز مقاومت ملی، روز رستاخیز و جشن گریلا نام برده می‌شود. در جریان ۳ ماه بعد از عملیات‌های ارواح و شمزینان، حدود ۴۵ عملیات گریلایی انجام شد. در روز ۲۲ سپتامبر رفیق «کریم بیطار» توسط مزدوران رژیم ترکیه به قتل رسید و این اولین شهید مرحله ۱۵ آگوست بود.

۲۰ - ۲۴ دسامبر ۱۹۸۴

مدیریت و فرماندهی عملیات ۱۵ آگوست طی نشست در ناحیه «میروس» به‌دینان به تحلیل نتایج عملیات پرداخت. ارزیابی‌های رهبر اوجلان که از طریق نوارهای کاست فرستاده شده بود به سمع شرکت‌کنندگان رسید. رهبری ضمن ارزیابی مرحله‌ی نوین تاریخی و اجتماعی که با عملیات‌های ۱۵ آگوست آغاز شده بود، به تحلیل و پیش‌بینی تحولات آتی پرداخته و همراه با راهنمایی‌های لازم، مدیریت این مرحله را مورد تمجید قرار داد. این نشست با استفاده از دستورالعمل مذکور تلاش به خرج داد تا با ارزیابی تحولات احتمالی در سال ۱۹۸۵ تصمیمات و برنامه‌های لازمه را بر این اساس اتخاذ نماید. معصوم کورکماز به منظور ارائه نتایج نشست مذکور شخصا به ملاقات رهبر آپو مرفت. رفیق عگید در اوائل ماه آوریل ۱۹۸۵ در حالی که نوشته‌ی رهبر آپو تحت عنوان «جسارت سازماندهی و رهبری حزب و مردم را برای انقلاب داشته باشیم»، به همراه داشت، به همراه داشت، به میهن بازگشت.

۲۱ مارس ۱۹۸۵

در این روز «جبهه‌ی رهایی بخش ملی کردستان Eniya Rizgariya Netewa (Kurdistan (ERNK)» طی کنفرانسی مطبوعاتی در یونان و پخش اطلاعیه در دیگر مناطق اعلام موجودیت کرد. البته رئیس برنامه‌های آن سال ۱۹۸۲ در نشریه‌ی سرخوبون منتشر و به اطلاع عموم رسیده بود. بدین ترتیب جبهه‌ی مقاومت خلق با اتکا به مقاومت گریلا گشوده شد. هدف جبهه‌ی رهایی بخش ملی کردستان ERNK کشاندن

۲۷ حزب کارگران کردستان

مردم به مقاومت برای آزادی در برابر سیستم فاشیستی و استعمارگر در هر چهار بخش کردستان و خارج از میهن و همچنین آموزش و سازماندهی و انجام فعالیت بود.

مارس - آوریل ۱۹۸۵

در نتیجه‌ی اقدامات تحریک‌آمیز «صلاح الدین چلیک»، از اعضای مرکزی حزب و «عبدالقادر آیگان» که در نهایت به مرکز تیم‌های ژاندارمری (ژینم JITEM) پیوست، مدتی در منطقه هفتانین با نیروهای حزب کمونیست عراق تنش‌ها و درگیری‌هایی ایجاد شد. در جریان این درگیری‌ها در ۱۶ آوریل ۸ تن از کادرهای PKK از جمله رفیق جلال اوچان با کد سازمانی «اوزان سفکان»، رؤف آکبای و ادیس اوکمن به شهادت رسیدند.

۲۱ می ۱۹۸۵

یک گروه پنج نفره گریلایی به فرماندهی رفیق «حاجی» (صبری گوزبویوک) که به منظور سازماندهی فعالیت‌های گریلایی در مناطق مرعش و سمسور (آدی‌یامان) از غرب کردستان عازم شده بودند، در منطقه‌ی اطراف شهر «بوزاوا»ی اورفا با دشمن درگیر شده و به شهادت رسیدند.

رفیق صبری گوزبویوک که در حمله دوم ژوئن اسرائیل به لبنان در یک گروه ۱۵ نفره به اسارت اسرائیلی‌ها درآمده بود، در جریان عملیاتی گسترده در یونان رهایی یافت و به جنبش گریلایی سال ۱۹۸۵ پیوست.

۱۲ - ۱۷ آگوست ۱۹۸۵

مدیریت اجرایی و عملیاتی نشستی در منطقه‌ی «کاتو خیلان» برگزار کرد. به سبب عملی نشدن تصمیمات دسامبر ۱۹۸۴ و نیز رهنمودهای رهبر اوچالان، ابتکار عمل بدست دشمن افتاده بود. ارتش ترکیه در ماه فوریه از جانب بوتان عملیات گسترده‌ای را آغاز کرده و چهل و چهار تن از رفقا در بوتان و گارزان و در مناطقی همچون آمد نیز شمار زیادی به شهادت رسیده بودند. در این نشست با تحلیل کارنامه سنگین و انتقاد از فردگرایی و واکنش‌های خرده‌بورژوازی، ضمن سلب مسئولیت و برکناری صلاح الدین چلیک، با ارزیابی شرایط، برنامه‌ریزی جنگ و سازماندهی مجدد انجام گرفت. بر همین اساس تحت فرماندهی رفیق عکید و سازماندهی واحد در پاییز سال ۱۹۸۵ در مناطق هرکول، گابار، اروح، شرناخ و خاپور با انجام عملیاتی موثر ضربات سنگینی به ارتش ترکیه تحمیل شد. بدین ترتیب تاحدودی انتقام شهدای قهرمان ما که شماری از آنها در عملیات ۱۵ آگوست نیز حضور داشتند، از جمله روکن (چیچک سلجان ۲۲ ژوئیه ۱۹۸۵)، حوا (خانم یاورکایا ۲۸ ژوئن ۱۹۸۵) و سعادت (رحیمه قهرمان ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۵) گرفته شد.

۲۰ آگوست ۱۹۸۵

رفقا محمد آرتورک و فواد اصلان در جریان یک درگیری با ارتش ترکیه در کوهستان آگری به شهادت می‌رسند. رفیق محمد آرتورک سال ۱۹۸۰ پس از فرار از زندان آدانا به

لبنان و فلسطین رفته بود. وی در یک درگیری که به شهادت محمد قره‌سونگور منجر شد همراه با او بود اما جان سالم بدر برد.

نوامبر - دسامبر ۱۹۸۵

رهبر آپو با انتقاد از روند منفی در فعالیت‌های گریلابی، روش‌های اصلاح را ارزیابی کرد و رهنمودهای جامعی را تحت عنوان «دستورالعمل‌های نوامبر» به صورت برشوریهایی درآورده و جهت فرماندهی مستقر در میهن فرستاد. در این رهنمودها از مسئولان می‌خواهد که اوضاع را اصلاح کنند و در غیر این صورت از آنها می‌خواهد که در کنگره‌ی سوم حاضر شوند. فرماندهان که در عمل نتوانسته بودند با استفاده از راه‌کارهای انتقادی و مبارزات ایدئولوژیک مسائل را حل کنند، تصمیم گرفتند در کنگره حضور یابند.

بر همین اساس از ابتدای آوریل رفیق عگید که از مقرر رهبری آمده بود به عنوان فرمانده کل عازم منطقه‌ی بوتان شد.

۲۸ فوریه ۱۹۸۶

اولاف پالمه نخست وزیر سوئد و رهبر حزب سوسیال دموکرات شب‌هنگام و درحالی‌که همراه با خانواده‌اش از سینما به منزل باز می‌گشت هدف قرار گرفت و به قتل رسید. در هر صورت قاتل شناسایی و دستگیر نشد. در فردای آن روز رسانه‌های جنگ ویژه‌ی ترکیه گویی که از قبل آماده بودند، با طرح این موضوع که «آیا قاتل آپوچی بود؟»، PKK را به عنوان عامل قتل پالمه معرفی کردند. میت سازمان‌های اطلاعاتی اروپا را نیز در همین مسیر هدایت کرد. از سوی دیگر از اظهارات وکیلی به نام حسین بیلدرم نیز که بعدها مشخص شد از مأموران میت است در همین رابطه استفاده شد. بدین ترتیب تلاش‌ها برای مجرم‌نشان دادن (کرمینالیزه‌کردن) PKK در اروپا گسترش یافت و در پی آن روند محاکماتی تحت عنوان پرونده‌ی دوسلدورف آغاز گردید.

اولاف پالمه در سیاست‌های اروپا و جنبش سوسیال دموکرات، خط و مشی ویژه‌ی خود را داشت و از همه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در جهان حمایت کرده بود. بنابراین می‌توانست حامی بزرگی برای مبارزات آزادی‌بخش کردستان هم باشد. رهبر او جلال نیز بر همین اساس از سوئد درخواست پناهندگی کرده بود و در نهایت این ترور مانع از همه‌ی اینها شد.

۲۸ مارس ۱۹۸۶

فرمانده‌ی جاویدان عملیات ۱۵ آگوست رفیق عگید (معصوم کورکماز) پس از عملیات‌های نوروزی در حالیکه همراه با ۲۴ تن از رفقاییش قصد عبور به منطقه‌ی هفتانین را داشت، در جریان نبرد با ارتش ترکیه در کوهستان گابار به شهادت رسید. رسانه‌های ترکیه در این باره روزها به تبلیغات پرداختند و مدعی شدند که همه‌ی گریلاها کشته شدند کار PKK به پایان رسید.

رهبر آپو در تحلیل شخصیتی رفیق عگید او را نماد حزبی بودن در رهایی ملی و

سرمشق کنگره‌ی سوم عنوان کرد.

PKK اولین آکادمی گریلایی خود را تحت عنوان «آکادمی معصوم کورکماز» تأسیس کرد. و بدین ترتیب روز ۲۸ مارس به عنوان روز قهرمانی ملی شد و هفته‌ی میان ۲۱ مارس که روز شهادت کاوه‌ی معاصر مظلوم دوغان است و ۲۸ مارس روز شهادت رفیق عگید به عنوان هفته‌ی قهرمانی ملی نامگذاری شد.

۲۸ آذر ۱۹۸۶

رفیق «عزیز» (نادر حسن) از اهالی عرب عفرین که در سال ۱۹۸۳ در لبنان به PKK پیوسته بود، در جریان نبرد با ارتش ترکیه در روستای گاوال وابسته به «جوله‌میرگ» (حکاری) به شهادت رسید. رفیق عزیز نخستین شهید عرب در صفوف PKK بود.

۱۶ آگوست ۱۹۸۶

رفیق «سیف‌الدین زوغورلو» که در کنگره‌ی تأسیس PKK حضور داشت در دومین سالگرد حرکت ۱۵ آگوست در جریان عملیاتی در منطقه‌ی «بستا»ی بوتان شهید شد. کنگره‌ی تأسیس PKK در منزل خانوادگی رفیق سیف‌الدین برگزار شده بود. او پیشتر در دوم ژوئن ۱۹۸۲ در جریان حمله‌ی اسرائیل به لبنان اسیر شده بود و سپس در یونان با انجام عملیاتی موفق به فرار شد و سپس در ۱۹۸۴ بار دیگر به کردستان بازگشت و به مبارزات گریلایی پیوست.

۲۵ - ۳۰ اکتبر ۱۹۸۶

سومین کنگره‌ی PKK در لبنان و در محل اولین کنفرانس برگزار شد. کنگره با حضور ۸۰ تن از کادرها مشتمل بر فرماندهان حوزه‌ی میهن و کسانی که از اروپا و خاورمیانه آمده بودند، برگزار گردید. گروهی متشکل از ۱۲ نماینده‌ی زن نیز در کنگره حضور داشتند. کنگره از سوی رهبر اوجالان مدیریت می‌شد. اصلاح بنیادین مشی گریلایی و تعمیق ایدئولوژی آزادی که از کنگره‌ی سوم و یک سال پیش مطرح شده بود، در دستور کار قرار گرفت.

بر اساس رهنمودهای کنگره‌ی سوم حزب کارگران کردستان PKK که به کنگره‌ی تعمیق مبارزه ایدئولوژی آزادی و اصلاح جدی در خط گریلایی حزبی مبدل شد، سه دوره‌ی آموزشی در چهارچوب کار و فعالیت آموزشی و سازماندهی انجام شد که نزدیک به یک سال طول کشید. دوره‌ی یکم از همه دوره‌ها طولانی‌تر بود و مختص کسانی بود که در کنگره شرکت کرده بودند. در این جلسات سازمانی، گزارش‌های شخصی و عمومی سازمانی تهیه و ارائه شدند. در دوره‌ی دوم بر اساس خط فکری - ایدئولوژیک حزبی امیال فنودالی - آریستوکراتی و خرده بورژوازی تحلیل و محکوم شدند. رهبر اوجالان گفتند: «آنچه در اینجا تحلیل می‌شود، شخص نیست، جامعه است، زمان کنونی نیست، تاریخ است». در نتیجه‌ی مباحثاتی که انجام شدند، از کسیره ییلدرم و صلاح الدین چلیک سلب عضویت گردید و آنها از مسئولیت‌های‌شان برکنار شدند. برای اولین بار در طول تاریخ PKK پلاتفرم تحلیل شخصیتی اعضا بر اساس گزارش خودانتقادی شخصی برگزار شد. در جواب گفتگوها در رابطه با شرایط عضویت در

حزب رهبر اوجالان گفتند: «شهیدان عضو PKK هستند». دوره‌ی سوم که در روزهای ۲۵ تا ۳۰ اکتبر طول کشید با یک مبحث مشخص به کنگره‌ی رسمی مبدل شد. رهبر اوجالان به صورت شفاهی گزارش جامعی از کار و فعالیت‌های رهبری ارائه دادند. بعد از آن در رابطه با متن مقدماتی مصوبات حزبی که وظایف مرحله‌ی جدید را مشخص می‌کردند، گفتگو شد. در این بخش مصوباتی در رابطه با سازماندهی بر مبنای خط‌مشی رهبری، کارگران، جوانان و بخش مختص زنان در درون جبهه‌ی رهای‌بخش خلق کردستان (ERNK)، تصحیح تاکتیک مقاومت مسلحانه، سازماندهی مجدد نیروهای رهایی‌بخش کردستان (HRK) بر اساس ارتش رهایی‌بخش خلق کردستان (ARGK) و تاسیس آکادمی معصوم کورکماز اتخاذ شدند. برای بزرگداشت فرمانده معصوم کورکماز، شمار مشخصی برای افزایش نیروهای گریلا تعیین گردیدند. رهبر اوجالان یک برنامه‌ی جامع برای گسترش و پیشبرد سازماندهی حزبی، نظامی و خطوط جبهه‌ی پیکار تهیه کردند. در کنگره با افزایش تعداد اعضای کمیته مرکزی، یک کمیته‌ی جدید مشتمل بر ۲۵ عضو مشخص گردید. شرکت‌کنندگان در کنگره‌ی سوم برای عملی‌کردن خط کنگره و شرکت در فعالیت‌های حزبی شخصا سوگند یاد کرده و با تایید رهبر اوجالان، سازماندهی مجدد حزبی بر اساس مشارکت صحیح اعضا شروع شد. بدینگونه کنگره‌ی سوم که با موفقیت به انجام رسید، کنگره‌ای شد که خط ایدئولوژیک رهایی‌زن را ایجاد کرده و پیشبرد داده، معیارهای کادر حزبی برای نیروهای گریلا را مشخص کرده و به کنگره‌ی سازماندهی مجدد PKK مبدل گردید.

دسامبر ۱۹۸۶

در راستای اجرای مصوبات کنگره، آکادمی معصوم کورکماز دایر و اولین دوره‌ی آن با دستور عملی کردن مصوبات کنگره آغاز گردید. در ابتدا مسئله‌ی تصفیه‌گری «طرزی جمال» و مقابله با هرگونه تصفیه‌گری مورد تحلیل قرار گرفت و نتایج آن در میهن به اطلاع اعضا رسانده شد که نشان از گام‌های مستحکم در اجرای مصوبات کنگره داشت. آکادمی تا سال ۱۹۹۲ به مدت ۶ سال محل آموزش حزبی و گریلابی بود. رهبر اوجالان تمام فعالیت‌های تئوریک، آموزشی، تبلیغاتی و تشکیلاتی را در این محل انجام می‌داد. وی مبارزه علیه هر نوع تصفیه‌گری و انحراف را در زمینه‌ی ایدئولوژیک در این آکادمی آموزش داد. تئوری گریلابی و آموزش عملی را در این آکادمی توسعه داد. بدین ترتیب آکادمی معصوم کورکماز به سرچشمه‌ی آفرینش گریلا و شکست ناپذیری آن مبدل شد.

دسامبر ۱۹۸۶ - مارس ۱۹۸۷

وظیفه‌ی ابلاغ نتایج کنگره به نیروهای حاضر در میهن بر عهده «فرهاد» عثمان اوجالان و «جمال کور» (کور جمال) گذاشته شد. هر دوی آنها در کنگره به عضویت کمیته‌ی مرکزی در آمده بودند. بر سر راه ورود به میهن و عرصه‌ی فعالیت گریلابی، دولت ایران کلیه‌ی مدارک مربوط به کنگره را ضبط و اجازه‌ی انتقال آن به میهن را نداد. جمال کور با سوء استفاده از این وضعیت، در عرصه‌ی فعالیت گریلابی و با اعلام ای‌نکه روشنفکران شکست خورده، روستائیان پیروز شدند، نتایج کنگره را آنگونه که خود می‌خواست و بر خلاف مصوبات آن اعلام کرد و با در پیش گرفتن مشی

۳۱ حزب کارگران کردستان

فئودالی و تبه‌کاری همراه با شیخ‌موس (شاه اسماعیل آل) کل فرماندهی را در اختیار گرفتند. بدین ترتیب در شرق و مناطق «آری» و «خاکورک» حدود ۵۰ جلسه برگزار کردند. با در دست گرفتن پلاتفرم تحلیل شخصیت انتقاد و خود انتقادی، روش‌های حل و توسعه‌ی حزبی را به فراهم کردن زمینه‌ی تسلیمیت و فرار مبدل ساختند. برخلاف مصوبه‌ی کنگره درباره‌ی خدمت و وظیفه‌ی اجباری، حزب و مردم را رودرروی هم قرار دادند. بدین ترتیب نتایج کنگره‌ی سوم در میهن و در عرصه‌ی عملی نتوانست نیروها را برای حمله و گام تازه‌ای آماده کند. در مقابله‌ی با آن رهبر اوجالان مقوله‌ی «تبهکاری طبقه متوسط و توطئه‌گری فئودالیسم» را تفهیم و در رهنمودهایی که طی آن توطئه‌های انحرافی جمال کور را افشا و بی اثر کرده و به میهن ارسال و سعی کرد نیروهای حزبی را برای حمله‌ای گریلایی آماده کند.

۱۸ می - آگوست ۱۹۸۷

در راستای اجرای مصوبات کنگره‌ی سوم در مناطق ماردین و بوتان حملات نیرومند گریلایی آغاز و طی سالهای ۱۹۸۷ و ۸۸ به شکلی گسترده عملی شدند. عملیات نیرومند گریلایی ضربات سنگینی بر ارتش فاشیست ترکیه وارد کرده و مقامت گسترش یافت. در این مقاومت عظیم که رهبر اوجالان آن را جهش قهرمانانه عنوان کرد صدها تن از فرماندهان و گریلاها به شهادت رسیدند. و PKK در واقع حزب همین شهدا شد. در ۱۸ مارس و در جریان یک درگیری سه روزه با دشمن در دره‌ی هیزل، رفیق اورهان (حسین ساری چیچک) که مدت‌ها محافظ نزدیک رهبر اوجالان بود به شهادت رسید. رفیق بدران (محمد سوگات) در ۸ آوریل ۱۹۸۷ در منطقه‌ی شمزینان شهید شد. در پنجم ژوئن سال ۱۹۸۷ رفیق هوگر (محمد آتا اصلان) که بعدها به عنوان نماد جوانان اعلام گردید، شهید شد. رفیق آردال (مصطفی یوندم) که در کنگره‌ی سوم به عضویت کنگره‌ی مرکزی برگزیده شده بود و در عملیات ۱۴ ژوئیه و وظیفه‌ی معاونت فرماندهی را بر عهده داشت، در جریان عملیات‌های گسترده ماه آگوست در بوتان به شهادت رسید. همه‌ی این مقاومت‌های گریلایی و اقدامات دیگر منجر به گسترش اقتدار حزبی در کردستان شد.

۱۷ ژوئیه ۱۹۸۷

دولت ترکیه با همکاری ناتو در کردستان «وضعیت ویژه» اعلام کرد و جهت این امر منطقه‌ی ویژه و ارتش ویژه تاسیس و با نقض قانون اساسی، کردستان تحت کنترل «فرماندهی ویژه» درآمد. بدین ترتیب جنگ ویژه‌ی بزرگی را سازماندهی کردند. برای از بین بردن PKK تحت نظر ناتو برنامه حمله‌ی بین المللی را سازماندهی کرده و در میانه‌ی سال های ۱۹۸۷ - ۸۸ اجرایی کردند. در همین رابطه به جنگ ایران و عراق خاتمه داده و عملیات گسترده‌ای را تحت عنوان «حرکت ساندویچ» علیه نیروی گریلا شروع کردند. اعضای رهبری حزب در اروپا را دستگیر و روند معروف به «دادگاه دوسلدرف» را آغاز کردند. توطئه و فشارها علیه رهبر آپو افزایش یافت. همزمان تحرکات انشعاب‌گرایانه و تصفیه‌گری آغاز شدند. و در همین رابطه در ماه می سال ۱۹۸۸ «اتحاد انقلابیون PKK» از جانب کثیره ییلدرم و وکیلی به نام حسین ییلدرم اعلام

۳۱ اکتبر ۱۹۸۷

با توجه به مصوبات کنگره سوم، در اروپا کنگره زنان نیز تشکیل شد و اتحادیه زنان میهن دوست کردستان YJWK تأسیس و در اقدامی مشابه کنگره‌ی جوانان و کارگران را نیز برگزار کردند. بر همین مبنا اتحادیه‌ی جوانان میهن دوست انقلابی کردستان و اتحادیه کارگران میهن‌دوست کردستان نیز تأسیس و تلاش‌ها برای بازسازی و سازماندهی دوباره‌ی ERNK و آغاز حرکت مجدد اروپا از سر گرفته شدند. هم‌زمان فعالیت‌های گروه هنری «هنر کوم» HunerKom که از سال ۱۹۸۲ آغاز شده بود بار دیگر از سر گرفته شد.

فوریه تا آوریل ۱۹۸۸

بسیاری از مسئولان تشکلات PKK در اروپا بازداشت و روند محاکمه‌ی دوسلدورف آغاز گردید. تلاش‌های جمهوری فدرال آلمان برای وارد کردن رهبر عبدالله اوجلان به این محاکمه نتیجه‌ای در بر نداشت. از طرفی دیگر تلاش‌های دولت آلمان برای استفاده از اعضای PKK که در برابر دشمن به اعتراف دست زده بودند، نتیجه‌ای بدست نداد. بدین ترتیب پرونده‌ی مذکور از همان ابتدا وارد دوری باطل شد و دسیسه‌ای که آغاز شده بود افشا و بی‌ثمر شد.

۱۶ مارس ۱۹۸۸

رژیم صدام حسین حلبچه را بمباران شیمیایی کرد. پس از جنگ ایران و عراق صدام در تلاش بود که جنوب کردستان را بار دیگر بطور کامل کنترل نماید. دولت صدام حسین با بهره‌گیری از پایان مذاکرات محرمانه بین دو دولت، حملات نسل‌کشانه را تحت عنوان انفال آغاز کرد که از ۱۹ فوریه آغاز و در هشت مرحله ادامه یافت و طی آنت ۱۸۲۰۰۰ تن از خلق کرد به قتل رسیدند. در کشتار حلبچه که جزو نخستین حملات نسل‌کشی بود، حدود پنج هزار کورد با گازهای شیمیایی خفه شدند که شمار بسیاری از آنها کودک بودند.

فوریه-می ۱۹۸۸

در مقابله‌ی با توطئه‌های مشترک دولت ترکیه و ناتو تحت عنوان "حالت فوق‌العاده" رهبر اوجلان دو دوره‌ی آموزش گریلایی در آکادمی معصوم کورکماز برگزار کرد. در این دوره‌ها، رهبری ارزیابی‌های نظری بسیار جامعی در مورد جنگ به طور کلی و جنگ چریکی به طور خاص ارائه داد. او سبک و تاکتیک‌های چریکی را نشان داد که حملات دشمن را بر اساس "تاکتیک سندان-چکش" خنثی می‌کرد. بدین ترتیب با ایجاد یک فرماندهی قوی و جنگنده و اعزام آنها به کردستان حملات ترکیه و ناتو را فاقد تأثیر کردند.

۱ - ۲۵ می ۱۹۸۸

رفیق صبری (محمد امین ارسلان) عضو کمیته مرکزی PKK در روز اول می در

حزب کارگران کردستان ۳۳

ماردین و رفیق جمشید (احمد گسیب) در روز ۲۵ می در شمزینان در جریان درگیری مسلحانه شهید شدند. علاوه بر این، بیست تن از گریلاها نیز در مقاومت بزرگ کوهستان «باگوگ» (واقع در منطقه‌ی ماردین) که تحت فرماندهی رفیق دلیل (ولی یاشار) از اول آوریل صورت می‌گرفت، به شهادت رسیدند. بر اساس همین مقاومت‌ها، عملیات‌ها و حملات ویژه‌ی ناتو و ترکیه شکست خورده و امکان توسعه و پیشرفت عملیات‌های گریلایی ممکن گردید.

۱- می - ژوئن ۱۹۸۸

«محمد علی بیراند، روزنامه‌نگار ترک به آکادمی معصوم کورکماز رفته و با رهبر آپو دیدار و گفتگو کرد. این اولین گفتگوی رهبر آپو با مطبوعات ترکیه بود. این مصاحبه طی یک هفته در صفحه‌ی اول روزنامه‌ی ملیت با عنوان «این آپو و این PKK» منتشر شد. با وجود تمام مخالفت‌های تورگوت اوزال برای جلوگیری از انتشار این مصاحبه، اما گفتگو با رهبر اوجالان در رسانه‌های ترکیه و دنیا انتشار یافت. این گزارش تأثیر زیادی بر افکار عمومی ترکیه و جهان داشت. تیراژ روزانه این روزنامه از یک میلیون تجاوز کرد. این اولین باری بود که واقعیت رهبر آپو و PKK همراه با مصاحبه و با تصاویری از آکادمی به این شکل در اختیار افکار عمومی قرار می‌گرفت. در ادامه‌ی این روند روزنامه‌نگاران زیادی با دیدار از آکادمی و انجام مصاحبه با رهبر اوجالان، گریلا را ترسیم و توصیف کردند. پخش و انتشار این گفتگوها منجر به تحرک بزرگی شد و میزان مشارکت در صفوف گریلا را افزایش داد.

ژوئن - ژوئیه ۱۹۸۸

یک سری از جلسات در سطح فرماندهی از منطقه‌ی هرکول و بوتان شروع و در پیروس خاتمه یافت. در این نشست‌ها اقدامات تبه‌کارانه‌ی نظام‌الدین تاش (بوتان)، شم‌دین ساکیک و همکاران‌شان نسبت به مردم مورد تحلیل و انتقاد قرار گرفت و گزارش و نتایج آن برای اطلاع رهبر اوجالان ارسال گردید و بر اساس همین موارد در آکادمی معصوم کورکماز مورد بحث قرار گرفته و ضمن محکوم کردن آن، رهنمودهای لازم صادر گردیدند.

۱۲ ژوئیه ۱۹۸۸

رفیق قاسم "نومان باغچی" عضو کمیته مرکزی PKK در جریان درگیری با ارتش ترکیه در منطقه‌ی کوزلوک گازران به شهادت رسید.

نوامبر ۱۹۸۸

ماهانمای با عنوان «رستاخیز اجتماعی» شروع به انتشار کرد، اما تنها شش شماره‌ی آن منتشر شد. به رغم ممنوعیت‌هایی از سوی دولت ترکیه، اما پس از مدتی این فعالیت‌ها تحت عناوینی چون «اولکه» (به معنی میهن)، «اوزگور گوندم» (به معنی مبحث آزاد)، «اوزگور خلق» (خلق آزاد) و «آزادیا ولات» (آزادی میهن) ادامه یافت. فعالیت‌های رسانه‌ای و انتشاراتی در شرایط غیر قانونی در پاییز سال ۱۹۷۸ در

کردستان آغاز و از سال ۱۹۸۸ در اروپا و در مناطق کلان‌شهری ادامه یافته و به کردستان نیز رسیدند. مرکز فرهنگی مزوبوتامیا MKM همراه با «حزب خلق» HEP بعنوان نهاد سیاست دموکراتیک در ترکیه جهت نهادینه کردن «ملت دموکراتیک» تأسیس و تشکیل گردیدند.

۱۹ ژانویه ۱۹۸۹

رفیق «بریوان» (بنفش آگال) از زنان کورد ایزدی در جریان یک درگیری با دشمن در مرکز جزیره به شهادت رسید. وی از اروپا به صفوف مبارزات پیوسته بود و در کنگره‌ی سوم نیز از جمله اعضای حاضر در کنگره بود. شهادت رفیق بریوان تأثیر عمیقی بویژه بر زنان منطقه‌ی بوتان بر جای گذاشت و زنان جوانان بسیاری با تأثر از این واقعه به صفوف مبارزه پیوستند.

۱۹ سپتامبر - اکتبر ۱۹۸۹

به منظور رفع مشکلات گریلایی نشستی در منطقه‌ی «تحت رش» (به معنی صخره سیاه) بوتان برگزار شد که از آن به عنوان کنفرانس تحت‌رش یاد می‌شود. در این نشست به جای بحث درباره مشکلات گریلایی بر اساس خط رهبری، شخصیت‌هایی مانند بوتان، ابو بکر (خلیل آتاش)، هوگر و شم‌دین ساکیک تلاش کردند تا اشرارگری و تصفیه‌گری‌های خود را مشروع جلوه دهند. آنها جایزه‌ی ارسالی از سوی رهبر اوجالان را نیز به هوگر دادند. با اینحال رهبر اوجالان به محض اطلاع از چگونگی برگزاری و نتایج کنفرانس، آن را «خطمشی تبه‌کاری و اشرارگری» خوانده و کنفرانس را مردود و لغو کرد. وی دستورالعمل‌هایی با عنوان «خطمشی تبه‌کاری چهارنفره» و «تبه‌کاری یاغیان خشمگین» تنظیم و با ارسال آن، سطح مبارزات ایدئولوژیک در میان گریلا را ارتقا داد. خطمشی مذکور، یک پیشاهنگی انحرافی بود که برای پشبرد هرگونه عملیات تبه‌کارانه در صفوف نیروهای گریلا تلاش می‌کرد و از این طریق می‌خواست خطمشی رهبری حزبی را در صفوف گریلا از میان بردارد. برای مقابله با این میل که سرانش تلاش می‌کردند با از میان برداشتن خطمشی ایدئولوژیک-سیاسی و سازماندهی حزبی راه را برای یاغی‌گری نیروهای گریلا هموار کنند، رهبر آپو با پشبرد مبارزه‌ی ایدئولوژیک و آموزشی موفق شد تا اسلوب و سبک پیشاهنگی خطمشی حزبی محفوظ بماند.

۲۵ ژانویه ۱۹۹۰

رفیق دوران کودکی رهبر آپو به نام رفیق «حمزه» (حسن بیندال) در آکادمی معصوم کورکماز در جریان توطئه‌ای شهید شد. رهبر آپو در مراسم خاک‌سپاری رفیق حمزه این اقدام را حمله‌ای علیه خود توصیف کرد و تأکید داشت که باید با هرگونه مشی تبه‌کاری و باندبازی در درون حزب و گریلا به شدت مقابله کرد.

۱۳ مارس ۱۹۹۰

مردم نصیبین با صیانت از پیکر ۱۴ گریلا که «کامران دوندار» و «حاجی عبدالکریم مَلَّ» و همچنین اعضای کمیته‌ی مرکزی «سلیمان اصلان» و «عبدالله آوجی» نیز در

۳۵ حزب کارگران کردستان

میانشان بودند مراسم تشییع جنازه‌ی باشکوهی برگزار کردند. این وضعیت ترس را در بین توده‌های خلق شکست و مردم و به ویژه زنان را به خیابان کشاند و تحرکات اعتراضی آغاز شدند. این قیام‌های توده‌ای روستا به روستا و شهر به شهر گسترش یافته و جدایی جامعه‌ی کوردها از دولت استعمارگر واقعیت یافت. بدین ترتیب انقلاب رستاخیز ملی در کردستان هم به شکل ملت دموکراتیک و هم در شکل انقلاب آزادی زنان آغاز گردید.

۲۱ مارس ۱۹۹۰

زن قهرمان کورد «ذکبه آلکان» در روز نوروز بر بلندای دیوارهای باستانی شهر آمد رفت و با فریاد اینکه «نوروز را اینچنین باید گرامی داشت»، تن خود را به آتش کشید. این اقدام تأثیر بسیار عمیقی بر جامعه و بویژه زنان کورد گذاشت. رهبر آپو این رویداد را همچون «مقاومت مظلوم دوغان» توصیف کرد.

۴ - ۱۳ می ۱۹۹۰

هم‌زمان با تدارکات مقدمات کنگره‌ی چهارم، دومین کنفرانس PKK در آکادمی معصوم کورکماز برگزار شد. رهبر اوجالان مدیریت کنفرانس را بر عهده داشت و تحلیل‌های جامعه‌ی در مورد مسائل سیاسی و نظامی ارائه داده و موضوعاتی را که می‌بایست در کنگره مورد بحث و گفتگو قرار گرفته و در موردشان تصمیم‌گیری شود، طرح نموده و مورد ارزیابی قرار داد. در این کنفرانس بار دیگر ضمن انتقاد تند و محکوم کردن هرگونه خط‌مشی تبه‌کاری و تحمیل آن بر گریلا، تصمیم بر ارتقای سطح مبارزات سازمانی و ایدئولوژیک علیه امیال و مشی تبه‌کاری و باند بازی گرفته شد. نتایج کنفرانس به میهن ارسال گردید و به اطلاع اعضای حزب رسانده شد و هرچند تمایل برای برگزاری کنگره بسیار بالا بود، اما تحولات مهم سیاسی و نظامی، برگزاری کنگره را به تعویق انداختند.

۲۶ ژوئن ۱۹۹۰

رفیق «اسماعیل ابراهیم» از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK در جریان یک درگیری در اطراف شهر الباک (باش‌قلعه) شهید شد. رفیق اسماعیل از پیشاهنگان نخستین گروهی بود که از روزآوای کردستان به جنبش آزادی پیوستند.

۲۴ ژوئیه ۱۹۹۰

«رفیق هارون» (شیخ‌موس بیگید) از اعضای کمیته‌ی مرکزی در منطقه‌ی گردی وابسته به شمرینان، در نزدیکی رودخانه‌ی حاجی‌بگ در حالی که مشغول آموزش رفقا بود، در جریان حادثه‌ای به شهادت رسید. رفیق هارون متولد ناحیه‌ی چرموک شهر آمد بود و زمانیکه در درسیم دانشجوی بود، همراه با رفیق «جمعه تاک» و «محمد سَوگات» به جنبش آزادی پیوسته بود.

۲ آگوست ۱۹۹۰

ارتش عراق وارد کویت شد و آنرا یک شبه اشغال کرد. رهبران کویت از کشور

گریختند. آمریکا که در ابتدا چشم بر این اشغال بسته بود، این بار به بهانه‌ی اشغالگری صدام حسین، تجهیزات و نیروهای نظامی به خلیج فارس سرازیر کرد و بدین ترتیب آنچه که «بحران خلیج» می‌نامند آغاز شد. این اوضاع و عدم حمایت اتحاد شوروی از حکومت متحدش در عراق، روند فروپاشی اتحاد شوروی را تسریع کرد. دولت ایالات متحده پس از انجام مقدمات لازم در سحرگاه ۱۷ ژانویه ۱۹۹۱ بغداد را بمباران هوایی کرد و در ۲۷ فوریه از طریق خلیج وارد کویت شد و ضربه‌ی سنگینی به ارتش عراق وارد کرد. در پی این رویداد صدام حسین نیروهای خود را از شمال و جنوب عراق به بغداد منتقل کرد و در واقع عراق به سه منطقه تقسیم و جنوب کردستان از حاکمیت دولت مرکزی خارج شد. این به معنای ظهور یک فرایند سیاسی و نظامی کاملاً جدید برای جهان و منطقه و برای کردستان بود. تحولات سیاسی و نظامی که در سطح جهانی و منطقه ای رخ دادند بعدها بر این وضعیت عراق افزوده شدند. رهبر اوجالان در تحلیل شرایط موجود از فروپاشی دولت صدام حسین خبر داده و تأکید کرده بود که این روند نه تنها کمکی به نیرومند شدن ایالات متحده نخواهد کرد بلکه موجب تضعیف قدرت آن در منطقه خواهد شد.

۲۶ - ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰

چهارمین کنگره PKK در منطقه‌ی هفتانین در جنوب کردستان و در مناطق آزادی که در دست گریلا بود تشکیل شد. این کنگره پس از کنگره اول، دومین کنگره‌ای بود که در کردستان برگزار می‌شد. رهبر آپو کنگره چهارم را «کنگره گریلا» نامگذاری کرد. از مناطق جنگی حدود ۸۰ تن از کادرهای PKK در کنگره حضور یافتند. اوضاع جدید در پی بحران خلیج و نیز نتایج و عملکرد جنگ چهار ساله در کنگره مورد تحلیل قرار گرفت و تبه‌کاری تحمیلی بر نیروهای گریلا محکوم گردید. قرار بازجویی از شم‌دین سائیک بخاطر عملکردهای منحرفانه و تبه‌کاریهایش تصویب شد. بر گسترش و توسعه‌ی تکوین حزبی بر اساس خط‌مشی رهبری تأکید گردید و موضوع گسترش امر تکوین ارتش و ایجاد مناطق قرمز و مناطق آزاد (تقسیم‌بندی‌هایی مطابق استراتژی جنگ رهایی‌بخش خلق) در دستور کار قرار گرفت. کنگره، تحت تأثیر شدید جنگ خلیج برگزار شد، از همین رو برخی از موضوعات به شکلی خلاصه بررسی شدند تا نیروها بتوانند سریع‌تر به مناطق جنگی بازگردند. بجای برگزاری پلانترم تحلیل شخصیتی، به گزارش‌های انتقاد از خود بسنده گردید و پس از انتخاب کمیته‌ی مرکزی، کنگره به کار خود پایان داد. اندکی پس از پایان کار کنگره نیز جنگ خلیج آغاز گردید. محمد شنر که به تازگی از زندان آمد آزاد شده بود در کنگره حضور داشت، او سعی داشت به شکلی موزیانه افکار ضد گریلایی خود را وارد مصوبات کنگره کند که موفق به انجام این کار نشد.

مارس - می ۱۹۹۱

رهبر آپو هم به دلیل عملکرد «محمد شنر» در زندان و هم برخی مواضعش در نوع برخورد با گریلا، در کنگره‌ی چهارم از سپردن مسئولیت به وی خودداری کرد و خواهان مشخص شدن وضعیت و بازجویی از وی شد. محمد شنر از سوی «ساری باران»

حزب کارگران کردستان ۳۷

و «عبدالرحمن کایکچی» که از او بازجویی می‌کردند ربوده و به روژآوای کردستان برده شد. آنها در روژآوا با ایجاد تشکیلاتی با نام PKK نو (یا رستاخیز PKK) دست به اقدامات ضد گریلایی و تصفیه‌گری زدند. با این حال رهبر آپو توانست پیش از آنکه آسیب چندانی به تشکیلات حزب بزنند، تلاش‌های آنها را خنثی کند، اما برای این کار وقت و انرژی زیادی صرف شد. در تحلیل این شرایط رهبر آپو تصمیم گرفت با دعوت از کادرهایی که از زندان آزاد شده بودند به آکادمی، کنفرانس مقاومت زندان را برگزار کند.

۷ ژوئن ۱۹۹۱

رفیق «یوسف مترجم» (ترجمان یوسف، عبدالقادر بکراوغلو) از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK در کوهستان جودی به شهادت رسید. رفیق یوسف از اهالی حسن‌کیف و در اصل عرب بود. او مدت زیادی در کنار رهبر آپو به عنوان مترجم فعالیت می‌کرد. علاوه بر این رفیق قره عمر (حیدر آلتون) نیز در ۲۹ مارس ۱۹۹۱ در مسیر جودی به هفتانین شهید شد.

۸ ژوئن ۱۹۹۱

بر اساس تحلیل‌های رهبر آپو و در راستای پرکردن خلئی که در جنوب کردستان احساس می‌شد، حزب آزادی کردستان PAK در این بخش تأسیس شد. در جنگ اکتبر سال ۱۹۹۲ در جنوب کردستان نیروهای پارت دموکرات KDP و اتحادیه‌ی میهنی YNK اکثر PAK را هدف قرار دادند.

۱۳ ژوئن ۱۹۹۱

«رفیق ماهر» (احمد گوگر) از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK در منطقه‌ی سرحد در جریان درگیری با دشمن شهید شد. رفیق ماهر همراه با «عاکف ییلماز»، «ماهر جان» و «ادریس آکمن» از اعضای نخستین گروهی بودند که در منطقه‌ی سرحد به جنبش آزادی‌خواه پیوستند.

۷ ژوئیه ۱۹۹۱

«ودات آیدین» رئیس حزب دسترنج خلق HEP - شعبه‌ی استان دیاربکر، حزبی که در پی مبارزات گریلایی به منظور انجام سیاست دموکراتیک تأسیس شده بود، از سوی کنتراگریلاهای وابسته به حکومت ترکیه ربوده و پیکر او چند روز بعد در نزدیکی‌های شهر آرغنی پیدا شد. ودات آیدین فردی مبارز، زندان دیده و میهن دوست بود. پیکر وی از سوی بیش از صد هزار نفر در مراسم با شکوهی تشییع شد. در جریان تشییع جنازه، کنتراگریلاها با حمله به مردم بیش از بیست نفر را به قتل رساندند. بدین ترتیب مراسم تشییع جنازه از یک سو اوج قیام‌های مردمی بود و از سوی دیگر اوج حملات کنتراگریلاها به خلق.

۲۳ - ۲۸ آگوست ۱۹۹۱

اولین کنفرانس مقاومت زندان PKK با مشارکت حدود ۵۰ نفر از کادرهایی که

از زندان آزاد شده بودند، در آکادمی معصوم کورکماز برگزار شد. مطالب کنفرانس از سوی رهبر آپو آماده و مدیریت شد. در این کنفرانس تصمیمات مهمی گرفته شد که احساسات، افکار و رویکردهای مغایر با خطمشی مقاومت زندان در سال ۱۹۸۲ را محکوم کرد و کار در چارچوب خطمشی رهبری و مشارکت در آن را تضمین کرد. بدین ترتیب اقدامات انحرافی و تصفیه‌گری‌های محمد شمر بطور کلی خنثی شده و از بین رفتند. هم‌زمان با انتقاد و خودانتقادی، کادرهایی که از زندان بیرون آمده بودند مطابق خطمشی گریلایی وارد مبارزات گردیدند.

۲۰ اکتبر ۱۹۹۱

در ترکیه انتخابات زودهنگام برگزار شد. نخست وزیر مسعود ییلماز طرح جامع جنگ ویژه‌ی فاشیستی را که از سوی دوغان گونش از اعضای ضد گریلای نظام حاکمه که در حرکتی کودتا گونه به ریاست ستاد ارتش رسیده بود، تأیید کرد و تصمیم به برگزاری انتخابات زود هنگام گرفت.

رهبر حزب سوسیالیست خلق SHP، آردال اینونو می‌خواست در انتخابات با HEP متحد شود. HEP حزب دسترنج خلق توسط نمایندگان کوردی تأسیس شده بود که از سوی آردال اینونو بخاطر حضورشان در کنفرانس کورد در پاریس از حزب SHP اخراج شده بودند. رهبر آپو این سیاست را پسندید و بدین ترتیب SHP و HEP متحداً وارد انتخابات شدند. پس از انتخابات، دولت ائتلافی بین حزب حزب سوسیالیست خلق SHP و حزب راه راست DYP تشکیل شد. حزب دسترنج خلق HEP با حذف بیست نماینده از لیست حزب SHP توانست حق تشکیل گروه پارلمانی را کسب کند. بدین ترتیب ورود نمایندگان به پارلمان همراه با قیام‌های مردمی عرصه‌ای از سیاست دموکراتیک را پدید آورد. رهبر اوجالان این وضعیت را به نوعی تلطیف و نرم کردن مبارزات سخت و شدید توصیف کرد.

۲۰ دسامبر ۱۹۹۱

رفیق «مروان» (آیدین آدامای) از اعضای کمیته مرکزی PKK در مرکز شهر سیرت در نتیجه‌ی توطئه دشمنان شهید شد. سوم ژانویه ۱۹۹۲ نیز رفیق «خیری» (محمد صالح شاهین) عضو کمیته‌ی مرکزی PKK در ناحیه‌ی چولترای شهر تَتوان بر اثر ریزش بهمن به شهادت رسید.

۲۱ مارس ۱۹۹۲

رفیق «رخشان دمیرل» که از اهالی شهر نصیبین بود در منطقه کادیکلاکی شهر ازمیر در گرمیداشت نوروز، جسم خود را به آتش کشید. این عملیات تأثیر عمیقی بر کوردهایی برجای نهاد که در کلان‌شهرها زندگی می‌کردند.

۱۱ می ۱۹۹۲

رفیق هنرمند «مزگین» (غربت آیدین) زمانی که فرمانده ایالت گارزان بود در جریان یک درگیری در منطقه‌ی تَتوان شهید شد. او با هنرمندان سرحد گروه هنر را

تأسیس کرد. رفیق مزگین همراه با «اوزان سفکان» تشکیلات هنری «هنرکوم» (گروه هنر) را تأسیس کرده و مسئول فعالیت‌های آن در اروپا بود.

۱۴ - ۱۶ آگوست ۱۹۹۲

در سالگرد حماسه‌ی ۱۵ آگوست، دولت ترکیه به بهانه‌ی اینکه «PKK قیام خواهد کرد» در شهر شرنخ (شرناخ) قتل‌عام براه انداخت. صدها نفر کشته و زخمی شدند و صدها خانه و محل کار ویران شد. در ادامه، دولت کشتارهای مشابهی را در شهرک‌ها و روستاهای دیگر انجام داد. در اعتراض به قتل‌عام شرنخ روز ۱۷ آگوست در شهرهای هولیر و سلیمانیه تظاهرات بزرگ مردمی برگزار شد. نیروهای پارت دمکرات در ممانعت از برگزاری تظاهرات و در جریان حمله به تظاهرکنندگان رفیق «نژییر» را به شهادت رساندند.

۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲

با توجه به فشارهای زیاد دولت ترکیه بر دولت‌های لبنان و سوریه، آکادمی معصوم کورکماز در لبنان فعالیت‌های آموزشی خود را متوقف کرد.

۲۰ سپتامبر ۱۹۹۲

«موسی آنتر»، اندیشمند کورد، در حمله‌ی کنتراگریلاها در شهر آمد به قتل رسید. در واقع به منظور جلوگیری و ممانعت و مقابله با قیام‌های مردمی و با هدف سرکوب میهن‌دوستان، حملات کنترا گریلاها به این سطح رسیدند.

۴ اکتبر ۱۹۹۲

در پی مصوبه‌ی دوم اکتبر پارلمان اقلیم کردستان مبنی بر «خروج نیروهای PKK از جنوب کردستان»، در چهارم اکتبر نیروهای پارت دمکرات و اتحادیه میهنی و ارتش ترکیه با حمایت آمریکا به تمامی مناطقی که گریلاهای PKK در آن حضور داشتند و در ابتدا به هفتانین و خواکورک حمله کردند. در این حملات همزمان نیروهای حزب آزادی کردستان PAK نیز هدف گرفته شدند. دو سه هفته درگیری‌های شدیدی روی دادند، هدف محاصره و سرکوب کامل گریلاها بود. نیروهای هفتانین پس از سه هفته مقاومت به سمت بوتان عقب نشینی کردند. نیروهای زاپ و آواشین هم به سمت مرز رفتند. اما فرماندهی منطقه‌ی خواکورک تسلیمیت را پذیرفت. پس از محاصره‌ی گریلاها فرهاد (عثمان اوجالان) در توافق با فرماندهی اتحادیه میهنی، نیروها را به منطقه‌ی «زله» انتقال دادند که تحت کنترل آنها بود. برخی از واحدهای گریلا که این اقدام را نپذیرفتند به سمت مرزهای شمزینان عقب نشینی کردند. رفیق «بریتان» (کلناز قره‌تاش) که از اهالی درسیم بود و حاضر نبود خود را تسلیم کند تا آخرین گلوله جنگید و پس از آنکه تفنگش را شکست، روز ۲۵ اکتبر در حالی که فریاد می زد «زنده باد رهبر آپو» خود را از بلندای پرتگاهی به پائین پرتاب کرد. در تحلیل پیشامدها، رهبر اوجالان با انتقاد، از ناتوانی در تبدیل شدن به نیروی حقیقی گریلایی و تمایل به تسلیمیت را محکوم کرده و خطمشی مقاومت PKK را همان خطمشی شهید

بریتان توصیف کرد. از این جنگ در تاریخ PKK به عنوان «جنگ جنوب» یاد می‌شود.

۱۲ اکتبر ۱۹۹۲

رفیق «شیار» (کاظم کولو) از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK در کوهستان گابار منطقه‌ی بوتان در جریان درگیری با دشمن شهید شد. رفیق شیار به رغم آنکه در سنین بسیار کم وارد حزب شده بود اما در مناطق مختلف وظایف بزرگی را به عهده گرفته بود.

ژانویه - مارس ۱۹۹۳

رهبر آپو همه نیروها را برای جبران آسیب‌های ناشی از جنگ جنوب، ایجاد اصلاحات و بازیابی در خط گریلایی، آموزش داد و «خودانتقادی» فرماندهی را در خط حزب توسعه داد. بر همین مبنا نیز رهنمودهایی صادر و از همه‌ی فرماندهان گزارش کتبی و خودانتقادی خواست.

۱۷ مارس ۱۹۹۳

با وساطت و میانجیگری جلال طالبانی که با تورگوت اوزال رئیس جمهور ترکیه روابطی داشت رهبر اوجالان آتش بسی ۲۵ روزه را از بیستم مارس اعلام کرد. بدین ترتیب تا زمانی که نیروهای گریلا مورد حمله قرار نگرفته‌اند، گریلاها هیچگونه عملیاتی انجام نخواهند داد. در صورتی که پیشامدها مثبت ارزیابی شوند، آتش بس تمدید خواهد شد. آتش‌بس در لبنان و طی کنفرانسی مطبوعاتی اعلام گردید. استقبال از آتش‌بس بیش از حد انتظار بود. پس از ۲۵ روز طی کنفرانسی مطبوعاتی آتش بس تمدید شد. اما در ۱۷ آوریل خبر مرگ تورگوت اوزال به عنوان طرف و مخاطب آتش بس اعلام گردید. رهبر اوجالان در تحلیل این رویداد گفت که اوزال را به قتل رساندند. بدین ترتیب باند دوغان گورش / محمد آغار / سلیمان دمیرل و تانسو چیلدر حکومت را در ترکیه بدست گرفتند و هم با توطئه‌ی جنگ ویژه PKK را مورد حمله قرار دادند و هم اینکه طرفداران اوزال را در داخل دولت از میان برداشتند. از همین رو آتش بس نتوانست به شکلی استراتژیک درآمده و تنها در سطح یک گام تاکتیکی باقی ماند و جنگ در کردستان تشدید و عمیق تر شد.

ژوئن ۱۹۹۳

نماینده‌های برگزیده از مناطق مختلف کردستان و خارج از میهن به منظور تأسیس مجلس ملی کردستان در منطقه‌ی «زله» در نزدیکی شهر قلعه‌دیزه گرد هم آمدند، این موضوع در ابتدا توجه بسیاری به خود جلب کرد اما در ادامه به سبب نیافتن راهکاری مناسب در زمینه‌های سیاسی و نظامی به نتیجه نرسید.

۲۶ نوامبر ۱۹۹۳

در پی مصوبه‌ی مجلس فدرال آلمان، PKK به عنوان «سازمان جنایت‌کار» غیرقانونی اعلام شد. دادگاه دوسلدورف نیز بر اساس همین مصوبه توانست کسانی را که از ۲۴

حزب کارگران کردستان ۴۱

اکتبر ۱۹۸۹ تا ۷ مارس ۱۹۹۴ با عنوان اعضای PKK تحت تعقیب قرار داده بود، محکوم کند.

۲۸ ژانویه ۱۹۹۴

جنگنده‌های ترکیه اردوگاه «زله» را بمباران کردند.

۲ مارس ۱۹۹۴

مصونیت پارلمانی در ترکیه لغو شد. نمایندگان DEP در پارلمان دستگیر شدند. برخی از نمایندگان نیز جهت دستگیر نشدن، کشور را ترک کردند. حزب دموکراسی DEP در ۱۶ ژوئن بسته شد

۵-۱۵ مارس ۱۹۹۴

در زمستان سال ۱۹۹۳ / ۱۹۹۴ به منظور ادامه‌ی کار آکادمی معصوم کورکماز مرکز آموزش حزب تأسیس و آموزش کادرها آغاز شد. در این مرکز و در پایان نخستین دوره‌ی آموزشی در ۱۵ تا ۲۱ مارس، سومین کنفرانس PKK برگزار گردید. شرکت کنندگان در دوره‌ی آموزشی و کادرهای حاضر در منطقه در کنفرانس حضور داشتند. رهبر اوجالان در طول دوره مشکلات سوسیالیسم، تکوین ارتشی زنان و وظایف حزبی شدن واقعی را تحلیل و ارزیابی کرد و ضمن محکوم کردن دیدگاه‌های تبه‌کاری و شرورانه و همچنین بیماری اقتدارطلبی، به انتقاد از نحوه‌ی انجام وظایف پرداخت. بدین ترتیب در سومین کنفرانس ارزیابی‌های توانمندی صورت گرفت و تصمیمات مهمی اتخاذ شد. بدین‌گونه در مقابل جنگ ویژه و حملات ناگهانی باند دمیرل/ چیلر و گورش/ آگار مقدمات یک مقاومت انقلابی فراهم گردید.

۲۱ مارس ۱۹۹۴

در اعتراض به افزایش حملات در کردستان و نیز حمایت‌های دولت‌های اروپایی از قتل عام‌های ترکیه در کردستان، دو زن انقلابی به نامهای «نیلگونیا پلدرم» (بریوان) و «بدریه تاش» (روناهی) در شهر مانهایم آلمان تن خود را به آتش کشیدند. رهبر اوجالان این عملیات را «مقاومت مظلوم دوغان» و «آزادی با سوختن در آتش» توصیف کرد.

۱۴ آوریل ۱۹۹۴

رفیق «جمعه» (سلیم اولکر)، فرمانده‌ی گریلاها که در آخرین کنگره‌ی حزب به عنوان عضو افتخاری کمیته‌ی مرکزی برگزیده شده بود در درگیری با ارتش ترکیه در کوهستان جودی به شهادت رسید. این رویداد تأثیر بسزایی در مقاومت‌های سال ۱۹۹۴ در منطقه‌ی بوتان گذاشت.

۲۱ می ۱۹۹۴

جنگ میان پارت دمکرات و اتحادیه‌ی میهنی آغاز و در واقع جنوب کردستان به

دو منطقه با مرکزیت دهوک و هولیر تقسیم شد. نمایندگان دولتهای ایالات متحده و ترکیه به منظور متحد کردن دوباره‌ی پارت دمکرات و اتحادیه‌ی میهنی علیه PKK، در دویلین پایتخت ایرلند ملاقات کردند.

۱۵ آگوست ۱۹۹۴

در دهمین سالگرد حرکت انقلابی گریلا در ۱۵ آگوست، رهبر اوجالان در مرکز آموزش حزب با انجام تحلیلهایی در این باره «پایان رستاخیز و آغاز رهایی» را اعلام کرد.

رهبر آپو در ۱۳ آگوست نیز در تحلیل‌هایی که در مرکز آموزش حزب انجام داد، گفت: «کسانی که می‌گفتند ما را نابود خواهند کرد، خود از میان رفتند، اما ما هنوز برقراریم و ایستاده‌ایم».

۲۷ سپتامبر ۱۹۹۴

رفیق «زینال» (جلال باراک)، از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK در منطقه‌ی درسیم و در جریان یک درگیری به شهادت رسید. رفیق زینال که سالها در زندانهای ترکیه محبوس بود، با حضور در مقاومت‌های تاریخی زندان‌ها، این خط‌مشی مقاومت را در شیوه‌ی فرماندهی گریلایی خویش ادامه داد.

۹ اکتبر ۱۹۹۴

رفیق «عظیمه» (مهربان ساران)، فرمانده گریلا و عضو کمیته مرکزی PKK در منطقه و حوزه‌ی بوتان و کوهستان هرکول در درگیری با دشمن شهید شد. وی از آن دسته از کادرهای حزب بود که در سال ۱۹۸۰ در مناطق لبنان و فلسطین آموزش‌های گریلایی دیده بودند. در مرکز جوله‌میرگ (حکاری) نیز فعالیت‌های سازماندهی حزبی برای اولین بار توسط رفیق عظیمه شکل گرفتند.

۸ - ۲۷ ژانویه ۱۹۹۵

پنجمین کنگره PKK با حضور ۲۳۱ نماینده‌ی اصلی و ۸۶ نماینده بدون حق رأی که از جبهه‌های مختلف جنگ و مناطق مختلف آمده بودند در منطقه هفتان در جنوب کردستان برگزار شد.

رهبر اوجالان گزارش کتبی و ارزیابی‌های جامعی را به کنگره ارائه کرد و عوامل فلسفی و ایدئولوژیکی تغییر پارادایم را برای اولین بار در این کنگره ارائه داد. روند کنگره با شعار «بیایید PKK ای شویم و پیروز نبرد گردیم» برگزار شد. این نخستین کنگره‌ی PKK پس از فروپاشی شوروی و نظام سوسیالیسم رئال بود. بطور کلی در نشان حزب و برخی برنامه‌ها تغییراتی ایجاد شد و اساسنامه‌ای جدید و شرح وظایفی تازه برای گریلا فراهم گردید.

رهبر آپو پنجمین کنگره‌ی حزب را «کنگره اصلاحات» توصیف کرد. کنگره روند جنگ گسترده‌ی چهار سال اخیر را بر اساس انتقاد و خودانتقادی مورد ارزیابی قرار داد. طی این کنگره عملکرد و مراحل کار و عملیاتی در مناطق زله، زاگرس و آمد مورد

محاكمه قرار گرفت، گزارش‌های کتبی فرماندهی و خودانتقادی در پلاتفرم‌های تحلیل شخصیتی نمود یافتند.

طی کنگره در رابطه با تکوین حزبی، تکوین ارتشی و اقتدار سیاسی سرخ، تصمیمات گسترده‌ای اتخاذ گردید. کار کنگره با انتخاب مجدد کمیته‌ی مرکزی به عنوان یک کنگره‌ی محاکمه‌ای و اصلاحی به پایان رسید. یکی از اهداف رهبر اوجالان از برگزاری کنگره در منطقه‌ی «متینا»، ایجاد آمادگی در مقابل عملیات ارتش ترکیه و سازماندهی جدید نیروهای نظامی در گروه‌های گریلایی بود. با اینحال کنگره در درک و بکارگیری اهداف رهبری ضعیف بود. از همین رو پس از کنگره رهبر آپو در جلسه‌ی کمیته‌ی مرکزی تلاش‌های بسیاری را برای بهبود این وضعیت انجام داد.

۱۸ - ۸ مارس ۱۹۹۵

اولین کنگره‌ی زنان آزاد با حضور بیش از ۲۵۰ نماینده در منطقه‌ی متینا در جنوب کردستان برگزار شد. رهبر اوجالان ارزیابی‌های جامعی را به کنگره ارائه کرد. علاوه بر این فعالیت‌هایی را که از سوی خط‌مشی تصفیه‌گرانه‌ی «فرهاد» (عثمان اوجالان) و تحت عنوان کنگره‌ی زنان در زله انجام شده بود از سوی رهبر آپو مردود اعلام شده و بر مبنای انتقاد از وضعیت موجود اقدامات مهمی انجام گرفت. کنگره، ارزیابی‌های جامعی در مورد خط‌مشی آزادی زنان، سازمان ویژه‌ی زنان و ارتش زنان انجام داد و تصمیمات تاریخی در این باره گرفت. در راستای تشکیل سازمان ویژه و آزاد زنان، تأسیس «اتحادیه‌ی آزاد زنان کردستان YAJK» تصویب گردید. بر همین اساس، تصمیم گرفته شد انجمن‌های اصلی زنان تأسیس شود و با انتخاب مدیریت YAJK، فعالیت‌ها با موفقیت به پایان رسیدند.

با این حال، جلسه‌ی مدیریتی که پس از کنگره برگزار شد، به سبب آغاز عملیات از سوی ارتش ترکیه تحت فشار انجام گرفت.

۱۹ مارس - می ۱۹۹۵

از تاریخ ۱۹ مارس، ارتش ترکیه حمله‌ی گسترده‌ای را تحت عنوان «عملیات چلیک» به مناطق کوهستانی در امتداد مرز جنوب کردستان انجام داد. این مناطق از مناطق اصلی و پایگاه‌هایی بودند که نیروهای گریلایی در آن متمرکز شده بودند. این حمله در دو مرحله انجام شد. در مرحله اول، مناطق هفتانین، متینا و خواکورک مورد حمله قرار گرفت و در مرحله دوم، مناطق زاپ و آواشین.

درگیری‌های شدید در این مناطق به مدت دو ماه و نیم ادامه یافت. ضربات سختی به ارتش ترکیه وارد شد. با این حال این ضربات در سطحی نبود که رهبر آپو می‌خواست.. از سوی دیگر ارتش ترکیه هم نتوانست در سطح تبلیغاتی که انجام داده بود، به نیروهای گریلا آسیب وارد کند. تقریباً اوضاعی بود مشابه آنچه که در شمال کردستان روی داده بود.

۳۰ مارس ۱۹۹۵

اولین تلویزیون کورد MED-TV در بروکسل آغاز به فعالیت کرد و تا ۲۲ آذر ۱۹۹۹

برنامه‌هایش را بی‌وقفه پخش می‌کرد. رهبر آپو از این تلویزیون برای آموزش مردم و تبلیغ بصورت بسیار موثر استفاده کرد.

۱۲ آوریل ۱۹۹۵

مجلسی از سوی نمایندگان کورد که به خارج از میهن رفته بودند، با نام «پارلمان کردستان در خارج از میهن» PDKW تأسیس گردید. در این مجلس نمایندگان کورد که از کردستان خارج شده بودند و همچنین شماری از دیگر سیاستمداران کورد جای گرفتند. نمایندگان DEP که پیشتر از میهن خارج شده بودند، در این فعالیت‌ها نقش بسزایی داشتند.

۲۶ آگوست - ۳ دسامبر ۱۹۹۵

PDK و YNK در تاریخ ۱۱ ژوئیه تحت نظارت آمریکا و ترکیه در دوبلین پایتخت ایرلند توافقنامه‌ای را امضا کردند که مبنای آن بر اساس دشمنی با PKK بود. در این میان به توصیه‌های رهبر اوجالان کم توجهی شد. برای خنثی کردن این توافقنامه و در انتقامجویی از یورش اکتبر ۱۹۹۲ و همچنین ایجاد منطقه‌ای آزاد شده در بهدینان از ۲۶ آگوست تا سوم دسامبر مبارزه‌ای مسلحانه علیه پارت PDK آغاز شد. از این نبردها به عنوان «جنگ دوم جنوب» یاد می‌شود. جنگی که حدود سه ماه و نیم به طول انجامید، فراز و نشیب‌هایی داشت. گاهی اوقات PKK دست بالا را داشت و جاهایی چون «بامرنی» را تسخیر می‌کرد و گاهی نیز PDK در مناطق متینا و آواشین ضرباتی به گریلا می‌زد. در نهایت توافقنامه‌ی دوبلین بی‌اثر شد و تا حدی انتقام سال ۱۹۹۲ از PDK گرفته شد و نیز منطقه‌ای آزاد شده ایجاد گردید. سرانجام در آتش بسی که در سوم دسامبر از سوی رهبر اوجالان اعلام گردید، درگیری‌ها خاتمه یافتند. بعدها دامنه‌ی این آتش بس به اعلام آتش بس دوم با ترکیه نیز منجر شد. پس از آن بود که جلسه‌ی کمیته‌ی مرکزی PKK در منطقه‌ی «زاپ» و «دولا شیوی» (دره‌ی شیو) برگزار شد.

۲۳ آوریل ۱۹۹۶

رفیق «جمال» (محمود گل) از اعضای کمیته مرکزی PKK و فرمانده ایالت آمد، در درگیری با دشمن در منطقه‌ی آمد شهید شد.

۱ - ۱۵ می ۱۹۹۶

کنفرانس چهارم PKK تحت عنوان «کنفرانس خاورمیانه» در آموزشگاه مرکزی حزب برگزار شد. فرایند مبارزات سخت سال ۹۵ مورد تحلیل قرار گرفت و درس‌های بسیاری از آن گرفته شد. همزمان کار و فعالیت‌های سال آینده نیز برنامه ریزی شد. در همین حال یورش‌های فاشیستی ارتش ترک از ۶ می آغاز گردد.

۶ می ۱۹۹۶

نیروهای کنتراگریلای ترکیه، در یک عملیات هم‌گذاری رهبر آپو و کنفرانس چهارم

۴۵ حزب کارگران کردستان

را که در مرکز آموزش PKK در حال برگزاری بود، هدف گرفتند. مینی بوسی حامل پانصد کیلوگرم مواد منفجره که از شهر ویرانشهر تهیه و به دمشق منتقل شده بود، در منطقه‌ای نزدیک به مرکز آموزش حزب منفجر شد. هرچند انفجار زیادی به رهبر اوجالان وارد نکرد، اما منجر به تخریباتی در مرکز آموزش حزب شد. رهبر اوجالان در تحلیل این رویداد به تنش‌های میان تانسو چیلر و مسعود ییلماز و بویژه اینکه مہب‌گذاری در ششم می سالروز اعدام «دنیز گزمیش» و رفقاییش انجام گرفت، اشاره کرد. و این در واقع پاسخ دولت ترکیه به آتش بس بود و بدین ترتیب آتش بس خاتمه یافت.

می ۱۹۹۶

در اواخر ماه می در قرارگاه مرکزی نشست فرماندهان نظامی با عنوان «نخستین جلسه‌ی شورای نظامی» برگزار شد. در این نشست حمله‌ی ششم می مورد تحلیل قرار گرفت و بر ضرورت پاسخ‌دهی سریع به آن تأکید گردید. مشی خائنانه و تبه‌کارانه‌ی شم‌دین ساکیک بر نتایج نشست آسیب وارد کرد.

۱ ژوئن ۱۹۹۶

رفیق «کمال» (حسن آکباش) و رفیق «خلیل» (غرو ابراهیم) از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK در منطه‌ی «خرزان» (گارزان) در درگیری با دشمن به شهادت رسیدند.

۳۰ ژوئن ۱۹۹۶

رفیق «زیلان» (زینب کناجی) در مرکز درسیم عملیات فدایی موفق و تأثیرگذاری انجام داد، وی یک یگان ارتش ترکیه را که در حال انجام مراسم نظامی بودند هدف گرفت و نابود کرد. این نخستین باری بود که PKK با چنین شیوه‌ای عملیات انجام می‌داد. این اوضاع و موفقیت عملیات و بویژه آنکه از سوی یک گریلای زن انجام شده بود تأثیر بسیاری بر جای گذاشت. عملیات از یک سو شیوه‌ای نوین بود و از سوی دیگر پاسخی مناسب بود به حمله‌ی ششم می. بدین ترتیب سازماندهی زن آزاد و تکوین ارتشی گریلای زن واقعیت یافت. رهبر اوجالان با تحلیل همه جانبه‌ی این عملیات، زیلان را «سمبل قانون زندگی آزاد» و «الهه‌ی آزادی» توصیف کرد. وی گفت زیلان فرمانده و ما تحت امر او هستیم.

۱۷ - ۲۳ آگوست ۱۹۹۶

در قرارگاه مرکزی نیروهای نظامی، دومین نشست شورای فرماندهی با حضور فرماندهان برگزار شد. در این نشست از جمله تحولات درون حکومت ترکیه، جنگ YNK، و PDK و احتمال انجام عملیات نظامی ارتش ترکیه علیه جنوب کردستان مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

در رابطه با عملکرد قرارگاه مرکزی و بازجوئی از شم‌دین ساکیک نیز برنامه‌ریزی و هماهنگی‌های جدیدی انجام شد.

در پی توافقی که رهبری PDK با صدام حسین انجام دادند، نیروهای حزب اتحادیه میهنی کردستان YNK را از هولیر بیرون راندند. رهبری YNK پس از ترک هولیر و سلیمانیه به ایران گریختند. به دنبال مداخلات دیگر نیروها YNK توانست به سلیمانیه بازگردد، اما هولیر بدست KDP افتاد.

۴ اکتبر ۱۹۹۶

نیروهای حزب دموکرات کردستان عراق عضو کلیدی کمیته مرکزی PKK رفیق «دکتر سیروان» (کاوه علی صالح) در روستای قلاچوخان شهر دوکان، همراه با چهار تن از رفقاییش را به کمین انداخته و شهید کردند. دکتر سیروان متولد سلیمانیه بود و در اروپا به صفوف PKK پیوسته بود. او یکی از نخستین کادرهایی بود که از جنوب کردستان به PKK پیوستند.

ژانویه ۱۹۹۷

نشست گسترده کمیته مرکزی PKK در ناحیه‌ی «شیو» وابسته به «زاپ» برگزار شد. در سال ۱۹۹۶ رفیق زیلان در درسیم عملیات فدایی انجام داده بود. رفیق «جمال» عضو کمیته مرکزی PKK در منطقه‌ی آمد، «رفیق کمال» و رفیق «خلیل» نیز در منطقه‌ی خرزان شهید شده بودند. جلسه کمیته مرکزی، عملکرد سال قبل را تحلیل و برنامه‌ریزی‌های لازم را برای سال ۱۹۹۷ انجام داد. رهبر اوجالان ایجاد منطقه آزاد شده بر اساس یک تاکتیک جنگ میدانی را از اهداف حزب اعلام کرد. بر همین اساس یک موضع‌گیری و سنگربندی تازه و شرح وظایف جدید مطرح گردید.

۱۴ می ۱۹۹۷

در پی توافق ترکیه و PDK عملیاتی تحت عنوان «تحرک چکش» آغاز شد که در آن قرارگاه مرکزی ارتش آزادی‌بخش خلق کردستان ARGK را در منطقه‌ی زاپ هدف گرفتند. عملیات با نیرویی زیاد و در منطقه‌ای محدود انجام گرفت و صرفاً زاپ را هدف گرفته بود و بدین ترتیب دشمن وارد منطقه‌ی زاپ شد.

رهبر اوجالان در واکنش به این حملات، نیروهای زاپ و زاگرس را یکی کرده و تحت فرماندهی واحد دستور بازپس گرفتن زاپ را داد. در پی این فرمان، حمله‌ی انقلابیون ۷۸ آغاز و هلیکوپتری که حامل فرماندهان عملیات بود توسط گریلاها ساقط گردید. بدین ترتیب نیروهای ارتش ترکیه بلافاصله عقب نشینی کرده و نیروهای PDK نیز ضربه‌ی شدیدی خوردند و منطقه‌ی زاپ آزاد شد. این وضعیت زمینه‌ی مناسبی برای انجام برنامه‌ی‌های کمیته مرکزی ایجاد کرد. در حقیقت، پیشرفت‌های نظامی چشمگیری در طول تابستان در مناطق زاگرس و بوتان و همچنین در جنوب کردستان به دست آمدند، اما بدلیل وجود تمایلات تبه‌کاری و تصفیه‌گری در قرارگاه مرکزی ارتش آزادی‌بخش، تدابیر دفاعی مناسبی اتخاذ نشد از همین رو دستاوردها حفظ نشدند.

۱۶ می ۱۹۹۷

حزب دموکرات کردستان عراق PDK که در همکاری با ترکیه در ۱۴ می تهاجمی

۴۷ حزب کارگران کردستان

نظامی را علیه گریلاهای PKK آغاز کرده بود، در ۱۶ می قتل‌عام گسترده‌ای را انجام داد و طی آن فعالین و مجروحان PKK که در شهر هولیر (اربیل) بودند را به شهادت رساند. طی این کشتارها رفیق «هلین سرحد»، رفیق «صالح» (حسن آغاچ) و رفیق «اوزان» (عمر اوز سوکمنلر) همراه با ۷۵ میهن دوست و انقلابی و مجروحان PKK در بیمارستان‌ها قتل‌عام شدند.

۲۵ سپتامبر - دسامبر ۱۹۹۷

ارتش ترکیه به دنبال توافق دیگری با PDK تهاجم گسترده‌ای را با عنوان «عملیات شفق» در جنوب کردستان آغاز کرد. آن‌ها بخاطر شکستی که در ماه می خورده بودند، تدابیر گسترده‌ای انجام داده بودند. آسمان تمام مناطق بروی هواپیماهای‌شان باز شده بود و تانک‌های‌شان را به مناطق تحت سلطه‌ی PDK گسیل کرده بودند. تانک و تمامی تجهیزات لیزری و دید در شب را آماده کرده و سه ماه تمام کل منطقه را محاصره کردند تا حمله‌ی نابودی کامل نیروی گریلا را انجام دهند. نیروهای گریلا علیه این حملات مقاومت قهرمانانه‌ای از خود نشان دادند. اما فرماندهی خائن و تصفیه‌گر تدابیر دفاعی لازم را نیندیشیده بود و به همین سبب نیروهای گریلا مجبور شدند از مناطق «بامرنی»، «سیدکان»، «چومان» و «حاجی عمران» عقب نشینی کنند و در این میان شمار بسیاری از گریلاها شهید و یا مجروح شدند. رهبر آپو در تحلیل این اوضاع، خواهان اصلاح وضعیت و ارائه‌ی خود انتقادی از کادرها شد. در این میان شم‌دین ساکیک که از رفتن به منطقه‌ی «آمانوس» خودداری کرده بود، محاکمه و از عضویت حزب اخراج شد. او در مارس ۱۹۹۸ از کوهستان‌های «گاری» به مناطق PDK گریخت و از آنجا به ترکیه رفت و تسلیم دشمن شد. طی مقاومت قهرمانانه‌ی سه ماهه، بیش از دویست تن از گریلاها به شهادت رسیدند. در شب هشتم اکتبر در حد فاصل مناطق «زاپ» و «گاری» رفیق «زینب» (غربت آلی آرسوز) و گروهش شهید شدند. در شب ۲۷ اکتبر رفیق «مریم چولاک» از اعضای افتخاری کمیته‌ی مرکزی PKK همراه با گروهش به شهادت رسیدند. در روز ۷ نوامبر رفیق «هارون» (ثریا اوزبی) از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK درحال رفتن به ایالت آمد در کوهستان‌های ساسون منطقه‌ی خرزان (گارزان) شهید شد.

۱۵ تا ۲۵ مارس ۱۹۹۸

پنجمین کنفرانس PKK در آموزشگاه مرکز آموزش حزب با عنوان «کنفرانس خاورمیانه» تشکیل شد. در کنفرانس تحولات سیاسی، نظامی و عملکرد جنگی بسیار دشوار سال ۱۹۹۷ مورد تحلیل قرار گرفت و طی آن از شیوه‌های بازنده و شکست خورده انتقاد شد. شرح وظایف برای سال آینده برنامه ریزی شد. رهبری مباحث کنفرانس و نتایج آن را جمع بندی کرده و به میهن ارسال کرد و بدین وسیله خط‌مشی سال جدید را مشخص کرد.

مارس - آوریل - می ۱۹۹۸

حکومت فاشیستی ترکیه با تکیه بر اطلاعاتی که شم‌دین ساکیک به آنها داده بود،

چندین ماه حملات وسیعی را انجام داد. در ماه‌های مارس و آوریل دو بار به منطقه «بوتان» حمله کرد و بعد حملات خود را به مناطق مرکزی گریلا و مناطق درسیم ادامه داد. از ۲۰ ماه می نیز به مناطق «هفتاین» تا «خاکورک» و از آنجا به کل مناطق آزاد در جنوب کردستان حملات وسیعی انجام داد. نیروهای گریلا در مقابل این حملات دلیرانه مقاومت کردند و موفق شدند حملات دشمن را خنثی کنند. بدون شک پیروزی در این نبردها مرهون تلاش‌های شهدایی همچون رفیق «زلال» (نصیبه آفرمان در ۱۴ آوریل) و رفیق «سلجوق» (انور پولاد در ۱۱ آوریل) و ده‌ها رفیق دیگر بود.

رهبان اوجالان در اجلاسی که در ماه ژوئن در قرارگاه مرکزی برگزار کرد، گفت بن بست و ادامه‌ی جنگی که نه شکست و نه پیروزی به همراه نداشته باشد، مسیر انحطاط را هموار می‌کند و لذا این اوضاع تغییراتی اساسی را می‌طلبد. از همین رو رهبری تصریح کرد که PKK نیازمند تغییرات گسترده‌ای است و ضمن تحلیل روند تحولات، فرماندهی قرارگاه مرکزی را نیز خود بر عهده گرفت و تأکید کرد که همه باید با تمام توان خط‌مشی رهبری را پیروی کنند و به شکلی کاملاً واضح از آغاز روند تحولاتی تازه خبر داد.

۱۷ ژوئن ۱۹۹۸

رفیق «سره‌لدان» (سما یوجه) در زندان و با سر دادن شعار «در آسمان نمی‌تواند دو آفتاب وجود داشته باشد» در حمایت از رهبران اوجالان و مخالفت با هر گونه تصفیه‌گری در روز هشتم مارس تن خود را به آتش کشید و پس از سوختگی شدید در ۱۷ ژوئن به شهادت رسید. این عملیات فدایی که در هشتم مارس انجام گرفت در واقع پلی شد میان ۸ مارس و نوروز.

۳۰ ژوئیه ۱۹۹۸

رفیق «روژهای بلوژی» (لزگین یورگون) عضو افتخاری کمیته مرکزی PKK و فرماندهان منطقه‌ی بوتان در رودخانه‌ی ماسیروی بوتان شهید شد.

۱ سپتامبر ۱۹۹۸

رهبران خلق کورد عبدالله اوجالان روز ۲۹ آگوست طی یک کنفرانس مطبوعاتی از طریق تلویزیون MED-TV از اول سپتامبر اعلام آتش بس کرد. این سومین آتش بس یک‌جانبه بود که از جانب رهبران آپو و PKK اعلام می‌شد. بر همین اساس همان‌گونه که از گریلا و خلق کورد خواسته شد تا موضع‌گیری صحیحی داشته باشند، در فراخوانی از همگان خواستند تا به منظور حل دموکراتیک و سیاسی مسئله‌ی کورد مسئولانه اقدام کرده و ایفای نقش نمایند. اگرچه این در واقع یک اعلامیه یک طرفه بود، اما بسیاری از محافل نظامی و غیرنظامی از طرف جمهوری ترکیه خواستار آتش بس شدند و قول دادند که آنچه لازم است را انجام دهند. هرچند رسماً یک طرفه بود، اما در واقع آتش بس دو طرفه بود و تنش ایجاد شده توسط جنگ به این ترتیب کمی کاهش یافت.

رهبه YNK جلال طالبانی و دبیرکل PDK مسعود بارزانی در واشینگتن و زیر نظر وزیر خارجه‌ی وقت ایالات متحده مادین آلبرایت توافقنامه‌ای امضا کردند. در این توافقنامه از PKK به عنوان سازمانی تروریستی یاد شده و خواهان خروج آن از جنوب کردستان شده بودند. بدین ترتیب، آنها از ایالات متحده در برابر PKK درخواست کمک کردند و در واقع به توطئه‌ی برنامه‌ریزی شده توسط ایالات متحده چراغ سبز نشان دادند. دولت ایالات متحده از توافق مورد نظر به عنوان مبنای حقوقی توطئه و حمله علیه رهبر آپو و PKK استفاده کرد.

۱۸ - ۲۲ سپتامبر ۱۹۹۸

اولین کنفرانس مجروحان جنگی جنگی PKK در دروهی «شهید هارون» واقع در کوهستان‌های «مَرکدو» در قنبدیل تشکیل شد. رهبر آپو برای مجروحان جنگی پیغامی ویژه ارسال کرده و از آنها به عنوان شهیدان زنده یاد نمود. در همین رابطه از آنها خواست که به وظایف حزبی و مبارزاتی خود عمل نمایند.

۹ اکتبر ۱۹۹۸

در پی درخواست دولت سوریه رهبر ملت کورد عبدالله اوجالان از سوریه خارج و به آتن پایتخت یونان رفت. اما به رغم آنکه از سوی دولت یونان دعوت شده بود، از بدو ورود او به یونان از سوی مدیریت امنیتی این کشور با مشکل مواجه شد و برای بازگشت به سوریه تحت فشار قرار گرفت. با این حال در صورت بازگشت، به احتمال قوی از سوی نیروهای توطئه‌گر در مدیترانه مورد هدف قرار می‌گرفت. در این شرایط رهبر اوجالان به سوریه باز نگشته و به مسکو پایتخت روسیه رفت. بدین ترتیب پروسه‌ی توطئه رسماً آغاز گردید و از سوی دیگر برنامه‌ی ترور مخفیانه از سوی رهبر اوجالان خنثی شد. توطئه‌ی بین المللی علیه رهبر اوجالان از سوی ایالات متحده، بریتانیا و اسرائیل برنامه‌ریزی شده و توسط دولت آمریکا اجرایی شد. در جریان این توطئه رئیس جمهور مصر حسنی مبارک و دولت‌های یونان و روسیه و کنیا نیز نقش فعالی داشتند. ایالات متحده در این توطئه از هر دولت و جناحی که کمک خواسته بود، جواب مثبت گرفت.

۹ اکتبر ۱۹۹۸

رفیق «محمد خالد اورال» که توطئه بین المللی را با تمام وجود احساس کرده بود، در زندان شهر البستان با شعار «شما نمی‌توانید آفتاب‌مان را خاموش کنید»، در عملیاتی فدایی تن خود را به آتش کشید. در تاریخ ۲۵ اکتبر در زندان شهر مدیاد وابسته به ماردین، رفیق «روتیندا» (آینور آرتان) با همان شعار جسم خویش را به آتش کشید. پیشتر نیز رفیق «سما یوجه» و رفیق «فکری بایگلدی» در اقدام علیه تصفیه‌گران و در صیانت از رهبر اوجالان خودسوزی کرده بودند. بنابراین شعار و خط‌مشی مبارزه علیه توطئه شکل گرفت. در همین رابطه ۶۳ انقلابی و میهن‌دوست از جمله رفقا «تایهان»، «ژیهات»، «روژبین»، «شارستان»، «بَرور»، «بَربانگ» در حمایت

۱۱ نوامبر ۱۹۹۸

رهبر اوجالان روسیه را ترک کرد و با هواپیمایی به رم، پایتخت ایتالیا رفت. در حقیقت، پارلمان روسیه (دوما) به ایشان حق پناهندگی داده بود اما در مقابل واگذاری پروژه‌ی موسوم به "ماوی آکیم" یا همان جریان آبی از سوی ترکیه به شرکتهای روسی، دولت روسیه خواهان خروج رهبر آپو از آن کشور شد. در ادامه رهبر اوجالان نیز بخاطر استقبال گرم دولت ایتالیا در آن دوره به طور نیمه رسمی به رم رفت.

۱۶ ژانویه ۱۹۹۹

رهبر اوجالان بخاطر موضع‌گیری‌های تند دولت‌های فرانسه و آلمان علیه دولت ایتالیا خروج از رم را مصلحت دانست و بار دیگر به مسکو رفت. در واقع به نوعی خیانت نیز در این بازگشت موثر بود چرا که به رهبر آپو گفته بودند که روسیه تقاضای وی را پذیرفته است. بر همین اساس با ورود به مسکو تا حدود زیادی تحت نظارت CIA قرار گرفت و مدتی نیز در مسکو و تاجیکستان بازداشت شد.

۱ - ۲ فوریه ۱۹۹۹

در پی اعلام پذیرش دولت یونان، رهبر اوجالان به این کشور منتقل شد. پیشتر دو بار سعی کرده بودند در بلاروس و جزیره‌ی کورفو وی را ترور کنند اما پس از شکست این تلاش‌ها، از سوی دولت یونان وعده داده شد که ایشان را به آفریقای جنوبی منتقل کنند و بر همین اساس در دوم فوریه به سفارت یونان در نایروبی پایتخت کنیا برده شد. در واقع، رهبر آپو می‌خواست به هلند رفته و در دادگاه لاهه طرح شکایت کند.

۱۵ فوریه ۱۹۹۹

رهبر ملت کورد عبدالله اوجالان در نتیجه توافق CIA و MIT و موافقت دولت ترکیه در فرودگاه نایروبی دستگیر و به کنتر گریلاهای ترک در فرودگاه نایروبی تحویل داده شد. اساسی ترین نقطه‌ی این توافق حمایت دولت ترکیه در حمله ایالات متحده برای سرنگونی دولت صدام حسین بود. با هواپیمایی که دولت ترکیه اجازه کرده بود، رهبر آپو را از کنیا خارج و از طریق مصر به استانبول بردند. این رویداد ساعت ۹ صبح روز ۱۶ فوریه طی کنفرانسی مطبوعاتی از سوی بولنت اجویت نخست وزیر وقت ترکیه اعلام گردید. در پی انتشار این خبر خلق کورد در هر چهار بخش کردستان و چهار گوشه‌ی جهان به پا خاستند. با پیشاهنگی سازمان جوانان میهن‌دوست کورد که خود را «اتحادیه‌ی جوانان کردستان» YCK می‌نامیدند در بسیاری مناطق ضربه‌های سختی به توطئه‌گران وارد کردند. عملیات فدایی در مکان‌های مختلف با شعار «آفتاب‌مان را نمی‌توانید خاموش کنید»، انجام گرفتند. به رغم وجود زمستان سخت و سرمای شدید، در بسیاری از مناطق و در ابتدا در شهر آمد و ماردین با پیشاهنگی رفیق شهید «آمد» و رفیق شهید «فلات» عملیات‌های گریلایی انجام گرفتند. و در این میان رفقا «فرهاد»،

حزب کارگران کردستان ۵۱

«دیلان» و «خبات» عملیات فدایی انجام دادند. در قیام‌هایی که در شرق کردستان و ایران و در محکومیت توطئه انجام گرفت، دست کم ۳۷ نفر در شهرهای مختلف و به دست نیروهای رژیم ایران به شهادت رسیدند. در سلیمانیه، جایی که بیش از پنجاه هزار نفر در حرکتی اعتراضی شرکت کردند، یکی از اعضای میهن‌دوست حزب سوسیالیست به نام «سیروان رثوف» پس از آن‌که تن خود را به آتش کشید، شهید شد. در محکومیت توطئه‌ی بین‌المللی دست کم یک هزار نفر از جوانان شرق کردستان به عنوان فدایی به صفوف گریلا پیوستند. در نهایت مراکز فرماندهی توطئه اعتراف کردند که انتظار چنین واکنشی را از سوی خلق کورد نداشتند. مردم ۱۵ فوریه را به عنوان «روز سیاه» تعریف می‌کنند و رهبر اوجالان نیز آن را «روز نسل‌کشی کوردها» توصیف کرد.

۱۲ ژانویه ۱۸ فوریه ۱۹۹۹

ششمین کنگره PKK با مشارکت شمار بسیاری از رفقا در منطقه‌ی «خنیره» برگزار شد. رهبر اوجالان پس از اعلام آتش بس، حزب را به ششمین کنگره هدایت کرد. وی خواهان تغییر سریع استراتژی و تصویب آن در کنگره بود. قرار گرفتن در موقعیت آتش بس، نقش تضعیف‌کننده‌ی توطئه را ایفا می‌کرد. با این حال، اگر به درستی ارزیابی می‌شد، قرار گرفتن در موقعیت و وضعیت برگزاری کنگره می‌توانست امکان و مزیتی در درک توطئه و توسعه موثر مبارزه‌ی به موقع علیه آن باشد. با این حال در جریان کنگره، بیشتر بجای درک دشواری و گستردگی توطئه، پیام «تشکیل دولت-دولتی شدن» مطرح گردیده و بخاطر بحث قدرت‌یابی و حاکمیت، از مقصود اصلی رهبری در مبارزه علیه توطئه فاصله گرفته شد. با اینحال با انتشار خبر توطئه در ۱۶ فوریه، روزهای ۱۷ و ۱۸ فوریه به تحلیل توطئه اختصاص یافت و برای مقاومت در برابر آن برنامه‌ریزی جدیدی انجام و کمیته‌ی مرکزی جدید نیز برگزیده شد و کنگره به کار خود خاتمه داد. ششمین کنگره را باید در واقع به فعالیت‌های دو روزه‌ای خلاصه کرد که طی روزهای ۱۷ و ۱۸ فوریه انجام گرفتند.

۱۲ مارس ۱۹۹۹

دومین کنگره‌ی زنان آزاد در کوهستان خنیره تشکیل و تصمیم به تأسیس «حزب زنان کارگر کردستان» (PJKK) گرفته شد. بدین ترتیب جنبش زن آزاد، حزب خویش را تشکیل داده و حزب زنان کارگر کردستان PJKK جای «اتحادیه‌ی آزادی زنان کردستان» YAJK را می‌گیرد. با این حال، این کنگره تحت شرایط توطئه برگزار شد و مشکلات مشخص پیش آمده، منجر به وضعیتی جنجالی شد.

۱ - ۴ می ۱۹۹۹

شورای رهبری PKK به عنوان کمیته‌ی نظارتی (کوردیناسیون) کمیته‌ی مرکزی در نشستی روند رویدادها و چگونگی انجام فعالیتها علیه توطئه را مورد تحلیل قرار داد. وکلا از اواسط ماه مارس با رهبر اوجالان ملاقات کردند و او در ماه آوریل از طریق وکلای خود خواستار «توقف اقدامات علیه غیرنظامیان» شد. علاوه بر این مقامات دولت

ترکیه در ملاقات با رهبر آپو تقویم روند دادگاه را اعلام کردند. شورای رهبری حزب در تحلیل این رویدادها بلافاصله تاکتیک‌های مقاومت فدایی را تغییر داد. تصمیم گرفته شد که عملیات خشونت آمیز تنها علیه نیروهای مسلح انجام گیرد، سایر اقدامات متوقف شوند، روند دادگاه باید با دقت دنبال شود و تصمیم گرفته شد در راستای درک جامعه از نگرش رهبر اوجالان فعالیت شود. رهبر آپو نیز موافقت خود با این نگرش را از طریق وکلایش اعلام کرد.

۲۴ می ۱۹۹۹

تأسیس کنگره ملی کردستان KNK در آمستردام هلند در پی نشست‌های اعلام گردید. تدارکات برای تأسیس کنگره ملی را رهبر آپو سازماندهی کرده بود و می‌خواست راه حل سیاسی دموکراتیک مسئله کرد را از طریق این کنگره پیگیری کند اما توطئه‌ی بین‌المللی اجازته‌ی این کار را نداد. با این حال کمیته‌ی تدارکات کنگره‌ی ملی با تأسیس KNK پس از توطئه‌ی بین‌المللی، به وظایف خود در رابطه با چگونگی پیشبرد روند مبارزات عمل کرد.

۳۱ می ۱۹۹۹

ملاقاتها در جزیره‌ی امرالی با رهبر آپو با فشارهای سخت روانی و تهدید فیزیکی شروع شدند. بسیاری می‌خواستند که رهبر آپو و جنبش ما را به مقاومتی سازش‌ناپذیر تشویق کنند. اکثراً می‌گفتند که عمر PKK تا فرارسیدن ماه آگوست پایان می‌یابد. رهبر آپو دفاعیه‌ای کتبی مشتمل بر ۲۵ صفحه را با عنوان «راه حل دموکراتیک در مسئله‌ی کورد» آماده کرد. در ابتدای دادگاه، پیغام دیالوگ و گفتگو و چاره‌یابی سیاسی را داد. با کسانی که در جنگ بستگان‌شان را از دست داده‌اند احساس همدردی کرد و پیغام صلح داد. وی از حق دفاع شفاهی خود در دادگاه استفاده کرد و مواضع و نگرش‌های بسته نسبت به گفتگو و صلح را مورد انتقاد قرار داد و تصریح کرد که خود همواره با گشاده‌رویی از این موضوع استقبال کرده است.

۲۹ ژوئن ۱۹۹۹

همان‌گونه که احتمال داده می‌شد دادگاه امرالی برای رهبر آپو حکم اعدام صادر کرد. رهبر آپو با رد این حکم گفت: «من جرم خیانت به میهن را نمی‌پذیرم، ما برای دموکراسی مبارزه کرده‌ایم».

۹ ژوئیه ۱۹۹۹

رفیق «آیهان» (آغا قهرمان) عضو کمیته مرکزی PKK و فرمانده ایالت کوچگیر، در منطقه توکات رشادیه در ساحل دریای سیاه همراه با گروهی از رفقا در جریان درگیری با دشمن شهید شدند.

۱۷ - ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۹

بر اساس پیغام رهبر آپو کمیته مرکزی PKK تشکیل جلسه داد و پیشنهادات را

حزب کارگران کردستان ۵۳

مورد بحث قرار داد. رهبر آپو در ادامه‌ی تلاش علیه حکم اعدام صادره خواستار «اعلام آتش بس از اول سپتامبر و عقب نشینی گریلا به پشت مرزها» شده و خواهان اجرای آن شده بود. کمیته‌ی مرکزی نیز پیشنهادها را تصویب و از آمادگی خود برای انجام آنها به رهبر آپو خبر دادند.

۲ آگوست ۱۹۹۹

رهبر اوجالان خواهان اعلام آتش بس نامحدود از اول سپتامبر و خروج گریلاها به آن سوی مرز شده بود. رهبری PKK نسبت به این فراخوان اعلام موضع مثبت کرد. بدین ترتیب چهارمین آتش بس و عقب نشینی گریلا به خارج از مرزها آغاز شد. همزمان PKK درحال تدارک کنگره‌ی فوق‌العاده بود تا این تصمیمات را به یک تصمیمی استراتژیک تبدیل کند. با اینحال بخاطر گستردگی نواحی، دوری مناطق و شمار زیاد نیروها امکان عقب‌نشینی سریع وجود نداشت و هم اینکه اقدام سریع موجب بروز مشکلات امنیتی می‌شد، ایالت‌هایی که گریلاها در آن مستقر بودند هیچگاه بطور کامل تخلیه نشدند. تنها گروه‌های کوچکی به کوهستان‌ها عقب نشستند و وجود خود را حفظ کردند.

۱ اکتبر ۱۹۹۹

رهبر اوجالان به منظور تقویت مبارزات علیه حکم اعدام خواهان اعزام دو گروه صلح به ترکیه شد. رهبری PKK دو گروه، گروهی از کوهستان‌ها در اول ماه اکتبر و گروه دیگر نیز از اروپا در ۲۹ ماه اکتبر را آماده و به ترکیه اعزام کرد. ابتدا استقبال خوبی از این گروه‌ها شد، اما بعداً به اتهام عضویت در گروه تروریستی محاکمه و مجازات شدند.

۲ - ۲۳ ژانویه ۲۰۰۰

هفتمین کنگره‌ی فوق‌العاده PKK با مشارکت ۱۹۷ تن از نمایندگان در «دولا کوکی» (دره‌ی کوکی) قندیل برگزار شد. رهبر آپو چارچوب کلی مباحث کنگره را طی نوشته‌ای چهار صفحه‌ای ارسال کرده بود. همزمان با آغاز کنگره دولت ترکیه نیز در مورد اینکه با مجازات اعدام چه باید کرد بحث می‌کرد. دولت ائتلافی بین احزاب حزب چپ دموکرات DSP، حزب جنبش ملی‌گرا MHP و حزب مام‌میهن ANAP، که در پی انتخابات زودهنگام ۱۸ آوریل ۱۹۹۹ روی کار آمده بود، در ۱۱ ژانویه اعلام کرد که «حکم اعدام را به مجلس نمی‌فرستد و آن را در نهاد نخست وزیری حفظ می‌کند». این اظهارات بدین معنا بود که این حکم در عمل اجرا نمی‌شود. در واکنش به این تصمیم، کنگره‌ی PKK نیز تغییر استراتژی و برنامه‌ریزی مجدد را تصویب کرد. آنها مبارزه‌ی سیاسی دموکراتیک را به عنوان استراتژی جنبش مشخص کرده و بر همین اساس ساختار سازمانی را تغییر و بازسازی کردند. بر همین اساس، هفتمین کنگره فوق‌العاده در مقیاسی وسیع «کنگره‌ی تغییر و بازسازی» بود. تغییرات در برنامه، اساسنامه و نشان PKK انجام شد. عنوان ارتش رهایی‌بخش خلق کرد ARGK برداشته شد و نیروی گریلا با نام «نیروهای مدافع خلق» HPG تغییر ساختار داد. همچنین نام جبهه‌ی

آزادی‌بخش ملت کردستان ERNK لغو گردیده و تدارکاتی جهت تأسیس جنبش توده ای در «واحدهای توده‌ای دموکراتیک» سازماندهی شود. یک برنامه کاری راهبردی در هفت ماده تهیه و آماده گردید. به عنوان یک تعریف کلی، مفاهیم تغییر به عنوان «تغییر دموکراتیک» بیان شد اما همه آن را دقیقاً یکسان درک نکردند و بنابراین درک های متفاوتی در درون حزب وجود داشت. بعضی‌ها می‌گفتند به حزبی سوسیال دموکرات تبدیل شده‌ایم، برخی نیز بر این باور بودند که توطئه منجر به حل مسئله‌ی کورد خواهد شد، از همین رو مبارزه با آن را اشتباه می‌پنداشتند. فردگرایی رشد می‌کرد و حسابهای شخصی مطرح می‌شدند. هرچند وحدتی وجود داشت اما وحدت در درک و فهم نبود. کنگره با انتخاب کمیته‌ی مرکزی جدید به کار خود پایان داد اما در اصل مسائل و فشارها همانند دوران پس از کنگره‌ی دوم در رهبری جدید همچنان ادامه یافت.

۴ می ۲۰۰۰

اتحادیه‌ی میهنی کردستان YNK در همکاری با دولت ترکیه و توافق با ایران عملیاتی نظامی را با هدف محاصره نیروهای PKK در کوهستان‌های قندیل آغاز کرد. به رغم همه‌ی هشدارها، آنها حلقه‌ی محاصره را در نزدیکی‌های پاییز تنگتر کردند. در ۱۴ سپتامبر نیروهای PKK در منطقه‌ی کوهستان‌های قره‌داغ را مورد حمله قرار داده و در ۱۹ سپتامبر نیز ۷ تن از اعضای PKK را به قتل رساندند. دولت ایران نیز نزدیک شدن زمستان را غنیمت شمرده و عملیاتی نظامی را برای به تسلیمیت کشاندن PKK آغاز کرد. رهبری PKK هرچند اندکی دیر هنگام اما با ارزیابی اوضاع به این نقشه‌ی خطرناک پی برد و با طرح برنامه‌ی عملیاتی انقلابی درصدد مقابله با قصد YNK مبنی بر تصرف قندیل برآمدند. بدین ترتیب در اواخر سپتامبر با حمله‌ای دو روزه به حضور YNK پایان داده و قندیل به تصرف PKK درآمد. در پی هشدارهای ایران YNK در اوایل دسامبر حملاتی را برای بازپس‌گیری قندیل انجام داد، اما موفق نگشتند. بدین شکل قندیل بدست نیروهای PKK افتاد و فعالیت‌ها در راستای تجدید ساختار حزبی تسهیل گردید. این جنگ به یکی از تصمیمات مهم رهبری PKK بود هرچند این پیروزی به قیمت خون ۱۰۰ شهید قهرمان به دست آمد.

۱۵ ژوئن - ۲ ژوئیه ۲۰۰۰

کنفرانس خاورمیانه‌ی PKK به منظور بحث و گفتگو در مورد نحوه‌ی کار گسترده و سازماندهی عمومی در بخش‌های مختلف کردستان در قندیل برگزار شد. این کنفرانس تأسیس احزاب سیاسی دموکراتیک را در همه بخش‌ها ضروری دانست و برنامه‌ها و دستورالعمل‌های لازم را بر همین اساس تهیه کرد. با اینحال بدلیل اقدامات مخرب و تصفیه‌گرانه‌ی «فرهاد» (عثمان اوجالان) اقدامات عملی در این رابطه تا پاییز سال ۲۰۰۳ انجام نشدند.

۲۹ ژوئیه - ۲۱ آگوست ۲۰۰۰

سومین کنگره زنان آزاد در قندیل برگزار شد. در این کنگره، ضمن بحث و بررسی

۵۵ حزب کارگران کردستان

تحولات سیاسی- نظامی، معضلات ایدئولوژیک- سازمانی نیز مورد بحث قرار گرفت و تصمیمات مهمی اتخاذ شدند. در این کنگره خصوصیات خرده بورژوازی مورد انتقاد قرار گرفته و محکوم گردیدند. همچنین عنوان حزب زنان کارگر کردستان PJKK به «حزب زن آزاد» Partiya Jina Azad- PJA تغییر داده شد.

۲۱ - ۳۰ آگوست ۲۰۰۰

نشست گسترده‌ی مجلس PKK در قندیل برگزار شد. تحولات و اقدامات انجام گرفته پس از کنگره‌ی هفتم حزب مورد تحلیل قرار گرفتند. در این جلسه نتایج کنفرانس خاورمیانه و کنگره‌ی زنان مورد تأکید قرار گرفته، ضمن ارزیابی توافقات ایران و YNK قرار شد در صورتی که تصمیماتشان عوض نشود، حمله به قندیل و تصرف کامل آن انجام گیرد. با انتقاد از مشکلات ایدئولوژیک- سازمانی و نیز فردگرایی در اسلوب مدیریت، تقسیم کار موجود بار دیگر مورد بازبینی قرار گرفت. آموزش کادرها و انجام فعالیت‌های تئوریک از سوی کمیته‌ی هماهنگی (کوردیناسیون) پیش‌بینی و هماهنگ شد. این جلسه منجر به بهبودی خاصی در مدیریت حزب شد. پس از این دیدار، جنگ با YNK گسترش یافته و نتایج مهمی حاصل شد.

۱۳ - ۱۶ مارس ۲۰۰۱

در دولاکوکی (دره‌ی کوکی) قندیل با حضور شماری از اعضای مرکزیت حزب نشست مدیریتی برگزار گردید. در این نشست پیامدهای جنگ با YNK و فعالیت‌های زمستانی مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت. تصمیم گرفته شد در چارچوب مبارزات سیاسی دموکراتیک، اقدامات و حرکات مردمی سازماندهی و اجرایی شوند. علاوه بر این، تصمیم گرفته شد تا نهادهای سازمانی مورد نیاز برای انجام مطالعات در ابعاد مختلف مطابق با برنامه‌ریزی کنگره هفتم ایجاد گردند. بر این اساس، تابستان سال ۲۰۰۱ از یک سو با حرکت‌ها و قیام‌های کوتاه مدت و از سوی دیگر با کنفرانس‌هایی که در چارچوب تجدید ساختار سازمانی برگزار می‌گردیدند، سپری شد.

۲۸ می - ۸ ژوئن ۲۰۰۱

اولین کنفرانس مطبوعاتی PKK در خنیره برگزار شد. به منظور ارزیابی فعالیت‌های تبلیغی و انجام بهینه‌ی آن اتحادیه‌ی مطبوعات دموکراتیک Yekitiya Ragihandina Demokratik YRD تأسیس گردید. تأسیس آکادمی مطبوعاتی با نام غربت آلی آرسوز تصویب شد. پس از برنامه‌ریزی کارها و امور، جلسه خاتمه یافت.

۲۰ ژوئن - ۲ ژوئیه ۲۰۰۱

اولین کنفرانس جنبش خلق در قندیل برگزار شد. پس از کنگره‌ی هفتم، کار جمعی به عنوان «جنبش خلق» تعریف شده و از یک مرکز مدیریت می‌شد. در این کنفرانس درباره‌ی کارهای جمعی، وظایف جاری سازمانی و عملی بحث شد. انجام نتایج کنفرانس خاورمیانه وضعیت را به تأخیر انداخت. جنبش‌ها و حرکت‌های مردمی همواره با برخورد تنگ نظرانه، سطحی و بدور از نگاه ایدئولوژیک «فرهاد» (عثمان

۲۸ ژوئن - ۱۲ ژوئیه ۲۰۰۱

اولین کنفرانس نیروهای گریلا پس از تبدیل آن به نیروهای مدافع خلق HPG با مشارکت ۱۹۴ نماینده در قندیل برگزار شد. مقررات HPG تهیه و تصویب گردید. بر همین اساس، قرارگاه، آموزش، یگان‌ها، و سیستم‌های تقسیمات، مشخص و قرارگاه مرکزی بار دیگر سازماندهی شد. تصمیم گرفته شد که آکادمی نظامی معصوم کورکماز در کوهستان تأسیس شده و با انجام آموزش‌های فرماندهی، وحدت رویه ایجاد گردد. تأسیس سازمان گریلاهای زن تحت عنوان «اتحادیه‌ی زنان آزاد- ستار» Yekitiya Jinên Azad-Star در دستور کار قرار گرفت. کنفرانس بر اساس یک برنامه‌ریزی آموزشی جامع برای نوسازی به پایان رسید.

۱۰ - ۲۱ ژوئیه ۲۰۰۱

اولین کنفرانس فرهنگی و هنری PKK در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. ضمن ارزیابی وضعیت فعالیت‌های موجود فرهنگی و هنری، به منظور سازماندهی بهینه جنبش دموکراتیک فرهنگ و هنر (TEV-ÇAND û huner) (Tevgera Çand û huner) تأسیس شد. در این کنفرانس تأسیس «آکادمی فرهنگی هنری شهید سفکان» تصویب شد. این کنفرانس با یک برنامه کاری جامع به پایان رسید.

۵ - ۲۲ آگوست ۲۰۰۱

ششمین کنفرانس PKK با مشارکت ۱۳۸ نماینده در دولاکوک قندیل برگزار شد. جلد اول کتاب "از دولت راهب سومری به سوی تمدن دموکراتیک" که توسط رهبر اوجالان به عنوان دفاعیه آماده شده بود، خوانده شد. در این کنفرانس روند موجود ارزیابی شد. نتایج کنفرانس‌هایی را که در چارچوب تجدید ساختار سازمانی برگزار شده و سازمان‌های جدید ایجاد شده را تأیید کرد. برنامه‌ی فعالیت‌های جدید را آماده کرد. با ایجاد برخی تغییرات در نحوه‌ی تقسیم کار، فعالیت‌های ایدئولوژیک را با مدیریت جنبش مردمی در یک کمیته‌ی هماهنگی (کوردیناسیون) حزبی یکی کرد. در این کنفرانس برخی رویکردهای فردگرا و حسابگر موجب بروز تنش‌هایی شدند. «فرهاد» سعی می‌نمود معیارها و موازین کادر حرفه‌ای و فدایی را به میهن‌دوستی تقلیل دهد اما کنفرانس این نوع درک و نگرش را رد کرد.

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱

سازمان القاعده با هواپیما به برج‌های دوقلوی آمریکا حمله کرد. ایالات متحده فرصت را مناسب دیده و با استفاده از نیروهای نظامی که ده سال قبل و به بهانه‌ی جنگ خلیج به خاورمیانه آورده بود، در سال ۲۰۰۲ به افغانستان و در ۲۰ مارس سال ۲۰۰۳ به عراق حمله‌ی نظامی نمود. در نهم آوریل دولت صدام حسین را ساقط و بغداد را تصرف کرد. این مداخله نظامی همزمان با تداخلات ایدئولوژیک و سیاسی علیه دیگر قدرت‌های منطقه گسترش یافت. این اوضاع به کسانی جهت اقدامات مخرب و

۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱

رهبان ملت کورد عبدالله اوجلان تحت شرایط سخت و شکنجه‌های امرالی نتایج مطالعات و تحقیقات خود را در دو جلد کتاب با عنوان «از دولت کاهن سومری به سوی تمدن دموکراتیک» گرد آورده و تحت عنوان دفاعیه تقدیم دادگاه حقوق بشر اروپا کرد. رهبر آپو ضمن تحلیل و ارزیابی بحران تمدن دولت مرکزی و تاریخی بودن آن تصریح کرد که دموکراسی اروپایی هم بر این بحران فایق نیامده است. بدینگونه نشان داد که به تمدن دموکراتیک جدیدی نیاز است که می‌تواند در خاورمیانه توسعه یابد و با فرمول «کردستان آزاد و خاورمیانه‌ی دموکراتیک» منجر به حل معضل کردها شود. در همین رابطه با تحلیل اینکه فرمول «حقوق فردی» پیشنهادی اتحادیه‌ی اروپا، قادر به حل مسئله‌ی کورد نیست، سیاست‌های دولت بلند اجویت برای ورود به اتحادیه اروپا را بی‌تأثیر کرده و سیاستی که در راستای ضعیف کردن و نابودی رهبری در امرالی بود را شکست داد. بر این اساس، تاریخ کردستان و روند اوضاع کردستان را مورد ارزیابی مجدد قرار داد. در زمستان ۲۰۰۱ - ۲۰۰۲ همه کادرهای PKK فعالیت‌های آموزشی وسیعی در رابطه با دفاعیات رهبر آپو انجام دادند و در واقع همین آموزش‌ها بود که حزب را سرپا نگهداشت.

فوریه ۲۰۰۲

کمیته مرکزی PKK در قنديل و طی نشست‌هایی که برگزار نمود، به تحلیل مواردی می‌پردازد که در چارچوب دفاعیات رهبر آپو می‌توان انجام داد. در نهایت در چهارم آوریل تصمیم بر ایجاد حزبی جدید داده شد و مقدمات آن فراهم گردید.

۲ - ۱۶ مارس ۲۰۰۱

در جنوب کردستان با هدف تأسیس حزبی دموکراتیک، کنگره‌ای برگزار و طی آن تأسیس حزب چاره یابی دموکراتیک کردستان PÇDK اعلام شد.

۴ - ۱۰ آوریل ۲۰۰۲

هشتمین کنگره PKK با مشارکت ۲۸۵ نماینده در دره‌ی شهید هارون قنديل برگزار شد. در کنگره‌ی نام حزب کارگران کردستان PKK به «کنگره‌ی آزادی دموکراتیک کردستان» KADK تغییر پیدا کرد و بر این اساس تغییراتی در برنامه و اساسنامه‌ی حزب اعمال شد. برای توسعه‌ی سازماندهی زنان، جوانان و قیام عمومی مشخصا در شمال کردستان تصمیم گرفته شد که حزبی مخفی تأسیس شود. کنگره برنامه‌ی جدید فعالیت‌ها را تنظیم و مرکزیت KADK را برگزید. «فرهاد» درخواست خود را برای تغییر معیارهای کادر فدایی - حرفه‌ای به کنگره ارائه داد، اما کنگره این پیشنهاد را بار دیگر رد کرد. این بار فرهاد پیشنهاد گنجانده شدن سیستم نظارتی موثر در اساسنامه را ارائه داد که این پیشنهاد پذیرفته شد. مدیریت KADEK که پس از کنگره تشکیل شد، تعداد اعضای شورای رهبری را به

۹ نفر افزایش داد و رفیق جمعه (جمیل بابیک) به عنوان عضو هماهنگ کننده شورا تعیین گردید. تلاش‌های مخالفانه‌ی «فرهاد» از این پس سازمان یافته‌تر شد. وقتی نتایج برای رهبر آپو فرستاده شد، وی از عنوان KADEK استقبال چندانی نکرد.

۲۷ می - ۱۰ ژوئن ۲۰۰۲

چهارمین کنگره زنان آزاد با مشارکت ۲۶۷ نماینده در ناحیه‌ی شهید هارون قندیل برگزار شد. در چارچوب سازماندهی حزب آزادی زنان PJA پیامدها و مشکلات مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. روز ۷ ژوئن و در جریان کنگره، رفیق گولان (فلیز یرلی کایا) یکی از نمایندگان کنگره به قتل رسید. هر چند قاتل دقیقاً مشخص نشد، اما این حمله، حمله‌ای بود از سوی تصفیه‌گران علیه رهبری، حزب و جنبش زن آزاد. تصفیه‌گری با استفاده از اینگونه اقدامات همیشه سعی داشت جنبش آزاد زنان را تحت فشار و سرکوب نگه دارد.

۲ آگوست ۲۰۰۲

حکومت ائتلافی بین حزب چپ دموکراتیک DSP، حزب جنبش ملی‌گرا MHP و حزب مام میهن ANAP در تلاش برای عضویت در اتحادیه‌ی اروپا برخی مواد قانون اساسی و برخی قوانین از جمله حکم اعدام را لغو و بجای آن «حکم ابد سنگین» (حکم ابد غیرقابل لغو) را جایگزین آن کرد. بدین ترتیب حکم اعدام رهبر آپو نیز تغییر یافت. رهبر اوجالان با توجه به اهمیت تاریخی و سیاسی لغو مجازات اعدام از سیستم ترکیه، ۲ آگوست را «جشن گل» اعلام کرد.

۱ سپتامبر ۲۰۰۲

مجلس کنگره‌ی آزادی و دموکراسی کردستان KADK در منطقه‌ی خیره برگزار شده و به تحلیل و ارزیابی حملات و حضور نظامی ایالات متحده در خاورمیانه و مسائل و معضلات درون سازمانی پرداخت. در راستای درخواست رهبر آپو تصمیم گرفته شد مناطق حفاظتی مدیا اعلام گردد. به ویژه با انتقاد از نگرش و عدم اجرای مصوبات کنگره‌ی هشتم در مناطق شمالی، بر اجرای مصوبات کنگره صراحتاً تأکید گردید. فردگرایی، گروه‌بازی و گرایش‌های اپورتونیستی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته و محکوم شدند. تصفیه‌گران با هراس از این نتایج و این که شاید مجبور باشند در قبال اقدامات خود پاسخگو باشند، با تقویت و متحد شدن، فعالیت‌های تصفیه‌گرانه‌ی خود را به شکل سازمان یافته‌تری ادامه دادند.

۳ نوامبر ۲۰۰۲

در نقشه‌ای که ایالات متحده نیز در آن دست داشت، دولت ائتلافی به ریاست بلند اجویت ساقط و انتخابات عمومی زودرس برگزار گردید. در این انتخابات حزب عدالت و توسعه AKP با استفاده از خلاء ایجاد شده توسط نیروهای انقلابی-دموکراتیک، با حمایت ایالات متحده پیروز شد. در واقع سازمانی به نام AKP به سفارش ایالات متحده برای ادامه و به نتیجه رساندن و موفقیت توطئه ماموریت یافته بود.

۳ - ۹ آوریل ۲۰۰۳

مجلس کنگره‌ی آزادی و دموکراتیک کردستان KADK در منطقه‌ی شهید هارون قندیل نشستی به منظور تحلیل و ارزیابی حمله‌ی نظامی آمریکا که ۲۰ مارس علیه عراق شروع کرده بود، برگزار شد. همزمان با پایان نشست آمریکا نیز بغداد را تصرف کرد. در این نشست پروژه‌ی راه‌حل معضلات خاورمیانه بر اساس آنچه که در دفاعیات رهبر آپو موجود بود، طی بیانیه‌ای منتشر گردید. تصفیه‌گری درون حزبی با اتکا به روند موجود، جنوب کردستان و عراق را مرکز فعالیت‌های خود قرار داد.

آوریل - ژوئن ۲۰۰۳

رهبر آپو در ابتدای ماه آوریل و طی ملاقات با وکلای خود گفت که «درخواست آتش بسی که در ۲ آگوست ۱۹۹۹ اعلام کرده را پس می‌گیرد». در کتاب «کرد آزاد، هویت نوین خاورمیانه» (دفاعیات ارائه شده به دادگاه مؤتلفه‌ی آتن) که در ماه ژوئن به سازمان رسید، رهبر آپو به تغییر پارادایم اشاره کرده و خواهان ادغام کنگره‌ی آزادی و دموکراسی کردستان KADEK و کنگره‌ی ملی کردستان KNK و تأسیس کنگره‌ی خلق شده بود.

ژوئیه ۲۰۰۳

دومین کنفرانس اتحادیه‌ی مطبوعات دموکراتیک در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. مشکلات آموزش و سازماندهی در زمینه مطبوعات، وضعیت فعالیت‌ها، وظایف سازماندهی شبکه خبرنگاری و توزیع روزنامه‌ها و کتب مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت و در همین رابطه تصمیمات جدیدی اتخاذ گردید.

۲۵ - ۳۰ ژوئیه ۲۰۰۳

جلسه گسترده‌ی مجلس کنگره‌ی آزادی و دموکراسی کردستان KADK در دولا کوکی قندیل برگزار شد. موضوع بحث، لغو آتش بس و تشکیل کنگره خلق با یکی شدن KNK و KADK بود که از جانب رهبر آپو مشخص شد. گروه تصفیه‌گران فرصت را مناسب دیده و برای کسب نتیجه‌ی مطلوب با آمادگی کامل به این نشست آمده بودند. بقیه‌ی فرماندهان و کادرها منفرد و بدون آمادگی بودند. از همین رو بحث‌های طولانی و ناشایستی در گرفت. سرانجام، با تحمیل گروه تصفیه‌گران، تصمیم‌گیری در مورد آتش بس به کنگره خلق سپرده شد. با انجام مقدمات لازم قرار بر این شد که کنگره‌ی خلق در اواخر اکتبر نشست خود را برگزار کند. به همین منظور کمیته‌ی تدارکاتی تشکیل شد که هیچ یک از اعضای شورای رهبری فعلی در آن شرکت نداشتند. قرار بر این شد که دو تن از وکلای رهبری به کنگره‌ی خلق دعوت شوند. علاوه بر این تصمیم گرفته شد قرارگاه مرکزی نیروهای مدافع خلق HPG به بهدینان و مرکز مطالعات ترکیه را نیز به منطقه‌ی خنیره منتقل کنند.

۱۷ آگوست ۲۰۰۳

رفیق اردال (انگین سینجر) از اعضای کمیته مرکزی PKK در قندیل و در مراسم

گرامیداشت ۱۵ آگوست، در یک حادثه شهید شد. رفیق اردال که همزمان از اعضای فرماندهی قرارگاه مرکزی HPG نیز بود در جلسه ماه ژوئیه از منتقدان تصفیه‌گران بود.

۷ - ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۳

دومین کنفرانس نیروهای مدافع خلق HPG با مشارکت ۱۸۲ نماینده در کوهستان قندیل برگزار شد. شهادت رفیق اردال تأثیر عمیقی بر کنفرانس گذاشت. در کنفرانس در مورد معضلات ایدئولوژیکی، سیاسی، نظامی و سازمانی بحث شد و تصمیمات لازم گرفته شد و برنامه وسیع فعالیتی را آماده کردند. روند انتقال قرارگاه مرکزی به بهدینان شروع شد. در همه‌ی عرصه‌ها تصمیم بر سازماندهی دفاع مشروع گرفته شد و حوزه سازمان دفاع مشروع به عنوان دومین ارتش عنوان گردید.

۱۵ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۰۳

بر اساس برنامه‌هایی که در کنفرانس خاورمیانه آماده شده بود، در روز ۱۵ سپتامبر با برگزاری کنگره شرق کردستان، تأسیس حزب حیات آزاد کردستان PJAK و در روز ۲۱ سپتامبر با برگزاری کنگره غرب کردستان، تأسیس حزب اتحاد دموکراتیک PYD تصویب شدند. تصفیه‌گران تلاش می‌کردند در جریان تأسیس احزاب بخش‌ها مدیریت آنها را در دست بگیرند.

۲۷ اکتبر - ۶ نوامبر ۲۰۰۳

با مشارکت ۳۶۰ نماینده از کنگره‌ی ملی کردستان KNK و کنگره‌ی آزادی و دموکراسی کردستان KADK در دره‌ی شهید هارون قندیل اولین اجلاس مجمع عمومی برای تأسیس کنگره‌ی خلق برگزار گردید. علاقه‌ی زیادی به مجمع عمومی ابراز گردید. تمایلات تصفیه‌گران مشخص شده بود و با آمادگی کامل در جلسه حاضر شده بودند. در مقابل این اقدامات، رهبری و کادرها آمادگی و سازمان‌یافتگی نداشتند. به رغم آنکه رهبری و کادرها در اکثریت بودند اما تصفیه‌گران به سبب آمادگی و سازمان‌یافتگی قویتر دیده می‌شدند. بنابه درخواست و تمایل واقعی تصفیه‌گران، کادرهای حزب تنها در نشستی که با عنوان «انحلال PKK» برگزار شد، حضور یافتند. در اینجا به اصطلاح «انحلال PKK» تصویب شد. سپس، کار مجمع عمومی کنگره‌ی خلق آغاز شد. در واقع وضعیت تصفیه‌گران چندان قوی نبود و سیستم کنگره را چندان درک نکرده بودند. کنگره‌ی خلق را مانند یک حزب تصور کرده و از همین رو اساسنامه‌ای هم آماده کرده بودند. در نهایت، اساسنامه‌ای که از ابتدا تهیه کرده بودند، رد شد و تصمیم گرفته شد که برای دومین مجمع عمومی «قراردادی» تهیه و ارائه نمایند. تنها هدف تصفیه‌گران برداشتن معیارها و موازین فدایی حرفه‌ای و کادرهای مبارز و هموار کردن مسیر برای زندگی مادی فردی بود. به همین منظور، آنها یک لایحه‌ی تصفیه با عنوان «پروژه‌ی رفرم اجتماعی» تهیه کرده بودند که مجمع عمومی بجای آن پیش نویس تهیه شده توسط جنبش زنان را تصویب کرد. اما فرهاد (عثمان اوجالان) با مانوری ماهرانه پیشنهاد «ترکیب دو طرح» را ارائه داد و بدین ترتیب از شکست فاحش تصفیه‌گران ممانعت کرد. بعداً مشخص شد که تصفیه‌گران قصد داشتند رهبری حرکت را بطور کامل در

اختیار بگیرند. پس از افشای این موضوع و طی مبارزاتی که انجام شد، تصفیه‌گران در انتخابات مدیریت و رهبری نیز نتوانستند به اهدافشان برسند. با اینحال آینده‌ی جنبش و موازین اخلاقی آن را زیر پا گذاشته شد و یک پروسه‌ی سازمان‌یافته‌ی اضمحلال را آغاز کردند. فردگرایی، دکماتیسم و وضعیت بی‌سازمانی نتوانست سبب آسیب دیدن تشکیلات شود. این جلسه که در فضایی پرتنش برگزار شد، با انتخاب شورای اجرایی به پایان رسید. وضعیتی مشابه در نشست شورای اجرایی نیز ادامه یافت. آشفتگی شدید و عدم قطعیت کامل بر عرصه حاکم بود. در پی این نشست، هر کسی با توجه به درک خود اجرایی شدن کنگره‌ی خلق را در نظر داشت. کمیته‌ی علم و هنر یک مقاله نیمه آموزشی با عنوان «چگونه باید کنگره خلق را درک نمود» منتشر و توزیع کرد. نگرش‌ها و موضع‌گیری‌هایی وجود داشت که مانع از تصفیه‌گری در شمال و اروپا شد. نشست‌ها و جلسه‌های کادرها در افشای تصفیه‌گری برگزار گردید. وقتی تلاش‌های «فرهاد» جهت رسیدن به اهدافش کفایت نکرد، کوهستان را ترک و به عراق گریخت. مدیران مسئول بجای آنکه به رهبری در این باره خبری بدهند، سعی کردند فرهاد را بار دیگر به کوهستان بازگردانند. البته در این کار موفق نشدند و آشفتگی در این مرحله تعمیق بیشتری یافت.

مارس ۲۰۰۴

رهبر آپو در باب رویدادهای اخیر دیرهنگام و بطور ناقص خردار شد. هم رهبری حزب و هم وکلا در این باره به وظیفه‌ی خود عمل نکردند. رهبر آپو از طریق رسانه‌ها از موضوع باخبر شد و با بردن نام چهار نفر، جمعه (جمیل باییک)، عباس (دوران کالکان)، جمال (مراد قره‌بیلان)، فرهاد (عثمان اوجالان) گفت: «گردهم آید و معضلات را رفع کنید». وقتی این مسائل و معضلات حل نشدند، در ماه فوریه «بازسازی PKK» در دستور کار قرار گرفت. بر همین اساس در ۱۰ مارس به رفیق جمال (مراد قره‌بیلان) مأموریت سپرده و خواهان تشکیل یک کمیته شد. ابتدا کمیته‌ای ۹ نفره و سپس ۱۲ نفره را به عنوان کمیته‌ی بازسازی PKK منصوب و موظف کرده و خواهان حمایت همگانی از این کمیته شد و به آنها تا نوروز فرصت داد. رهبر آپو خواهان برخورد با کسانی شد که به این فراخوان ملحق نشده‌اند.

از سوی دیگر با توجه به فرصتی که برای نگارش دفاعیه‌ای حقوقی پیش آمده بود، دفاعیه‌ای تحت عنوان «دفاع از یک خلق» را آماده و طی آن ضمن تغییر پارادایم، ستون‌های پارادایم جدید را «دموکراسی، اکولوژی و آزادی زن» عنوان کرد و کنفدرالیسم دموکراتیک را به شکلی گسترده تشریح کرد. بدین ترتیب با مسدود کردن انواع گرایش‌های تصفیه‌گرانه، فرآیند تغییر و تجدید ساختار را آغاز کرد.

آوریل - می ۲۰۰۴

کمیته‌ی بازسازی PKK پس از نوروز، رهبری قبلی را در قندیل گرد هم آورد تا درباره‌ی اتحاد مجدد بحث و گفتگو کنند. گفتگوها سطح فشار را کاهش داد اما برای ایجاد درک کامل ناکافی بود. بخشی بزرگ از گروهی که به عراق فرار کرده بودند، اما بجای ماندن در کوهستان و اتحاد با مرکز حزب، گویا در فکر فراری

دادن باقی نفرات تصفیه‌گری بودند که در کوهستان بجای مانده بودند. به همین سبب کمیته‌ی بازسازی PKK پس از مباحث عمومی موضوع انتقاد از خود و پلاتفرم تحلیل شخصیتی را برنامه‌ریزی کرد. درست در زمانی که نوبت به مرحله‌ی پلاتفرم رسید، دفاعیات رهبری با عنوان «دفاع از یک خلق» به دست کمیته رسید. باید گفت مانند دارویی که همه‌ی بیماریها را درمان می‌کند به‌موقع رسید. در اواسط ماه آوریل در منطقه‌ی سوره‌دی قنديل با حضور قریب ۱۵۰ تن از کادرها پلاتفرم انتقاد و انتقاد از خود به جریان افتاد و اعضای مدیریتی که تحت بازجویی بودند این پلاتفرم را گذراندند. ابتدا «دفاع از یک خلق» که تازه رسیده بود، خوانده شد. بدین ترتیب همه چیز روشن شد و دفاعیات رهبری آن را مشخص کرد. تصفیه‌گران و «فرهاد» و «بوتان» (نظام‌الدین تاش) عملاً به دام افتاده بودند. به رغم افشا و رسوا شدن، اما سعی می‌کردند با تهدیدی و سیاه‌نمایی از زیر بار انتقادات و پلاتفرم تحلیلی شخصیتی خلاصی یابند. به رغم انتقادهای مشخص کادرها، اما به دلیل ضعف در درک پارادایم جدید و ضعف در نحوه‌ی مبارزه‌ی ایدئولوژیک، پروسه‌ی انتقادی و نتایج آن ناکافی بودند.

۱۶ - ۲۶ می ۲۰۰۴

دومین مجمع عمومی کنگره‌ی خلق در دره‌ی شهید هارون قنديل برگزار گردید. با توجه به محتوای دفاعیات رهبری در «دفاع از یک خلق»، آمادگی‌های لازم انجام نگرفته بود. علاوه بر این نگرش تصفیه‌گرانه تأثیر بسیاری داشت. به همین دلیل تعریفی سازگار و بر مبنای تغییر پارادایم و خط‌مشی کنفدرالیسم دموکراتیک ارائه نگردید. موضوعات جاری مانند پایان دادن به آتش‌بس و تهیه آیین‌نامه‌ی کاری برای شهرداران مطرح و در موردشان تصمیم‌گیری شد. اعضای شورای اجرایی دوباره برگزیده شدند. پس از مجمع عمومی فرهاد و بوتان بار دیگر فرار کردند. آنها دیگر عضو شورای اجرایی نبودند.

۱ ژوئن ۲۰۰۴

ریاست شورای اجرایی کنگره‌ی خلق در روستای «لیوژی» قنديل کنفرانسی مطبوعاتی برگزار کرده و طی آن هم نتایج مجمع عمومی و هم پایان آتش‌بس را اعلام کردند. بدین ترتیب چهارمین آتش‌بس یک‌جانبه نیز به پایان رسید. رهبر اوجالان در این باره گفت «اگر من بودم، بلافاصله پس از انتخابات سوم نوامبر ۲۰۰۲ به آن خاتمه می‌دادم». هرچند با تأخیر اما حرکت سیاسی- نظامی اول ژوئن آغاز گردید که جنبه‌ی ایدئولوژیک- سازمانی غالب بود.

۹ ژوئن ۲۰۰۴

نمایندگان حزب دموکراتیک DEP «لیلا زانا»، «خطیب دجله»، «اورهان دوغان» و «سلیم سادا» که از ده سال قبل در زندان محبوس بودند، بطور ناگهانی از جانب حکومت AKP آزاد شدند. پس از آن رسانه‌های ترکیه تبلیغات را برای لیلا زانا شروع کردند. در واقع این اقدام در واکنش به پایان آتش‌بس و نوعی گسترش تاکتیک جنگ ویژه بود. با پاکسازی تصفیه‌گری که بر حزب تحمیل شده بود، این بار سعی داشتند

حزب کارگران کردستان ۶۳

تصفیه‌گری را در حوزه‌ی سیاست دموکراتیک تحمیل کنند. رهبر آپو در این باره هشدار داد. با اینحال نمایندگان که آزاد شده بودند با برخورد و مواضع درست تاکتیک تصفیه‌گری AKP را خنثی کردند

ژوئن ۲۰۰۴

دومین کنفرانس جنبش فرهنگ و هنر TEV-ÇAND با مشارکت حدود ۵۰ نماینده در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. در این کنفرانس آسیب‌های وارده از سوی تصفیه‌گران و فعالیت در مناطق جداگانه تحلیل و برنامه‌ریزی‌های تازه‌ای در عرصه‌ی هنری انجام گرفت.

۲۷ ژوئن - ۲ ژوئیه ۲۰۰۴

پنجمین کنگره زنان آزاد در کوهستان قنديل برگزار گردید. نام حزب زن آزاد PJA را به حزب آزادی زنان کردستان PAJK تغییر دادند. با تکوین حزبی زنان، مشکلات نوسازی مورد تحلیل قرار گرفت و با توجه به آن تصمیماتی اتخاذ گردید.

۲۶ اکتبر - ۵ نوامبر ۲۰۰۴

شورای اجرایی کنگره خلق در کوهستان قنديل نشست گسترده‌ی خود را برگزار کرد. در این نشست، هم‌زمان با اتخاذ تصمیماتی درباره‌ی فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی در بخش‌های کردستان، طبق هشدارهای رهبر آپو ارگان‌های قانونگذاری و اجرایی از هم جدا شدند. بدین ترتیب سیستم کنفدرالیسم دموکراتیک معرفی گردید و کنگره‌ی خلق به عنوان ارگان تصمیم‌گیری این سیستم از سوی دیوان رهبری مدیریت شده و شورای اجرایی نیز به عنوان ارگان اجرایی سیستم عمل می‌کرد.

۲۹ نوامبر ۲۰۰۴

رفیق «شیلان باقی»، عضو شورای مرکزی و مجلس کنگره‌ی آزادی و دموکراسی کردستان KADK و کنگره‌ی ملی کردستان KNK که در سطح مدیریت جنبش زنان آزاد نیز فعالیت کرده بود، به همراه رفیق «فواد»، «زکریا»، «جمیل» و «جوان» در شهر موصل توسط تبه‌کاران فاشیست به شهادت رسیدند. زمانی که رهبر آپو از واقعه با خبر شد، اندوه خود را با بیان «دختر کوچک ما» ابراز کرد.

۲۰ فوریه - ۷ مارس ۲۰۰۵

سومین کنفرانس نیروهای مدافع خلق HPG با مشارکت ۱۸۱ نماینده در منطقه «زاپ» و «کانی گز» برگزار شد. با توجه به وضعیت جنگی، جلسه‌ی اول به بحث در مورد نیروی گرپلا اختصاص داده شد. اما با توجه به تغییرات پارادایمی، آمادگی‌های کافی برای درک محتوای کتاب «دفاع از یک خلق» انجام نشده بود. علاوه بر این، «دکتر علی» و فرمانده‌ای به نام «روبار چله»، از تصفیه‌گران نقش مهمی در آماده سازی کنفرانس داشت. در نهایت، موضوع تجدید ساختار در نیروهای مدافع خلق HPG نتوانست در این کنفرانس بطور کامل محقق شود. با این حال، در رابطه با این روند،

۲۱ مارس ۲۰۰۵

رهبر ملت کورد عبدالله اوجالان با انتشار اطلاعیه‌ای سیستم کنفدرالیسم جوامع دموکراتیک (KCK) را اعلام کرد. اعلامیه شامل اصول اساسی کنفدراسیون دموکراتیک بود. رهبر آپو با اعلام اینکه وظیفه و مأموریت رهبری کنفدراسیون دموکراتیک را بر عهده دارد، از مردم کورد و همه مظلومان خواست تا برای ارتقای مبارزات آزادی و دموکراسی زیر پرچم سبز کنفدرالیسم دموکراتیک گرد هم آیند. بدین ترتیب، PKK که در نوروز ۱۹۸۵، جبهه‌ی رهایی‌بخش ملی کردستان ERNK را اعلام کرد، بیست سال بعد از آن کنفدرالیسم جوامع دموکراتیک KCK را به عنوان یک سیستم دموکراتیک مردمی اعلام کرد.

۲۸ مارس - ۴ آوریل ۲۰۰۵

کنگره‌ی بازسازی PKK با مشارکت ۲۰۵ تن از اعضا در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. این کنگره به‌عنوان نهمین کنگره‌ی PKK نیز پذیرفته شد. برنامه و اساسنامه‌ی حزب براساس مانیفست آن دوره که کتاب «دفاع از یک خلق» بود، تهیه و تصویب گردید. گذشته از این آرم و پرچم جبهه‌ی رهایی‌بخش ملی کردستان ERNK به عنوان آرم و پرچم جدید PKK پذیرفته شد. براساس ارزیابی‌ها از اوضاع سیاسی و سازمانی موجود، تصمیمات گسترده و برنامه‌ریزی‌هایی انجام گرفت. با برگزیدن رؤسای مشترک و مدیریت حزب (مجلس حزب)، کنگره به کار خود خاتمه داد. با این حال، سیستم ریاست مشترک در عمل اجرا نشد و در کنگره بعدی با تأیید رهبر آپو لغو شد. کنگره‌ی بازسازی حزب پیشرفت قابل توجهی در بازآفرینی و سازماندهی حزب بر اساس الگوی جدید داشت. با این حال، از نظر موضع‌گیری محکم ایدئولوژیک در مقابله با تصفیه‌گری تا حدودی ناکافی بود.

۷ - ۱۸ آوریل ۲۰۰۵

نخستین کنگره‌ی زنان برگزار شده و طی آن «جمعیت زنان والا» KJB اعلام گردید. بر اساس نگرش رهبر اوجالان عنوان KJB بعدها به «کنفدراسیون زنان کردستان» KJK تغییر یافت.

۵ - ۱۸ می ۲۰۰۵

سومین نشست مجمع عمومی کنگره‌ی خلق، با تدارکاتی کامل در سوره‌دی قندیل برگزار گردید. اساسنامه‌ی داخلی کنگره‌ی خلق تصویب و دیوان رهبری نیز تشکیل شد. قرارداد کنفدراسیون جوامع کردستان KCK بررسی و مورد تصویب قرار گرفت. بدین ترتیب سومین مجمع عمومی به عنوان «مجمع عمومی موسس» اعلام گردید. این نشست گزارش کتبی شورای اجرایی را ارزیابی و تأیید کرد. امورات و وظایفی را که می‌بایست در یک سال انجام گیرند، تنظیم و برنامه‌ریزی کرد و در آخر بر اساس سیستم انتخاباتی مذکور در قرارداد، با انتخاب نهادهای مربوطه به وظایف خود خاتمه داد.

سومین کنفرانس رسانه و مطبوعات با مشارکت حدود ۶۰ نماینده در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. با توجه به آثار اقدامات تصفیه‌گران در مطبوعات، مباحث شدیدی در زمینه خط‌مشی رسانه و فعالیت‌ها در مناطق پیش آمد.

۲۶ ژوئیه - ۶ آگوست ۲۰۰۵

اولین کنگره جوانان بر اساس تعاریف رهبر اوجالان در منطقه‌ی خنیره برگزار گردیده و سازمان دموکراتیک جوانان کردستان، با نام «جوامع دموکراتیک جوانان کردستان» به عنوان سازمان دموکراتیک جوانان کردستان تأسیس گردید. البته PKK خود بعنوان جنبش روشنفکر جوانان پا به عرصه نهاد و سازماندهی اولیه‌ی آن با نام اتحادیه جوانان انقلابی کردستان بود. در سال ۱۹۸۷ در اروپا اتحادیه‌ی جوانان انقلابی و مهین‌دوست کردستان اعلام وجود کرده بود که بعدها نام آن به اتحادیه‌ی جوانان کورد YCK تغییر یافت. در پی توطئه‌ی بین المللی و در روند تغییر، سعی بر این بود که جنبش جوانان با عنوان «جنبش جوانان آزاد کردستان» TECAK سازماندهی گردد. جمعیت جوانان یا سازمان انقلابی دموکراتیک جوانان کردستان با رهبری PKK، در نشست کنفدرالیسم جوامع کردستان و تأسیس KCK نقش پیشاهنگی بر عهده داشت.

۱۲ آگوست ۲۰۰۵

در پی درخواست دولت حزب عدالت و توسعه AKP، ریاست مشترک KCK یک ماه توقف عملیات گریلایی را اعلام کرد. در حالی که قرار بود در ۲۳ آگوست نشست شورای امنیت ملی ترکیه MGK برگزار شود، اما در حاکمیت ترکیه نزاعی جدی وجود داشت. اعلام توقف عملیات این اوضاع را هدف گرفته بود. کشورهای اروپایی که طرفدار درگیری کوردها و ترکیه بودند، اجازه ندادند که کنفرانس مطبوعاتی اعلام توقف عملیات در اروپا برگزار شود. علاوه بر این، ارتش ترکیه نیز حملات خود را متوقف نکرد و در ۲۵ آگوست واحدی با فرماندهی رفیق «نوجان» (جنت دیرلیک) در منطقه‌ی بشیری به شهادت رسیدند. در ۲۳ آگوست شورای امنیت ملی ترکیه در نشست خود تصمیم به جنگی ویژه و همه‌جانبه علیه PKK گرفت.

اکتبر ۲۰۰۵

نشست شورای فرماندهی نیروهای مدافع خلق HPG در منطقه‌ی زاگرس برگزار شد. در این نشست کمیته‌ی دفاعی و شورای اجرایی KCK نیز حضور داشتند. در این نشست قرار بر این شد که با تاکتیک جنگ دفاعی فعال و با شدتی متوسط، به تصمیم جنگ همه‌جانبه‌ی ارتش ترکیه پاسخ داده شود. پس از آن شورای اجرایی KCK تصمیم گرفت که در عرصه‌ی اجتماعی کارزار جمع آوری امضا با عنوان «رهبر آپو، نماینده‌ی اراده‌ی سیاسی من است» آغاز شود.

۱ - ۲ فوریه ۲۰۰۶

رفیق «ویان سوران» (لیلا والی حسین) از اعضای کمیته‌ی بازسازی PKK در

عملیاتی فدایی تن خود را به آتش کشید. او نامه‌ای مشروح از خود بجای گذاشت که در آن گفته بود دیگر تحمل سیستم شکنجه‌ی امرالی را ندارد و از همه خواسته بود تا در مقابل این سیستم مبارزه کنند. درخواست وفیق ویان موثر واقع شد و مردم با شعار «نابود باد سیستم امرالی»، توطئه‌ی ۱۵ فوریه را محکوم کردند. قیام‌های مردمی در ۸ مارس و نوروز به اوج خود رسید. در ۲۸ مارس در مرکز شهر آمد مردم با پیشاهنگی جوانان خیابانها را به تصرف خویش درآوردند. مردم با تجمع در میدان نوروز به طور جمعی اعلام کردند که «رهبر آپو نماینده‌ی اراده سیاسی ماست». رجب طایب اردوغان که نتوانست مردم را متوقف کند، دستور صادر کرد که «مأموران امنیتی ما به زنان و کودکان نیز توجه نکنند، هرچه لازم باشد، باید انجام دهند». در پی این دستور نیروهای پلیس وارد عمل شدند و ۱۲ کودک کورد به قتل رسیدند.

۱۱ آوریل ۲۰۰۶

رفیق «سورخوین» (اوزگور کایا) از اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK در منطقه‌ی بستیای کوهستان بوتان و در جریان درگیری مسلحانه با نیروهای ارتش ترکیه همراه با گروهی ۸ نفره از گریلاها به شهادت رسید.

۱۷ - ۲۲ آوریل ۲۰۰۶

چهارمین مجمع عمومی کنگره خلق در کوهستان قندیل تشکیل شد. با ارزیابی مبارزه‌ی توده‌ای که از ابتدای فوریه آغاز گردیده و شدت گرفته بود، تصمیم گرفته شد در مقابله با اقدامات متجاوزانه‌ی AKP سطح مبارزات ارتقا یافته و توسعه داده شود.

۵ - ۱۱ ژوئن ۲۰۰۶

ششمین کنگره‌ی زنان آزاد با مشارکت ۱۵۰ نماینده برگزار گردید. در این کنگره مسائل مربوط به ساختار و فعالیت حزب آزادی زنان کردستان PAJK را مورد بحث قرار داد و وظایفی را که باید انجام شوند مشخص کردند.

۳ - ۸ ژوئیه ۲۰۰۶

نشست گسترده‌ی مدیریت مرکزی PKK در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. همراه با تحلیل اوضاع سیاسی، وضعیت ایدئولوژیک و سازمانی نیز تحلیل و بر چگونگی حل مشکلات تمرکز کردند.

۱ آگوست ۲۰۰۶

رفیق «ساری ابراهیم» (رمضان توپتاش) که مسئول حوزه‌ی خود دفاع و فرماندهی اطلاعات و امنیت قرارگاه مرکزی نیروهای مدافع خلق HPG بود توسط یک عامل نفوذی به قتل رسید. در پی انجام تحقیقات درباره‌ی این رویداد، شبکه‌ای از جاسوسان حزب عدالت و توسعه AKP کشف شدند که سعی در نفوذ به جنبش آزادی‌خواهی کورد داشتند.

۱ اکتبر ۲۰۰۶

در پی فراخوان رهبر آ‌پو، ریاست مشترک KCK پنجمین آتش بس یک‌طرفه را اعلام کرد. درخواست‌هایی از ایالات متحده، پارت دمکرات KDP و حزب جامعه‌ی دموکراتیک DTP جهت اعلام آتش بس رسیده بود. آنها آمادگی خود را برای میانجی‌گری جهت حل مسئله‌ی کورد اعلام کرده بودند. اما پس از شکست جمهوری خواهان آمریکا در انتخابات کنگره در ماه نوامبر این استراتژی عوض شد. در این مورد استراتژی تشکیل ائتلاف ترکیه- کورد- عراق جایگزین گردید. به همین دلیل، سیاست درگیری PKK و ارتش ترکیه و خنثی سازی دولت صدام حسین در دستور کار قرار گرفت. بر همین اساس در اواخر سال ۲۰۰۶ صدام حسین و یارانش اعدام شدند و در پنجم اکتبر سال ۲۰۰۷ و پس از ملاقات بوش و اردوغان جنگ تازه‌ای علیه PKK آغاز گردید.

۵ نوامبر ۲۰۰۶

رفیق عاکف مامو (خدر خرینگه)، عضو کمیته مرکزی PKK در دره‌ی قلعه‌ترکان در کوهستان قندیل و در پی جاری شدن سیلاب شهید شد. رفیق عاکف از پیشاهنگان فعالیت‌های شرق کردستان بود.

۱۵ ژانویه - ۴ فوریه ۲۰۰۷

چهارمین کنفرانس نیروهای مدافع خلق HPG با حضور کافی اعضا در کوهستان گاری برگزار شد. با ارزیابی نتایج عملی «جنگ نیمه‌متراکم»، تصمیم گرفته شد که برای مقاومت کامل آماده شوند. تصفیه‌گری‌های دکتر علی و «دجله» که در بوتان و در قالب اصلاح طلبی پنهان شده بود، محکوم گردید و تصمیم گرفته شد با سلب مسئولیت از افراد مرتبط با آنها تحقیقات بیشتر در این مورد انجام گیرد. نیروهای مدافع خلق HPG با توجه به تغییر پارادایم و رویکرد دفاعی در کتاب «دفاع از یک خلق»، رهبر آ‌پو ساختار خود را بازسازی کرد. بر همین اساس، مقررات جدید و تصمیمات مناسبی گرفته شد. ضمن تصمیم بر الحاق دوباره‌ی نیروهای مدافع خلق HPG به PKK، سیستم انتخابات در PG برداشته شد. در کنفرانس، گزارش کتبی اعضای حاضر شورای فرماندهی اخذ و پلاتفرم انتقاد و خودانتقادی آنها برگزار گردید. و بدین ترتیب HPG با برنامه‌ریزی قوی و آماده‌ای برای مرحله‌ی نوین آماده شد.

فوریه ۲۰۰۷

جلسه‌ی مجلس حزب PKK (کمیته مرکزی) در منطقه‌ی خیره برگزار شد. در این نشست اطلاعات مربوط به مسموم کردن رهبر اوجالان به عنوان تنها دستور کار مورد ارزیابی قرار گرفت. بر همین اساس، یک برنامه مبارزاتی جامع تهیه و اجرا شد که شامل اطلاع رسانی به مردم و توسعه اقدامات فعال در همه سطوح بود. در همین چارچوب رفیق «اردال» (گوون آک‌کوش) در روز ۲۲ می در اولوس آنکارا با عملیاتی فدایی کاروانی از ستاد کل ارتش را هدف قرار داد.

۱۶ - ۲۲ می ۲۰۰۷

پنجمین نشست مجمع عمومی کنگره خلق با مشارکت ۲۱۳ عضو در قندیل برگزار

شد. تصمیمات کنفرانس نیروهای مدافع خلق HPG در مورد آماده بودن برای مقاومت کامل در برابر حملات احتمالی دشمن تصویب شد. بر همین اساس، تصمیماتی در رابطه با انجام تغییرات ضروری در کنفدرالیسم جوامع کردستان KCK گرفته و پیش بینی مبارزاتی چند بُعدی انجام گرفت. در پایان با انجام انتخابات، مدیریت جدید برگزیده شد.

۱۴ - ۲۴ ژوئیه ۲۰۰۷

چهارمین کنفرانس «اتحادیه‌ی مطبوعات دموکراتیک» YRD در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. در این کنفرانس فعالیت‌های سازماندهی کلی و مشکلات کادرها مورد بحث قرار گرفتند و خط‌مشی رسانه‌های انقلابی تعریف شده و مشخص گردید.

۲۲ ژوئیه ۲۰۰۷

در ترکیه انتخابات عمومی زود هنگام برگزار شد. نهاد سیاست دموکراتیک که با نامزدهای مستقل وارد انتخابات شده بود، با رسیدن به حد نصاب مورد نظر جهت تشکیل گروه در پارلمان، به موفقیت مهمی دست یافت. در سطح حاکمیت ترکیه درگیریهای جدی بر سر برگزاری انتخابات ریاست جمهوری وجود داشت. در ماه می نخست وزیر اردوغان با رئیس ستاد مشترک «یاشار بیوک آیت» در کاخ «دولمه باغچه» ملاقات کرده و به توافق رسیدند. بر این اساس، پارلمان جدید، رئیس جمهور و دولت ترکیه را برای یک جنگ فعال آماده کردند.

۹ - ۱۹ آگوست ۲۰۰۷

دومین کنفرانس جوانان با مشارکت ۸۰ نماینده در منطقه‌ی خنیره تشکیل شد. در کنگره، مشکلات سازمانی کنفدرالیسم جوانان با رهبری حزب مورد بحث قرار گرفت و تصمیمات لازم اتخاذ شد.

۱۰ - ۲۰ آگوست ۲۰۰۷

سومین کنفرانس جنبش فرهنگ و هنر در منطقه‌ی خنیره برگزار شد. در ارگان جنبش هنری مشکلات خط‌مشی ایدئولوژیکی مورد بحث قرار گرفت و برای پیشرفت کار و فعالیت تصمیمات مهمی اتخاذ گردید.

۲۰ اکتبر ۲۰۰۷

گریلاهای نیروهای مدافع خلق HPG حمله‌ای همه‌جانبه به پایگاه ارتش ترکیه در منطقه‌ی «اورامار» انجام دادند. علاوه بر شمار زیادی نظامی که در این حمله کشته شدند، هشت تن از نظامیان نیز به اسارت گریلاها درآمدند. در ۱۱ اکتبر نیز واحدهای نظامی ارتش که درحال انجام عملیات در کوهستان «گابار» بودند، مورد حمله‌ی گریلاها واقع شدند که نتیجه‌ی آن تلفات سنگین ارتش بود. این عملیات‌ها به آمادگی و تدارکات جنگی ترکیه آسیبی جدی رساند.

ارتش ترکیه در چهارم دسامبر قرارگاه مرکزی نیروهای مدافع خلق HPG در کوهستان «گابار» را مورد حمله قرار داد که طی آن رفیق «عادل» (رمضان آیبی) و رفیق «گلبهار» (سلما کایا) از اعضای فرماندهی به شهادت رسیدند. این رویداد نتیجه‌ی توافق نظامی میان ایالات متحده و AKP بود که در دیدار اردوغان و بوش در ۵ نوامبر شکل گرفت. در شب ۱۶ دسامبر، این حملات هوایی به مدت سه ساعت و نیم به تمام مناطق دفاعی مدیا ادامه یافت. بدین ترتیب، جنگ مشترک ائتلاف آمریکا و AKP علیه PKK در مناطقی که از نظر قانونی خاک عراق محسوب می شدند، آغاز شد.

۲۰ - ۲۸ فوریه ۲۰۰۸

درحالیکه حملات هوایی ارتش ترکیه به مناطق حفاظتی مدیا از ۱۶ دسامبر آغاز شده بود، به منظور از بین بردن قرارگاه مرکزی نیروهای مدافع خلق HPG منطقه‌ی زاپ مورد حمله‌ی زمینی و هوایی قرار گرفت. مردم اجازه‌ی عبور تانکها از جنوب را ندادند. هدف قرار دادن یگان‌هایی که از شمال وارد منطقه شده بودند، توانست مانع از موفقیت عملیات شود. در پی آن حملات برنامه‌ریزی شده‌ی گریلا ضربات سنگینی به نیروهای ارتش ترکیه وارد کرد و آنها را مجبور به عقب نشینی کرد. این ضربات اساس عملیات حزب عدالت و توسعه و آمریکا علیه ارتش ترکیه را فراهم آورد. به این شکل قیومیت نظامی بر حوزه‌ی سیاست و سیاسیون درهم شکسته شد. به این ترتیب، دولت آمریکا موفق شد ستاد کل ارتش ترکیه را به خط اصلی خود بازگرداند. با این حال، از آنجائی که با این حملات نتوانستند ضربه‌ای به PKK وارد کنند، اتحاد مورد نظر ترکیه-عراق - کرد عملاً نتوانست شکل بگیرد.

۱ آوریل ۲۰۰۸

رفیق «نودا کارکر» (نازان بایرام) عضو کمیته بازسازی PKK، همراه با عضو کمیته مرکزی PKK رفیق «فرهاد درسیم» و کادر تبلیغاتی و رسانه‌ای و فیلم‌ساز انقلابی، «خلیل داغ» در منطقه‌ی بستای منطقه‌ی کوهستانی بوتان در جریان درگیری با ارتش ترکیه به شهادت شدند. در ۱۲ مارس نیز در منطقه‌ی کوهستانی «هزل»، رفیق «کورتای فراشین» در درگیری شهید شده بود. در پلاتفرم تحلیل شخصیتی که در کوهستان گاری و در یادبود شهدای بوتان در ماه مه برگزار شد، دکتر علی و دجله از حزب اخراج شدند.

۲۹ می - ۴ ژوئن ۲۰۰۸

جلسه مجلس PKK در کوهستان قنديل برگزار شد. در خلال این نشستها دو جلد از کتاب «مانیفست تمدن دموکراتیک» خوانده شد که رهبر آپو بعنوان دفاعیات تقدیمی به دادگاه حقوق بشر اروپا نوشته بود. ویرایش و چاپ کتاب که در پنج جلد تنظیم شده بود، برنامه ریزی شد. علاوه بر این ضمن تحلیل اوضاع و تدارکات کنگره‌ی دهم نیز فراهم گردید.

۲۱ تا ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۸

ششمین نشست مجمع عمومی کنگره خلق با اعضای کافی در کوهستان قنديل

برگزار شد. در این نشست فعالیت‌های انجام شده و پیامدهای سیاسی و نظامی پس از جنگ زاپ تحلیل شده و فعالیت‌های یکساله برنامه‌ریزی شدند.

۲۱ - ۳۰ آگوست ۲۰۰۸

دهمین کنگره‌ی PKK در مرکز آموزش حزب در کوهستان قندیل با مشارکت کسانی که در دوره‌ی آموزشی بودند برگزار شد. کنگره به جز جایگزین کردن کمیته‌ی هماهنگ کننده (کوردیناسیون) بجای ریاست مشترک، هیچ تغییر جدی در اساسنامه و برنامه‌ی حزب ایجاد نکرد. کنگره کار و فعالیت‌ها و شرایط و اوضاع را تحلیل کرد. «رفرمیسم پنهانی» در داخل حزب را محکوم و پلاتفرم تحلیل شخصیتی مدیریت حزب را بر اساس انتقاد و خود انتقادی برگزار کرد. برنامه‌ریزی فعالیت‌ها و شرح وظایف شرایط جدید انجام و تأکید گردید که فعالیت‌ها باید در راستای آزادی رهبر آپو انجام گیرند. کنگره که با اتحاد کامل و شور و اشتیاق فراوان برگزار شده بود، با انتخاب مرکزیت جدید به کار خود خاتمه داد.

۱۵ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۰۸

هفتمین کنگره زنان آزاد (کنگره حزب آزادی زنان کردستان PAJK) با تعداد اعضای مناسب برگزار گردید و در مورد معضلات ایدئولوژیکی مبارزات زن آزاد و سازماندهی حزبی آن بحث و تصمیم گیری شد.

سپتامبر - نوامبر ۲۰۰۸

پس از آن که مشخص شد رهبر آپو در امرالی تحت فشار فیزیکی قرار گرفته و موهای سرش را به زور کوتاه کرده‌اند، اعتراضات شدید مردمی در حمایت از رهبری شکل گرفت. از سوم اکتبر عملیات موثر گریلایی صورت گرفتند، بویژه در ابتدای آن تحت فرماندهی رفقا «رشید سردار» و «حسین ماهر» عملیاتی موفق در «بیزله» صورت گرفتند.

۲۹ مارس ۲۰۰۹

در ترکیه، انتخابات محلی (انتخابات شهرداریها) برگزار شد. این انتخابات برای کردستان همانند یک رفراندوم بود. از تمامی ارگان‌های حکومتی گرفته تا دولت ایالات متحده، از حزب عدالت و توسعه AKP حمایت می‌کردند. با وجود این حمایت‌ها و تلبانی‌ها و تقلباتی که حزب عدالت و توسعه AKP برای بدست گرفتن شهرداری‌ها انجام داد، «حزب جامعه‌ی دموکراتیک» DTP با پیروزی در ۷۰٪ حوزه‌های انتخاباتی توانست ۱۰۰ شهرداری را در اختیار بگیرد. براساس این اوضاع، ریاست مشترک کنفدرالیسم جوامع کردستان KCK در ۱۳ آوریل «وضعیت بدون درگیری» را اعلام کرد و فراخوان حل سیاسی مسائل را داد. در واکنش به این اوضاع رهبری AKP در ۱۴ آوریل عملیات «قتل‌عام سیاسی» (دستگیری وسیع سیاسیون) را آغاز کرد. با این حال، هنگامی که دیدند اقدامات‌شان با واکنش منفی مردم روبرو شد، این بار با طرح این که «ما در صد حل مسئله‌ی کورد هستیم»، به فریب عموم روی آوردند. رهبر اوجالان با مشاهده‌ی

این بیانیه‌ی دولت، آن را فرصت دانسته و با رد تاکتیک حزب عدالت و توسعه AKP گفت: «از آنجا که من به سبب مسئله‌ی کرد در زندان هستم، پس نقشه‌ی راه را من تهیه می‌کنم.» و بر اساس بحثی که از طریق وکلا در میان مردم و افکار عمومی ایجاد کرده بود، «نقشه راه برای حل مسئله‌ی کورد» را نوشته و آماده کرد و در ۱۵ آگوست ۲۰۰۹ به رهبری حکومت ارائه داد. دولت AKP ضمن پنهان کردن نقشه راه و اجازه ندادن به انتشار آن، با بیان این که «قدرت اجرایی ندارد»، سعی داشت راه حل ارائه شده از سوی رهبر اوجالان را تضعیف کند. پس از این تحولات رهبر آپو خواهان اعزام دو گروه صلح از کمپ «مخمور» و «قندیل» به ترکیه شد و بدین شکل تبلیغات منفی حزب عدالت و توسعه AKP را خنثی کرد. در پاسخ به این فراخوان، رهبری کنفدرالیسم جوامع کردستان KCK و PKK دو گروه را در ۱۹ اکتبر به مرز «خابور» (مرز میان شهر سلویپ در شمال کردستان و شهر زاخو در جنوب کردستان) رساندند. استقبال میلیونی مردم از این دو گروه تا شهر آمد، ادعاها و تبلیغات AKP که گویا آمده‌اند تسلیم شوند را خنثی کرد. پس از افشای همه‌ی تاکتیک‌های دولت، این بار AKP چهره‌ی واقعی خود را نشان داد. اردوغان با گفتن اینکه «همه‌ی صورت مسئله را پاک کرده و از صفر شروع خواهیم کرد»، فشارها و حملات سختی را آغاز کرد. گردهمایی حزب جامعه‌ی دموکراتیک DTP را ممنوع اعلام کرده و در ۱۷ نوامبر محل اسکان رهبر اوجالان در امرالی را تغییر دادند که به گفته‌ی خود وی مانند آن بود که او را در تابوت قرار داده باشند. رهبر اوجالان این اوضاع را کودتای ۱۷ نوامبر توصیف کرد. رهبری AKP در ۱۱ دسامبر حزب DTP را ممنوع اعلام کرد و رؤسای مشترک آن را از انجام فعالیت‌های سیاسی منع کرده و شهرداران منتخب و رهبران حزب را بازداشت کردند. هنگامی که هشدارهای رهبر اوجالان در طول زمستان برای ترک این رویه مد نظر قرار نگرفت، رهبر اوجالان با بیان اینکه «شرایط برای مبارزه سیاسی دموکراتیک باقی نمانده»، اعلام کرد که از ۳۱ می خود را از این موضوع کنار خواهد کشید.

۹ می ۲۰۰۹

دولت اشغالگر ایران با بهانه این که رفقا «شیرین عَلم هولی»، «فرزاد کهانگر» و سه زندانی دیگر عضو PJAK هستند آنها را اعدام کرد. علیه این اقدام، تمامی ملت کورد نارضایتی‌های زیادی نشان دادند.

۲۱ - ۲۷ ژوئیه ۲۰۰۹

هفتمین نشست مجمع عمومی کنگره خلق برگزار شد. در این نشست، ضمن تحلیل فعالیت‌ها و اوضاع سیاسی، فعالیت‌های سال جدید برنامه‌ریزی گردیده و نهادهای رهبری نیز برگزیده شدند.

۴ - ۱۲ آگوست ۲۰۰۹

چهارمین کنفرانس جنبش فرهنگ و هنر در منطقه‌ی «خنیره» برگزار شد. مطالعات هنری در کوهستان و اینکه آیا هنر باید با مادیات و پول قابل ارائه است یا نه، مورد بحث قرار گرفت. درباره‌ی اهمیت خط‌مشی ایدئولوژیک در فعالیت‌های فرهنگی و

۷۲ گاه‌شناسی پ.ک.ک

هنری بحث صورت گرفته و پلاتفرم خودانتقادی و تحلیل شخصیتی اعضای کمیته‌ی فرهنگی هنری برگزار گردید. فعالیت‌های دوره‌ی جدید تصویب و برای انجام آنها برنامه‌ریزی صورت گرفت.

۱۱ - ۲۴ آگوست ۲۰۰۹

پنجمین کنفرانس نیروهای مدافع خلق HPG با مشارکت ۱۵۰ نماینده در کوهستان گاری تشکیل شد. در این کنفرانس ضمن تحلیل اوضاع سیاسی و فعالیت‌های انجام گرفته، شرح وظایف مرحله‌ی جدید نیز تصویب گردید. تأکید ویژه‌ای بر امر دفاع ذاتی و خوددفاعی و بازسازی سبک و شیوه‌ی عملکرد گردید. بر همین اساس مقرر گردید «کنفرانس دفاع ذاتی» از تاریخ ۲ تا ۵ دسامبر در کوهستان «متینا» برگزار شود. در این کنفرانس، همراه با قرارگاه نیروهای ویژه، بر مشارکت ریاست شورای اجرایی KCK و مرکز دفاع مردمی نیز مشارکت کرده و تصمیم به برنامه‌ریزی در مورد همه‌ی جنبه‌های فعالیت‌های دفاع ذاتی گرفته شد و مصوبه‌ای بر این اساس تهیه گردید. مقرر گردید که «آکادمی شهید ابراهیم» به عنوان یک مدرسه‌ی خوددفاعی سازماندهی شود. علاوه بر این، قرار بر آن شد در ماه دسامبر همراه با جلسه شورای فرماندهی نیروهای مدافع خلق HPG، کنفرانس نیروهای ویژه نیز برگزار گردیده و تغییرات و تعمیق روند بازسازی انجام گیرند.

۱۷ - ۲۷ آگوست ۲۰۰۹

پنجمین کنفرانس اتحادیه‌ی مطبوعات دموکراتیک با مشارکت تعداد کافی اعضا در منطقه‌ی خیره برگزار شد. علاوه بر ارزیابی و تصمیمات کلی، مقرر گردید کلیه فعالیت‌های مطبوعاتی و انتشاراتی در قالب یک «ستاد انقلابی» انجام گیرند.

۳ - ۱۰ سپتامبر ۲۰۰۹

سومین کنگره‌ی جوانان با مشارکت ۱۱۰ نماینده در کوهستان قندیل برگزار شد. در این کنگره، ضمن بحث و گفتگو در مورد فعالیت‌های مناطق، بر مواردی همچون مسائل خودسازی کادرها و تکوین حزبی، وظایف سازماندهی توده جوانان زیر چتر کنفدراسیون جوانان مورد بحث قرار گرفت و بر اساس آنها تصمیمات جامعی اتخاذ شد.

۱ ژوئن ۲۰۱۰

درپی اعلام رهبر اوجالان مبنی بر اینکه شرایط و امکان فعالیت سیاسی و دموکراتیک وجود ندارد و اینکه از ۳۱ می، خود را از این پروسه کنار می‌کشد، رهبری PKK نیز با بیان اینکه استراتژی مبارزه‌ی دموکراتیک و سیاسی خاتمه یافته، به مردم اعلام کردند که راه حل مسئله‌ی کورد و دستیابی به حقوق دموکراتیک از طریق استراتژی «مبارزات انقلابی خلق» امکان پذیر است. بدین ترتیب PKK با پایان دادن به استراتژی مبارزات سیاسی و دموکراتیک به عنوان سومین مرحله‌ی استراتژیک، تغییر استراتژی داده و چهارمین مرحله‌ی تغییر را با در پیش گرفتن استراتژی «جنگ انقلابی خلق» آغاز کرد.

۷۳ حزب کارگران کردستان

با این حال، درک و تفهیم این تغییر توسط سازمان و مردم ناکافی بود و بیشتر به عنوان یک تغییر تاکتیکی درک شد. با این وجود، با عملیات‌های گریلایی، به ویژه عملیاتی مؤثر در شهر اسکندرون، این حرکت با اثربخشی خاصی توسعه یافت.

۱۳ آگوست - ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۰

بدنبال افزایش عملیات‌های گریلایی، رهبری حزب عدالت و توسعه AKP هیئت‌ها را به امرالی فرستاده و در ملاقات با رهبر اوجالان خواهان آتش‌بس شدند. آن‌ها فراندومی را در ۱۲ سپتامبر به منظور انجام برخی تغییرات در قانون اساسی برنامه‌ریزی کرده بودند که برای برگزاری موفق آن نیازمند آتش‌بس بودند. رهبر اوجالان با تحلیل شرایط فراخوانی برای آتش‌بس از ۱۳ آگوست تا ۲۰ سپتامبر داد. رهبری PKK ضمن پذیرش فراخوان آتش‌بس، فراندوم قانون اساسی را بایکوت کرد. در ۱۶ سپتامبر هیئت حزب عدالت و توسعه AKP بار دیگر به امرالی رفته و در این ملاقات بر انجام کار مشترک در رابطه با حل سیاسی و دموکراتیک مسئله‌ی کورد توافق گردید. بر این اساس و به منظور ایجاد تسهیل در دیدارهای امرالی، آتش‌بس تا ۱۲ ژوئن ۲۰۱۱ تمدید گردید. در همین چارچوب، PKK به منظور درک بهتر تغییر استراتژیک و تفهیم آن در سازمان و اعلام برنامه‌ریزی لازمه، یک سری فعالیت‌های آموزشی و جلسات بحث و گفتگو برگزار کرد. در امرالی نیز دیدار و گفتگوها برای حل سیاسی و دموکراتیک مسئله‌ی کورد در جریان بودند. نتایج دیدارها را رهبر اوجالان در ۳ بخش به صورت پروتکلی کتبی به رهبری PKK و AKP فرستاد. به رغم برخی اعتراضها در ابتدای کار، رهبری PKK در اواسط ماه می موافقت خود با پروتکل‌ها را به رهبر آپو اعلام کرد. با وجود هم‌فشارها، اردوغان به بهانه‌های گوناگون پاسخی نداد و تصمیم‌گیری خود را به بعد از انتخابات موکول کرد.

۲۳ دسامبر ۲۰۱۰

رهبر اوجالان آخرین جلد مجموعه‌ی پنج جلدی مانیفست تمدن دموکراتیک را با عنوان «مسئله‌ی کورد و رهیافت ملت دموکراتیک» (دفاع از کوردها، خلقی در چنگال نسل‌کشی فرهنگی) را به پایان رسانده و آن را به دادگاه حقوق بشر اروپا فرستاد. بدین ترتیب نظریه‌ی «مدرنیته‌ی دموکراتیک» را به شکلی ساده و گسترده بیان کرده و برنامه و استراتژی جدیدی را برای حل مسائل و مشکلات اجتماعی و در رأس آن مسئله‌ی کورد ارائه نمود. هر چند رهبران حزب عدالت و توسعه AKP نمی‌خواستند این آخرین قسمت را تحویل دادگاه حقوق بشر اروپا دهند اما در نهایت و پس از فشارهای حقوقی با پاره کردن چند برگ کتاب و خط کشیدن بر روی جملاتی، ناچار به تحویل آن شدند.

۲۹ آوریل ۲۰۱۱ - ۲۱

هشتمین کنگره زنان آزاد (کنگره‌ی حزب آزادی زنان کردستان (PAJK) با مشارکت ۱۲۰ نماینده در کوهستان خواکورک برگزار شد. در این کنگره ضمن تحلیل اوضاع سیاسی و فعالیت‌های عملی و سازمانی، در رابطه با حل مشکلات مدیریتی و مبارزات

ایدئولوژیک بحث و تبادل نظر شد و وظایف مرحله جدید برنامه‌ریزی گردیدند.

۵ - ۱۰ می ۲۰۱۱

هشتمین نشست مجمع عمومی کنگره خلق در کوهستان قندیل برگزار شد. در این کنگره ضمن تحلیل و ارزیابی فعالیت‌ها و عملکرد گذشته، تصمیمات و برنامه‌هایی در مورد تحولات احتمالی پس از انتخابات ۱۲ ژوئن تهیه گردیدند.

۱۷ - ۲۱ می ۲۰۱۱

ششمین کنفرانس نیروهای مدافع خلق HPG در کوهستان گاری برگزار شد. در این کنفرانس ضمن تحلیل و ارزیابی فعالیت‌ها، وظایفی را که باید بر اساس استراتژی جنگ انقلابی خلق با توجه به شرایط احتمالی شدید جنگی که ممکن است پس از انتخابات عمومی ۱۲ ژوئن ایجاد شود، برنامه‌ریزی کردند. در مقایسه با سال قبل، تمرکز و شفاف سازی قابل توجهی در مورد استراتژی جدید پدید آمد.

۱۲ ژوئن ۲۰۱۱

در ترکیه انتخابات عمومی برگزار شد و حزب عدالت و توسعه AKP بار دیگر توانست با کسب اکثریت کرسی‌ها به تنهایی حاکمیت را در دست گیرد. به موازات این اوضاع، نهاد سیاست دموکراتیک نیز که بر اساس نامزدهای مستقل وارد انتخابات شده بود، با کسب نتایجی مهم توانست به عنوان یک گروه جدی وارد پارلمان شود. دولت اردوغان نیز در پی کسب این نتایج، به مذاکرات امرالی پایان داده و با تحریک برخی محافل، به سیاست جنگ علیه PKK روی آورد.

۱۴ ژوئیه ۲۰۱۱

کنگره‌ی جوامع دموکراتیک KCD در شمال کردستان و ترکیه، با اعلام خودمدیریتی دموکراتیک، قصد گسترش سیاست دموکراتیک را داشت. همزمان در جریان عملیات ارتش ترکیه در شهر سیلوان، با گریزهای PKK درگیری روی داد و ارتش ضربه‌ی سختی خورد. نیروهای جنگ روانی با استفاده از این شرایط، اعلام درگیری را با اعلام خودمدیریتی دموکراتیک یکی کرده و گفتند که کنگره‌ی جوامع دموکراتیک KCD اعلام جنگ کرده است. بدین ترتیب حکومت را با تمامی توان در برابر نیروهای سیاست دموکراتیک قرار دادند. بدین ترتیب سیاست دموکراتیک کاربرد خود را از دست داده و وضعیت جدید جنگی بزرگ در دستور کار قرار گرفت. همزمان، با حمله‌ی سپاه پاسداران ایران به کوهستان قندیل مشخص شد که جنگ در دو جبهه در حال گسترش است. بر همین اساس روند جنگی تازه که از سوی رهبری AKP آماده شده بود آغاز گردید. در جنگ قندیل رفیق «سمکو س‌رهلدان» در ۵ سپتامبر همراه با چند رفیق دیگر شهید شدند. سرانجام در ماه اکتبر با دولت ایران آتش‌بس شد.

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۱

حمله‌ی هوایی ارتش ترکیه همزمان با نشست فرماندهی خواگورک منجر به

۷۵ حزب کارگران کردستان

شهادت اعضای کمیته‌ی مرکزی PKK رفیق «رستم جودی» (رستم عثمان)، و رفیق «چیچک بوتان» شد. در جریان همان حمله رفیق «علیشیر کوچگیری» و «روزرین دیرک» همراه با ۱۱ تن از کادرهای PKK به شهادت رسیدند. در پی این رویداد در حمله‌ای که در شمریان انجام گرفت ضربه‌ی سختی به ارتش ترکیه وارد شد.

۸ اکتبر ۲۰۱۱

رفیق «باز موردّم»، یکی از مؤسس‌های جوامع جوانان و عضو قبلی شورای اجرایی KCK و از فرماندهان نیروهای مدافع خلق HPG، در کوهستان «کاتو مارینوس» واقع در منطقه بوتان، در جریان حمله‌ی دشمن شهید شد.

۱۹ اکتبر ۲۰۱۱

گریله‌های نیروهای مدافع خلق HPG در انتقام شهدای خواکورک در منطقه‌ی «چله»، عملیات بزرگ و شجاعانه‌ای علیه مواضع ارتش انجام داده و ضربه‌ای تاریخی به ارتش ترکیه زدند. در واکنش به این عملیات، ارتش در تمام زمستان مشغول انجام عملیات و حمله بود. در ۲۲ اکتبر و در جریان حملات هوایی، ۳۶ تن از گریله‌های از جمله رفیق «بروسک آمد» و «روکن بینگول» به شهادت رسیدند. در جریان عملیات‌های ارتش در ماه نوامبر در منطقه‌ی جودی، رفیق «روبار ماردین»، «بنفش ایزدی»، «سربست» و «صادق» به شهادت رسیدند. در حملات ارتش ترکیه در طول زمستان ۲۰۱۱ / ۲۰۱۲ در ماه دسامبر، رفیق «عزیز» و گروهش در درسیم، در ۱۳ فوریه در کوهستان «بستا» رفیق «حمزه» و گروهش، در ۹ فوریه در منطقه‌ی «ارزروم» رفیق «ماهر باش قلعه» و گروهش، و در ۲۵ مارس در منطقه‌ی «خرزان» رفیق «آرژین» و «برفین» به‌مراه گروه‌شان به شهادت رسیدند.

۲۸ دسامبر ۲۰۱۱

جنگنده‌های ترکیه به بهانه‌ی امکان حضور رفیق «باهوز اردال» (فهمان حسین)، جوانان روستای «روبوسکی» را مورد حمله قرار دادند که در نتیجه‌ی آن ۳۴ تن از روستائیان مدنی جان‌شان را از دست دادند که جملگی جوان بودند.

۱۲ ژانویه ۲۰۱۲

رفیق «خبات دیرک» (محمود محمد) از اعضای قدیمی کمیته‌ی مرکزی PKK در شهر «قامشلو» و هنگامی که مشغول فعالیت علیه نیروهای مزدور و تبه‌کار بود، شهید شد. شهادت رفیق خبات دیرک، در سرآغاز روند و جنگ انقلابی روزآوا بود.

۲۵ می ۲۰۱۲

رفیق «آندوک» و رفیق «ئیرش»، کادرهای فدایی PKK، در شهر قیصریه با انجام عملیات فدایی ضربه‌ای سنگین به دشمن وارد کردند.

۱۹ ژوئن ۲۰۱۲

در منطقه‌ی «شتازن» واقع در کوهستان «دوستکی» وابسته به منطقه‌ی «اورامار»،

در پی انجام عملیاتی علیه پایگاه نظامی ارتش ترکیه، ضربه‌ای سخت به دشمن وارد شد. در این حمله فداییان، ۲۵ گرילה شهید شدند که رفیق «زاگرس» و رفیق «بریتان» نیز در میان آنها بودند. رفیق «روژین گودا» (ثریا اصلان) فرماندهی عملیات‌هایی که در تمام طول پاییز در این منطقه انجام گرفت، در ۴ اکتبر در جریان یک حمله‌ی هوایی در کوهستان «چارچلا» به شهادت رسید.

۱۹ ژوئیه ۲۰۱۲

در پی انفجار بمبی در دمشق و بدنبال تضعیف حکومت مرکزی، مردم کوبانی مدیریت این شهر را بدست گرفته و انقلاب آزادی روژآوا آغاز گردید. انقلاب به صورت امواجی به شهرهای دیگر سرایت کرده و آزادی روژآوا در مدتی کوتاه حاصل گردید. همزمان با انقلاب آزادی روژآوا که جرقه‌ای از انقلاب آزادی کردستان بود، انقلاب دموکراتیک سوریه نیز آغاز گردید.

۱ آگوست ۲۰۱۲

رفیق «حسین ماهر»، عضو کمیته مرکزی PKK، در حالیکه در فرماندهی منطقه بوتان انجام وظیفه می‌کرد در پی برخورد با مین به شهادت رسید.

۴ سپتامبر ۲۰۱۲

در دوم سپتامبر، نیروهای ارتش ترکیه مستقر در شهر «بیت‌الشباب» از سوی گرילהا مورد حمله‌ی سختی قرار گرفته و ضربه‌ی سنگینی را متحمل شدند. پس از آن در پی حملات هوایی دشمن در ناحیه‌ی «کاتو مارینوس»، فرماندهان ایالت وان رفیق «محمد گویی»، «میرخاس» و «ریوان» به شهادت رسیدند.

۱۲ سپتامبر ۲۰۱۲

در راستای محکومیت حملات و قتل عام‌ها، ۴۸۳ زندانی در زندانهای ترکیه دست به اعتصاب غذای نامحدود زدند. این اعتصاب در ۶۸ مین روز خود در ۱۸ نوامبر و بدنبال درخواست رهبر اوجالان خاتمه یافت. در پی این اقدام روند جدیدی از گفتگوها میان رهبر آپو و دولت ترکیه آغاز گردید.

۲۳ - ۲۶ اکتبر ۲۰۱۲

چهارمین کنگره‌ی جوانان با مشارکت ۵۷ نماینده در کوهستان گاری برگزار شد. در این کنگره بر اساس استراتژی جنگ انقلابی خلق، در مورد مشکلات اجرایی و سازماندهی جوانان بحث و گفتگو به عمل آمد و «جنبش جوانان میهن‌دوست» YDG-H تأسیس شد. مدیریت جدید جمعیت جوانان نیز در پی برگزاری انتخابات برگزیده شد.

۳ - ۱۸ نوامبر ۲۰۱۲

در روز سوم نوامبر با حمله‌ی جنگنده‌های ترکیه به کوهستان خواکورک رفیق «کریم کاتو» و رفیق «حقی» شهید شدند. در ۱۸ نوامبر نیز رفیق «رشید سردار» در

حزب کارگران کردستان ۷۷

جریان مقاومت در برابر تهاجم نیروهای ارتش ترکیه در منطقه‌ی شمزینان به شهادت رسید. رفقا رشید، کریم و حقی از فرماندهان پیشاهنگی بودند که در منطقه‌ی شمزینان عملیات‌های سال ۲۰۱۲ را رهبری کردند و تاکتیک‌های روز را در آن دوره طراحی و اجرا کردند. آنها به سمبل پایداری و خلاقیت در جنگ آزادی تبدیل شدند.

۳ ژانویه ۲۰۱۳

دیالوگی که در جریان اعتصاب غذای زندانیان میان رهبر اوجالان و رهبری حزب عدالت و توسعه AKP صورت گرفت، به از سرگیری دیدارها و ملاقات‌های مجدد منجر شد. بر همین اساس، اولین هیئت حزب دمکراتیک خلقها HDP در دیدار از امرالی با رهبر اوجالان ملاقات کرده و ضمن بحث و گفتگو درباره‌ی راه حل مسئله‌ی کورد، نتایج آن را در اختیار افکار عمومی گذاشتند.

۹ ژانویه ۲۰۱۳

«سکینه جانسیز» (ساران) از اعضای مؤسس PKK همراه با «فیدان دوغان» و «لیلا شایلِمَز» از رفقای فعال در اروپا توسط یک عامل نفوذی میت به نام «عمر گونای» در پاریس به قتل رسیدند. این رویداد بر اساس تصمیم دولت حزب عدالت و توسعه AKP مبنی بر «ترور رهبران PKK» شکل گرفت. در پی این اقدام، رهبران AKP مانند طیب اردوغان، حسین چلیک و محمد علی شاهین با اظهاراتی شتابزده جهت به انحراف کشیدن موضوع، در واقع به جرم خود اعتراف کردند. ثابت شد که این ترور توسط سازمان اطلاعات و امنیت ترکیه MIT و به دستور دولت طیب اردوغان انجام شده است. اما با مرگ عمر گونای ۲۰ روز پیش از آغاز دادگاه در زندان، پرونده مختومه اعلام شد و دستگاه قضایی و پلیس فرانسه اقدامی درباره‌ی این ترور و شناسایی و مجازات آمران و عاملان آن انجام نداد.

۲۱ مارس ۲۰۱۳

رهبر اوجالان طی پیامی در میدان نوروز شهر آمد و با حضور ۳ میلیون نفر خواهان برقراری صلح و راه‌حل دموکراتیک مسئله شده و طی فراخوانی به هر دو طرف خواستار آتش بس و تلاشی همگانی در این راستا گردید. این پیام از سوی «پروین بولدان» و «سری ثریا اوندر» از اعضای هیئت امرالی قرائت گردید. پیام از سوی مردمی که با شور و اشتیاق فراوان در میدان جمع شده بودند، به شدت مورد استقبال قرار گرفت و مایه‌ی امید تمامی صلح‌دوستان شد. با این حال، روند چاره‌یابی دموکراتیک، که بر این اساس آغاز شده بود، به دلیل موضع‌گیری طیب اردوغان که از نوروز ۲۰۱۰ همه چیز را رد و متوقف کرد، نتوانست به نتیجه برسد.

۸ می ۲۰۱۳

در پی انجام دیدارها در زندان امرالی و توافقاتی که در چارچوب این دیدارها انجام گرفت، عقب‌نشینی گریلاها به خارج از مرز آغاز گردید. از سوی دیگر سربازانی که پیشتر به اسارت درآمده بودند به عنوان حسن نیت و نشانه‌ی صلح در ۱۳ ماه می آزاد

شدند. اما در پی عدم انجام اقداماتی که دولت AKP وعده داده بود، عقب نشینی گریلاها در پایان ماه ژوئیه متوقف شد. شرح این اوضاع در کنگره‌ی ۱۱ PKK در اختیار افکار عمومی گذاشته شد.

۳۰ ژوئن - ۵ ژوئیه ۲۰۱۳

نهمین اجلاس مجمع عمومی کنگره خلق در منطقه‌ی «خنیره» برگزار شد. بر اساس درخواست رهبر آپو در متن قرارداد (کنوانسیون) کنگره‌ی خلق اصلاحات و الحاقاتی انجام گرفت. ریاست مشترک شورای اجرایی، جایگزین ریاست شورای اجرایی شد. علاوه بر این، نهادهای «ریاست عمومی» و «شورای ریاست عمومی» به این قرارداد اضافه شد. رهبر آپو به عنوان ریاست عمومی KCK و شورایی ۶ نفره به عنوان شورای ریاست عمومی برگزیده شدند. همچنین تغییراتی در ریاست مشترک و شورای اجرایی صورت گرفت. ضمن تحلیل اوضاع سیاسی و عملکرد تشکیلات، شرح وظایف بر اساس روند تازه برنامه‌ریزی و تصویب شد.

۵ - ۱۳ سپتامبر ۲۰۱۳

یازدهمین کنگره‌ی PKK با مشارکت ۱۲۵ نماینده در منطقه‌ی «خنیره» برگزار شد. کنگره برنامه و اساسنامه‌ی جدید را که بر مبنای خلاصه‌ای از کتابهای «دفاع از یک خلق» و «مانیفست تمدن دمکراتیک» تنظیم شده بود را بررسی و تصویب کرد. بدین ترتیب خط‌مشی ملت دمکراتیک برنامه‌ریزی شد. در اساسنامه، «دبیرخانه‌ی عمومی» جایگزین «کمیته‌ی هماهنگ‌کننده (کوردیناسیون) حزب» و «کمیته‌ی مرکزی» جایگزین «مجلس حزب» شد. با این توجیه که PKK تنها به عنوان یک رهبری فلسفی و ایدئولوژیک کافی نیست و باید رهبری سازمانی را نیز به آن افزود، سازماندهی کمیته‌های فرعی را به آیین‌نامه افزودند. در کنگره ضمن تحلیل‌های گسترده‌ی ایدئولوژیک سازمانی، سیاسی و نظامی، برنامه‌ریزی‌های کاملی انجام گرفت. کنگره با انتخاب کمیته‌ای مرکزی مشتمل بر ۵۵ نفر به کار خود پایان داد. در نشست کمیته‌ی مرکزی که پس از کنگره برگزار شد، تکالیفی در مورد دبیرخانه عمومی و دبیرخانه‌های کمیته‌های مرکزی اعلام و تقسیم کار جدیدی انجام شد.

۱۰ - ۱۸ اکتبر ۲۰۱۳

هفتمین کنفرانس نیروهای مدافع خلق HPG با مشارکت ۱۹۴ نماینده در کوهستان گاری برگزار شد. در این کنفرانس ضمن تحلیل اوضاع و فعالیت‌ها، تصمیمات گسترده و برنامه‌ریزی‌های کاملی انجام گرفت. فرماندهی جدیدی بر اساس سیستم نوین قرارگاه و ستاد مرکزی پیشنهاد و تصویب گردید. یک برنامه بازسازی مفصل ایجاد شده و بر همین اساس فرایند بازسازی آغاز شد. تصمیمات لازمه در مورد تمامی مسائل، به ویژه آموزش، مشارکت و سازماندهی مجدد گرفته شد. در پی برگزاری نشست شورای فرماندهی، وظایف لازمه تنظیم گشته و ضمن یک بازسازی توانمند، آمادگی‌ها برای جنگ انقلابی خلق صورت گرفت.



ChronologyPKK

